

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نشریه پژوهشی روش با محوریت اقتصاد در بیانیه گام دوم

نشریه داخلی مدرسه علمیه آیت‌الله ابروآنی قم
شماره سوم، زمستان ۱۳۹۹

مدیر مسئول: کبری محمدی
سرمدیر: فهیمه نجف‌پور
مدیر داخلی: فرحناز قاسمی سراب
ویراستار: آمنه قربانی
اعضای هیئت تحریریه: حوراء شاه جعفری، شمسی کرمی، فرحناز قاسمی، فاطمه
کرمی، فهیمه نجف‌پور

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۴

مقالات علمی ۶

نقش مؤثر حجاب و عفاف بر پیشرفت جامعه و اقتصاد با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب ۶

جایگاه بانوان طلبه در جنگ اقتصادی با تأکید بر بیانیه گام دوم ۲۷

مستندات قرآنی و روایی راه‌حل‌های اقتصادی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۴۸

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در قرآن کریم با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام ۷۱

راه‌های مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاه دولتی با تأکید بر بیانیه گام دوم ۹۴

اصول طرح نامه نویسی ۱۱۰

بیانیه گام دوم انقلاب ۱۱۳

معرفی کتاب ۱۱۴

نشست علمی پژوهشی ۱۱۷

چکیده مقالات ۱۱۹

سخن سردیبر

با استمداد خداوند و یاری از حضرت بقیه‌الله الاعظم علیه السلام سومین شماره «نشریه پژوهشی روش با محوریت اقتصاد در بیانیه گام دوم» مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی رحمته الله علیه قم منتشر می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند؛ اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به‌دست‌آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر فرزانه انقلاب با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی ارائه فرموده‌اند. این بیانیه، انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی هست، نزدیک خواهد کرد.

رهبر معظم انقلاب در بند سوم بیانیه گام دوم وارد مباحث اقتصادی شده و با اشاره به اینکه اقتصاد قوی می‌تواند مانع سلطه بیگانگان گردد، ارتباط سیاست خارجی با اقتصاد را تبیین نموده‌اند. تاکید رهبری بر درون‌زایی اقتصاد کشور و برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهای موجود، رابطه سیاست های داخلی و خارجی برای برون رفت از مشکلات اقتصادی را مشخص نموده و ورود یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت را چاره کار می‌داند. به همین منظور در راستای این هدف، بخش‌های متنوع علمی برای نشریه در نظر گرفته شده است تا طلاب با هر توان و سلیقه علمی بتوانند در آن قلم بزنند. ازجمله این بخش‌ها: مقالات علمی، شرح بیانیه گام

دوم انقلاب، معرفی کتاب، منتخبی از کتب پیشنهادی مقام معظم رهبری، نشست علمی- پژوهشی با نگاه تکلیفی طلاب به بیانیه گام دوم، چکیده مقالات است. امید است این امر، گام مؤثری در راستای منویات مقام معظم رهبری علیه السلام در تحقق اقتصاد مقاومتی و رونق تولید باشد.

و من الله التوفیق

فهمه نجف پور

مقالات علمی

نقش مؤثر حجاب و عفاف بر پیشرفت جامعه و اقتصاد با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

نرگس اسدی^۱

چکیده

زنان به عنوان بخشی از جامعه بشری، همواره نقش سرنوشت‌سازی در تحولات سیاسی- اجتماعی داشته‌اند. زنان، با حجاب و عفاف خود در مقابل فرهنگ غربی، پایه‌گذار جنبشی نوین در عصر انحطاط اخلاقی شدند و از آنجاکه حجاب و عفاف اسلامی ضامن و پاسدار شخصیت همه افراد جامعه بوده، بی‌تردید از مهم‌ترین ارمغان‌های آن تحصیل سلامت روانی پایدار بوده است. بیانیه گام دوم در یک تقسیم‌بندی کلی شامل نگاهی به گذشته، حال و آینده بوده و از این منظر، سیاست‌ها و راهبردهای آینده را مشخص کرده است. هدف این مقاله ذکر نقش مؤثر حجاب و عفاف برای حکمرانی خوب برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب بوده است. مقاله حاضر، علمی تحقیقی و به روش کتابخانه‌ای است که به نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته است. بر پایه یافته‌های تحقیق در عرصه حاضر، عفاف و حجاب نه تنها از ارکان اصلی پیشرفت و توسعه سلامت روان، معنویت و اخلاق، زندگی اسلامی، اقتصاد، استقلال و عزت ملی هر کشوری محسوب شده؛ بلکه بقاء هر جامعه‌ای در گرو عفاف و حجاب بوده است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، جامعه، حجاب، عفاف، اقتصاد.

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی رحمته‌الله علیه، قم.

مقدمه

یکی از نیازهای حقیقی و مسلم در زمینه‌های اخلاقی و اجتماعی، مسئله حجاب و عفاف است. امروزه حجاب، همان پوشش مخصوص بانوان است که از معنای پرده منتقل شده و عفاف خویشتن‌داری و پاک‌دامنی بانوان است. هر چه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، تقدس و حرمت اخلاقی و رشد جامعه بیشتر خواهد بود. حجاب و عفاف آثار مثبتی در دو زمینه فردی و اجتماعی دارد که مهم‌ترین آنها آرامش و امنیت در بعد مسئولیت اجتماعی، استحکام خانواده، حفظ نیروی کار و اقتصاد، حفظ استقلال ملی است. با نگاهی به زنان در سه دهه گذشته انقلاب درمی‌یابیم که پس از انقلاب اسلامی، پوشش بانوان یکی از موضوعات بحث‌برانگیز جامعه بوده است. در حال حاضر که در چهل‌مین سالگرد انقلاب اسلامی قرارگرفته‌ایم، مقام معظم رهبری علیه‌السلام سیر پیشرفت انقلاب را در علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی بیان کرده‌اند. حجاب که یکی از برکات همین انقلاب است با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب و اجرایی‌شدن توصیه‌های حضرت آقا می‌تواند عامل مؤثری در سهولت پیشبرد این گام باشد. در تحقیق حاضر به دنبال نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب هستیم. به گونه‌ای که نقش مؤثر حجاب و عفاف در پیشبرد گام دوم انقلاب برای رسیدن به جامعه‌ای پویا ارئه شود. کتاب و مقاله‌ای که موضوع «نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» را مورد بحث قرار داده باشد، تاکنون توسط نگارنده مشاهده نشده است. گرچه تحقیقاتی درباره حجاب و عفاف و بیانیه گام دوم انقلاب به صورت کتاب و مقاله موجود می‌باشد. از جمله کتاب «حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن» محمود پاک‌نیا که در این کتاب کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب مورد تحقیق واقع شده است، ولی به نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر

بیانیه گام دوم انقلاب نپرداخته است؛ بنابراین کتاب مذکور نمی‌تواند پاسخگوی چگونگی نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب باشد. یا کتاب «فلسفه حجاب» حسین مهدی‌زاده که در آن به‌صورت کلی به فلسفه حجاب و لازمه داشتن آن پرداخته شده است، ولی به نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب نپرداخته است.

آنچه تحقیق حاضر را متمایز می‌کند، نگاه متفاوت آن به نقش حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب است. از این‌رو ضرورت شناخت نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب آشکار می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع نقش حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، مسئله اساسی این پژوهش عبارت است از: نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم چیست؟ نقش مؤثر حجاب و عفاف در شکل‌گیری اخلاق، معنویت و سبک زندگی اسلامی جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟

۱. مفهوم‌شناسی حجاب و عفاف

۱.۱. واژه حجاب

حجاب مصدر «حجب، یحجب» است و در کتاب‌های لغت از نظر لغوی به‌معنای «مانع»، «پوشش» و «پرده» آمده است. در قاموس به نقل از اقرب الموارد آمده است: «حجب و حجاب» هر دو مصدر و به‌معنای پنهان کردن و منع از دخول است. معنای لغوی حجاب در اندیشه شهید مطهری رحمته‌الله «کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم معنی پرده که بیشتر استعمال آن به‌معنای پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است. پوششی، حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد». (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۴۲۹) معنای لغوی حجاب در تفسیر نمونه چنین آمده است: «کلمه حجاب در قرآن مجید به‌معنای پرده یا حائل به‌کار رفته

است؛ مانندسوره احزاب که آمده از زنان پیامبر ﷺ متاعی خواستید از پس پرده بخواهید». (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۱۷، ص ۴۰۲) حجاب در فرهنگ لغت معین: پرده، نقابی که زنان چهره خود را بدان می‌پوشانند، روبند یا چادری که زنان سرتاپای خود را با آن می‌پوشانند. حجاب همچنین به معنی پوشش و زن محجوب، یعنی زنی که با پوششی، پوشیده شده است. (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۲۵۲).

۱،۲. عفاف

کلمه «عفاف» از ماده «عفف» که در لغت به معنای «خودداری کردن و بازداشتن نفس از هر چه حلال و زیبا نیست». (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۹) عفاف با فتح حرف اول از ریشه «عفت» است و راغب اصفهانی در مفردات خود عفت را در اصطلاح این‌گونه معنا می‌کند: «حصول حالتی برای نفس که به وسیله آن از غلبه کردن شهوت (بر عقل) امتناع می‌ورزد. همچنین عفت در اصطلاح به معنای خودداری از آنچه زیبا و شایسته نیست، خودداری از حرام‌ها و طمع‌های پست است». (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۹) در گویش فارسی، عفاف با کسر حرف اول و به معنای پاکدامنی است. (دهخدا، ۱۹۳۱، ج ۱۰، ص ۸۹) از بررسی معنای حجاب و عفاف این‌چنین برداشت می‌شود که مراد از حجاب و عفاف در این پژوهش عبارت است از: پوشش و خویشنداری و پاکدامنی بانوان در مواجهه با نامحرم است. «عفاف» حالتی درونی و نفسانی است که غرایز را تعدیل و تحت کنترل خود درمی‌آورد. «حجاب» نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد عفت در به کنترل درآوردن و تعدیل غریزه خودنمایی و جلوه‌گری است. این سخن که از مهم‌ترین بحث‌های عفاف، حجاب است، سخنی گزاف نیست؛ زیرا حجاب، نقش ویژه‌ای در کاهش تحریکات جنسی در جامعه به عهده دارد. «درخصوص ارتباط این دو واژه، در اصل در معنای «منع» و «امتناع» مشترک هستند و هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر باشد، این

نوع حجاب در تقویت و پرورش عفت، تأثیر بیشتری دارد و بالعکس هر چه عفت باطنی و درونی بیشتر باشد، حجاب و پوشش ظاهری در مواجهه با نامحرم بیشتر می‌شود». (رفیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۳)

۲. نقش مؤثر حجاب و عفاف بر جامعه

۲.۱. نقش حجاب و عفاف در معنویت و اخلاق

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم در رابطه با معنویت و اخلاق فرمودند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص و ایثار در خود و جامعه است و اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، تواضع و دیگر خلیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. اخلاق و معنویت با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با اجبار ایجاد کنند. اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی کمک کنند». وجود معنویت و اخلاق در جامعه، لزوم حجاب و عفاف را به دنبال دارد. چه کسی باید معنویت و اخلاق را در گوش انسانی که می‌خواهد از دستورات الهی پیروی کند و مظهر اخلاق شود و معنویت را در خود پرورش دهد، زمزمه کند؟ جز خانواده که جامعه‌ای کوچک است و تربیت صحیح آن در پرورش مدیران کارآمد اثر بسیاری دارد، هیچ کانونی نمی‌تواند این مسئولیت را به دوش گیرد. خانواده‌ای که یک زن مسلمان عفیف با تربیت صحیح فرزندان به توسعه معنویت و اخلاق در جامعه کمک می‌کند. «زنان باحجاب نه تنها مایه امنیت اخلاقی جامعه‌اند؛ بلکه به امنیت جامعه از بلاها نیز کمک می‌کنند؛ زیرا خدا کریم‌تر از آن است که جامعه‌ای را که زنان پرهیزگار، با حجاب خود، خدا را بندگی می‌کنند عذاب کند». (اکبری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳) همچنین که در تفسیر القرطبی آمده: «اهالی شهری که چهار چیز در آن باشد، از بلا در امان

هستند. یکی از آن موارد، زنان باحجاب هستند که مانند جاهلیت پیشین خودنمایی نمی‌کنند». (همان) زنی که می‌خواهد انسان‌هایی جامعه‌ساز تحویل جامعه دهد، باید ابتدا خود از معنویت و اخلاق بهره‌مند شود؛ زیرا آنگاه که اعتقادات و ایمان در بانوان، سست باشد تمایل به خودنمایی در آنها قوت می‌یابد. (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۳) «یکی از فواید حجاب و پوشش بانوان، تعدیل غریزه تبرج جاهلی و خودنمایی آنان در مواجهه با مردان نامحرم و تسهیل خودسازی روحی و معنوی است». (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۸۸) زن خودساخته می‌تواند ضامن معنویت و اخلاق جامعه شود. در روایات هم به اهمیت حجاب و عفاف برای داشتن معنویت اشاره شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر بی‌حجابی و بی‌بندوباری زنان نبود (آنقدر ایمان و اخلاق مردم خوب می‌شد که هیچ کس از خدا نافرمانی نمی‌کرد و) خدا حقیقتاً مورد پرستش قرار می‌گرفت». (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۳۵)

پس زن خودساخته می‌تواند ضامن معنویت و اخلاق جامعه شود. از این رو باید در حفظ آن کوشید و درواقع حجاب اسلامی توجه به تهذیب و تزکیه نفس و ملکات نفسانی است که زمینه رشد معنوی مردان را نیز فراهم می‌کند.

۲.۲. نقش حجاب و عفاف در جلوگیری از فساد اخلاقی

حجاب و عفاف از فسادهای اخلاقی در جامعه جلوگیری می‌کند. تأثیر بی‌حجابی در فساد اخلاقی به‌حدی است که مستکبران و غارتگران با فاسدکردن اخلاق جوامع و شیوع فحشا، همیشه از آن برای تسلط بر فرهنگ‌ها و ملت‌ها سود برده‌اند تا جایی که در پروتکل سیاستمداران یهودی آمده است: «ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا، ویران شود تا راه سیطره را بگشاید. فروید از ماست و به‌زودی رابطه جنسی زن و مرد چنان آشکارا و برملا انجام می‌شود که در نظر جوان، هیچ چیز مقدسی وجود نداشته باشد و پیوسته همت او صرف اشباع غرایز شهوی‌اش گردد. در این صورت است که اخلاق فرو

می‌ریزد». (رجبی، ۱۳۸۷، ص ۱۶) اینجا باید گفت: «چرا در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی و فساد اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله مجلات و سینماها و تئاترها و محافل رسمی و غیررسمی و حتی خیابان‌ها و کوچه‌ها انجام می‌شود». (جعفریان، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۵)

از آموزه‌های اسلامی می‌توان دریافت، اسلام آنچه را که به فرد یا جامعه آسیب می‌رساند یا برای روح، جسم، عقل، عواطف، شخصیت، آزادی و آینده انسان زیان‌بار باشد، تحریم می‌کند؛ زیرا در نظر اسلام، محور اصلی، انسان است، نه اقتصاد، مال و ثروت». (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵) به همین علت، اسلام، بی‌حجابی و بی‌عفتی را منع و تحریم کرده که ثمره‌اش جز به خطر انداختن جامعه نیست و وجود حجاب و عفت را در فطرت انسان‌ها نهادینه کرده تا آنها با وجود این دو نعمت الهی مسیر زندگی را به سوی رسیدن به کمال طی کنند و از آفات و ضررها دور باشند.

۲،۳. نقش حجاب در سلامت روانی جامعه

یکی از عوامل ایجاد سلامت روانی در جامعه، عدم تحریک جنسی است. اسلام، بی‌حجابی و بدحجابی را نهی کرده است؛ زیرا سلامت روانی را از جامعه سلب می‌کند و در مقابل، تأکید بر داشتن حجاب و عفاف برای ایجاد امنیت و سلامت روانی داشته است. یکی از مواردی که به عنوان فلسفه حجاب می‌توان مطرح کرد، جلوگیری از تحریک مردان است. برهنگی زنان افزون بر تحریک مردان، هیجان‌های بیمارگونه عصبی و بیماری‌های روانی را در پی خواهد داشت. (وزارت شئون اسلامی، توجیهات اسلامی لاصلاح الفرد و المجتمع، ص ۳۱۴) از این رو مهم‌ترین دلیل پوشش زن، حضور عقیقانه او در اجتماع است تا سلامت روانی جامعه را پی‌ریزی کند و از حرکات بیمارگونه در اجتماع جلوگیری کند. «ازهم‌گسیختگی نظام خانواده، وجود بیماری‌های روانی ناشی از

تحریک‌های مستقر در جوانان، سیر نزولی اخلاق اجتماعی و معنویت از آسیب‌های اجتماعی است که منشأ اصلی آنها غفلت از خداوند، عدم توجه به احکام و حدود الهی، همچنین حجاب و پوشش است که بهداشت روانی جامعه را به خطر می‌اندازد». (صفیاری، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷-۱۵۶)

در رابطه با نقش حجاب در سلامت روان در میزان، تفسیر آیه ۵۳ سوره احزاب آمده است: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾؛

ضمیر «هن» به همسران رسول خدا ﷺ برمی‌گردد و درخواست متاع از ایشان، کنایه از این است که مردم با ایشان درباره حوائجی که دارند، سؤال کنند و معنایش این است که اگر به سبب حاجتی که برایتان پیش آمده ناگزیر شدید با یکی از همسران پیامبر ﷺ صحبت کنید از پس پرده صحبت کنید.

﴿ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾؛ این جمله، مصلحت حکم مزبور را بیان می‌کند و می‌فرماید: «برای اینکه وقتی از پشت پرده با ایشان صحبت کنید، دل‌های شما دچار وسوسه نمی‌شود و در نتیجه این رویه، دل‌های شما را پاک نگه می‌دارد». (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ص ۵۰۷) نفس آدمی دریایی از تمایل‌ها است و زمانی که به چیزی میل پیدا کند، همانند دریا در تلاطم می‌افتد تا به آن دست پیدا کند. از این رو برای جلوگیری از چنین موقعیت طاقت‌فرسایی، حجاب داروی درمان و ایجادکننده سلامت روانی است؛ بنابراین یکی از عوامل مهم برای برخورداری جامعه از سلامت روانی، وجود حجاب و عفاف است.

۲.۴. نقش حجاب و عفاف در سبک زندگی

حجاب و عفاف بانوان در نوع نگاه آنها به سبک زندگی بسیار مؤثر است. حجاب و عفاف در بانوان، نشانگر وجود دین در اعتقاد آنها است. پس سبک

زندگی آنها نیز دینی خواهد بود. بر خلاف عده‌ای که بی‌حجابی و بی‌عفتی آنها نشانگر آزادی عمل آنها و عدم وجود دین در اعتقاد آنها است که معمولاً این‌گونه افراد از قید خانه و خانواده دور شده و سبک زندگی غربی را پیش گرفته‌اند. آزادشدن از قید خانه و خانواده به معنای از دست دادن آرامش و امنیت روانی است. خانه را مسکن گویند؛ زیرا محل سکونت و آرامش روحی برای انسان است. اگر زن، این مکان امن و سکون و محل شکوفایی استعدادها و نیروهای درونی‌اش را از دست بدهد، آرامش و سلامت روانی خود و خانواده را از دست خواهد داد. استرس‌ها و فشارهای روانی که امروزه دامن‌گیر خانواده‌های غربی شده، به این دلیل است که بی‌عفتی و بی‌حجابی و آزادی روابط، سبب شده آنها از زندگی در خانه بیزار شوند و وظایف خود را فراموش کنند. این فراموشی وظایف از طرف یک زن که هم همسر و هم مادر است بسیار زیانبار است. این رویه را استعمارگران غربی می‌خواهند بر جامعه اسلامی پیاده کنند تا خانواده‌ها متزلزل شوند و در نتیجه به خواسته خود که تسلط بر جوامع اسلامی است، دست پیدا کنند. مبدا جنایت استعمارگران غرب که با سبک زندگی غربی ارزش‌های مادی را در اولویت قرار داده‌اند، مقام والای مادری را به دست نسیان بسپارد و آن را کمتر از سمت‌های دیگر قرار دهد و خانه‌داری و مدیریت داخلی خانواده که رکن اصلی سبک زندگی اسلامی است، کم رنگ شود.

اینکه عده‌ای تصور می‌کنند کثرت طلاق به سبب حجاب است دچار اشتباه شده‌اند زیرا؛ «کثرت طلاق به سبب حجاب نیست. غالباً طلاق مستند به این است که شوهر از انس و محبت زن خود دست کشیده و برای خود، کس دیگری را رفیق و طرف عشق قرار می‌دهد که آن هم از آثار بی‌حجابی است نه از آثار حجاب». (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷). اگر حجاب و عفاف در جامعه رعایت شود و روابط جنسی بر خلاف میل غربی‌ها به محیط خانه محدود شود،

زندگی سبک اسلامی به خود می‌گیرد و به سبب آن استحکام خانواده حفظ می‌شود؛ اما اگر خودنمایی و آرایش و تحریک در یک اجتماع بشری اوج پیدا کند و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گردد که این امر، ثمره بی‌عفتی است، خانواده نیز دچار تزلزل می‌شود و به تبع آن جامعه رو به زوال می‌رود.

۲،۵. نقش حجاب و عفاف در مبارزه با بی‌بندوباری

یکی دیگر از نقش‌های حجاب و عفاف، مبارزه با بی‌بندوباری است؛ زیرا با حفظ حجاب و عفاف در جامعه، زمینه‌ای برای بی‌بندوباری ایجاد نمی‌شود. بی‌حجابی و بی‌عفتی سبب آزادی روابط زن و مرد است که این آزادی نمونه‌ای از بی‌بندوباری است. دکتر مکیه مزا درباره آثار مخرب آزادی روابط زن و مرد در نظام خانواده که این آزادی ثمره عدم حجاب و عفاف است، می‌نویسد: «یکی از آثار بی‌بندوباری این است که مردان از تشکیل خانواده، خودداری می‌کنند؛ زیرا لذت‌های جنسی برای آنها همیشه فراهم است و به آسانی می‌توانند به آن برسند، بدون آنکه بخواهند خود را در قید و بند خانواده و مشکلات آن قرار دهند». (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۹، ص ۴۳۷). در روایت‌ها این‌گونه روابط مورد مذمت قرار گرفته. امام رضا علیه السلام وجود روابط آزاد بین زن و مرد را علت بسیاری از جنایات و مفاسد اخلاقی معرفی می‌کند. (همان، ص ۳۱) که نتیجه نبودن حجاب و عفاف است. قرآن در سوره نور آیه ۳۰، با توجه به روحیه تهاجمی مردان از آنان می‌خواهد که نگاه‌های خود را فرو نهند و دامن خود را از آلودگی‌های جنسی پاک نگه دارند. خطاب آیه بعد از سوره نور، متوجه زنان شده که ضمن ارائه توصیه‌های مشابه مردان در فرونهادن چشم و حفظ پاک‌دامنی خودشان، نسبت به برخی زیورآلات و زینت‌های زنان برای افراد نامحرم و مهار علایم غیرکلامی در سطح زنان است. سوره احزاب آیه ۵۹ با طرح جلباب، خاطرنشان می‌سازد که جلباب (بلندتر از روسری) پوشش

مناسب‌تری برای زنان است. آیات دیگری هم درباره اهمیت حجاب و عفت وجود دارد که همواره لزوم حجاب و عفت را برای انسان متذکر می‌شود؛ زیرا حجاب و عفاف به دور نگه داشتن جامعه از بی‌بندوباری کمک می‌کند.

۲.۶. نقش حجاب و عفاف در توسعه علم و پژوهش

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم در رابطه با مسئله علم و پژوهش فرمودند: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش توانست ثروت و قدرت دویست هزار ساله فراهم کند و باوجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی با تحصیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به‌دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند غرب، توصیه نمی‌کنیم؛ اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم». جوشانده‌شدن چشمه دانش نیازمند عواملی است که یکی از عوامل آن وجود سلامت روانی است و حجاب و عفاف زنان زمینه‌ساز این سلامت روانی و به‌سبب آن پیشرفت و توسعه علم و دانش است. زنان و مردان باید بتوانند برای مسائل مهم جامعه که به علم و پژوهش، گره خورده است، تمرکز بالایی داشته باشند. «بی‌حجابی جدّیت خود زنان را به کار، کم می‌کند چون تمرکز او به خودآرایی و خودنمایی مشغول می‌شود. درحالی که لازمه کار و تلاش جدی و پربار تمرکز حواس است». (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸).

برخی از اثرات حجاب در دوران انقلاب که سبب پیشرفت جامعه بوده است عبارت‌اند از:

۱. مشارکت بانوان در عرصه‌های مختلف؛
۲. افزایش محصلین و دانشجویان زن و دختران محصل در مراکز عالی؛
۳. زنانی که در مراکز پزشکی و درمانی و در مراکز گوناگون علمی در این کشور مشغول کار و تحقیق هستند؛

۴. زنانی که در صحنه سیاست کشور و در عرصه مجامع بین‌المللی حضور قدرتمندانه پیدا می‌کنند (همان).

در کتاب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن، یکی از کاربردهای حجاب که با حکم تکلیفی به رعایت آن در ارتباط است، آمده: حجاب تضمین حضور جدی زن در جامعه است. (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۲۹) کتاب جایگاه زن در اندیشه امام خمینی علیه السلام به‌خوبی بیانگر این موضوع است که باوجود قانونی‌شدن حجاب بعد از انقلاب بر خلاف پیش از انقلاب، حضرت امام علیه السلام انحصار علم و امور فرهنگی را در دست جنس و طبقه خاصی مردود می‌شمردند و زنان را به تلاش برای ارتقای سطح علمی و عمومی‌شان دعوت می‌کردند. پس اینکه عده‌ای بر این باورند که بعد از انقلاب، حجاب، مانع بزرگی برای آزادی بوده، کاملاً در اشتباه هستند. زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است و وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند، انجام دهد. چنانچه بانویی مایل است پزشک شود، فعالیت‌های اقتصادی کند در رشته‌های علمی کار یا پژوهش کند برای او میدان‌ها باز است. البته به شرط رعایت حجاب و عفاف تا بتواند در مسیری که انتخاب کرده رشد کند و از آن بهره گیرد. رهبر معظم انقلاب علیه السلام می‌فرمایند: «ما معتقدیم زنان در هر جامعه سالم بشری قادرند و باید فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه خویش را در پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره این جهان به‌عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. هدف از آفرینش هر فرد انسان، هدف آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره‌بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می‌تواند به آن فضایل آراسته شود. فرقی هم بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش در درجه اول، فاطمه زهرا علیها السلام و در درجه بعدی دیگر زنان بزرگ تاریخ است». حال برای اینکه جامعه‌ای بخواهد در سطح بالای علمی و پژوهشی قرار بگیرد ملزم است

از زمینه‌های ایجادکننده این پیشرفت استفاده کند که داشتن حجاب و عفاف بانوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌سازهای این امر است.

۲,۷. نقش حجاب و عفاف در سلامت اقتصادی

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در رابطه با اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب فرمودند: «اقتصاد قوی، عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اینکه کسی گمان می‌کند مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضداستکبار و تسلیم‌نشدن در برابر دشمن است. پس راه‌حل زانوزدن در برابر دشمن، خطایی نابخشودنی است. راه‌حل مشکلات، اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد زمانی می‌تواند به شکوفایی و رشد مناسب خود برسد که بسترهای مناسب آن فراهم آید». اقتصاد مقاوم قبل از هر چیزی به مردم مقاوم و باانگیزه نیازمند است. اقتصاد مقاومتی نیاز به جوانانی مؤمن، دانا و کارآمد دارد. «یکی از فواید حجاب اسلامی در بعد اجتماعی این است که موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت در اجتماع می‌شود و در برابر آن بدحجابی و بی‌حجابی و کشانیدن تمتعات جنسی و شهوانی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماعی را ضعیف می‌کند». (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸)؛ بنابراین حجاب و عفاف، نقش مهمی در سلامت و توسعه اقتصاد جامعه دارد.

۲,۸. نقش حجاب و عفاف در تلاش و فعالیت بیشتر

حجاب مانع فعالیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیست. آنچه مانع کار بیشتر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است، بی‌حجابی یا بدحجابی است؛ زیرا در صورت باحجاب‌بودن، وقت مردان صرف هوا و هوس و چشم‌چرانی و وقت زنان صرف آرایش‌کردن نمی‌شود. (www.tebyan.ir)

۲,۹. نقش حجاب و عفاف در مبارزه با غرب‌زدگی

اقدامات بیگانگان در زمینه کشف حجاب و کشاندن زنان به عرصه‌های بی‌عفتی با نام آزادی و پیشرفت و ترقی زنان، تنها با انگیزه‌های سیاسی نبوده و نظام سرمایه‌داری غرب برای بازاریابی کالاهای تولیدشده و داشتن مصرف‌کننده بیشتر، همواره سعی در بهره‌کشی از زنان داشته و با از میان برداشتن حجاب و عفاف زنان و مسخ فرهنگی آنان، بازار مصرف آنها گرم و سود بیشتری به جیب کمپانی‌های بزرگ سرازیر می‌شود. با این حال، حجاب سد راه آنهاست. چراکه در دنیای سرمایه‌داری اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، دیگر مصرف‌کننده لایقی برای سرمایه‌داران غربی نخواهد بود و نیز وظیفه دیگرش را که انحطاط اخلاق جوانان، ضعف اراده آنها و ایجاد رکود در فعالیت‌های اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام نخواهد داد. پس با کشف حجاب است که مصرف‌زدگی به‌شدت رواج می‌یابد. (همان) بنابراین حجاب و عفاف، عامل مهمی برای مبارزه با غرب‌زدگی است.

۲.۱۰. نقش حجاب و عفاف در کاهش مدپرستی

استفاده از حجاب و پوشش به‌ویژه در شکل چادر مشکی، می‌تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد (www.farsnews.com). در این صورت زنان احساس نیاز نمی‌کنند که برای عقب‌نماندن از قافله مد، با لباس جدید برای عرضه اندام به کوچه و خیابان بیایند و مانند افرادی که هیچ فعالیت و مسئولیتی در مقابل خود و خانواده و اجتماع ندارند، بر سر کیف و کفش و لباس جدید با هم رقابت داشته باشند و سود این رقابت و رنگارنگ‌شدن هر روز به جیب سرمایه‌داران و تولیدکنندگان غربی برود. باوجود اینکه بسیاری از این مصارف غیرعقلانه، اسراف و تجمل‌پرستی است، مانند یک عطش روحی اشباع نشدنی هر روز گسترده‌تر می‌شود.

۲,۱۱. نقش حجاب و عفاف در حفظ سلامت جسمی

حفظ سلامت جسمی یکی از آثار مهم رعایت حجاب و عفاف در جامعه است. عدم پوشش مناسب زنان و به دنبال آن بی‌بندوباری جنسی علاوه بر اثرات روحی و روانی، پیامدهای جسمی و هزینه‌های اقتصادی زیادی را به دنبال دارد. همچون ایدز که در اکثر موارد، توسط افراد بی‌بندوبار در روابط جنسی آزاد به وجود آمده است. (همان) همه‌ساله میلیاردها دلار صرف درمان و ساختن واکسن برای پیشگیری از این بیماری می‌شود. با رعایت حجاب و عفاف که برای روابط افراد در جامعه چارچوب قرار می‌دهد و لذت‌های جنسی را محدود به خانه و همسر می‌کند، جامعه کمتر دچار هزینه‌های اضافی برای درمان بیماری‌هایی مانند ایدز می‌شود.

۲,۱۲. نقش حجاب و عفاف در استیفای نیروی کار

زنانی که اکثر فکر آنها طرز آرایش و به خود بستن زیبایی‌های ظاهری و پوشیدن لباس‌های رنگارنگ باشد، بدیهی است که از ایفای نقش اجتماعی که پذیرفته‌اند، بازخواهند ماند یا حداقل سهم عظیمی از نیروی بالقوه خود را هدر خواهند داد. البته موضوع به اینجا ختم نمی‌شود؛ زیرا چنین بانوانی موجب پریشانی افکار مردان خواهند شد و جامعه در زمان کوتاهی قسمت عمده‌ای از نیروهای بالقوه (زن و مرد) خود را که باید در راستای پیشرفت، سازندگی و فعالیت‌های سالم به کار گرفته شود از دست داده. به این ترتیب نیروهای مثبت به مرور تبدیل به نیروهای منفی و بازدارنده خواهند شد. عدم رعایت حریم محرم و نامحرم در محیط‌های آموزشی نیز موجب اختلال روانی جوانان و عدم تمرکز حواس آنها شده و افت تحصیلی را در پی خواهد داشت. (رهنما، ۱۳۹۴، ص ۵۱) محیط ادارات که باید محیط کار، تلاش، تولید و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد، نباید به نمایشگاه مد و روابط ناسالم بین زنان و مردان تبدیل شود؛ بنابراین از گام‌های اساسی در جهت بازدهی بالای نیروی

کار باید از طریق ادارات و مراکز تحت پوشش دولت برای ریشه‌کن‌سازی مظاهر فساد و بدحجابی اقدام شود تا با رعایت شئون اسلامی یعنی حجاب و عفاف بین افراد، استیفای نیروی کار به‌عمل آید.

۲،۱۳. نقش حجاب و عفاف در مبارزه با فساد اقتصادی

یکی دیگر از نقش‌های حجاب و عفاف در جامعه مبارزه با فساد اقتصادی است. از دست رفتن حجاب و عفت زنان به قدری معایب تولید می‌کند که روح مردم را فاسد می‌سازد و اگر کشوری دچار آن شود بدبختی زیادی از آن ناشی می‌شود. به همین جهت، قانون‌گذاری خوب همواره عفت را به زنان توصیه می‌کند و از آنها وقار و رعایت موازین اخلاقی را توقع دارد. هنگامی که رشوه‌خواری و درآمدهای نامشروع در جامعه شایع شود، چگونه می‌توان از عامه مردم انتظار داشت بر پیکره مقاومت وارد شوند و از نظام اقتصادی موجود حمایت کنند. افرادی که در جریان توسعه ثروت و قدرت به‌دنبال فساد اقتصادی هستند، نقطه مصرف درآمد و سود کلان اقتصادی با فساد درآمدشان، عرصه لذت، عیاشی و تولید فساد اخلاقی است. این گروه از افراد، مولد فساد اخلاقی هستند. آنهایی که در عرصه فساد اخلاقی هستند با مفاسد اخلاقی به‌دنبال جمع‌آوری پول به‌عنوان توسعه تجمّل و درآمد هستند. پس فساد اخلاقی، علت فساد اقتصادی است و ملازم یکدیگر هستند و کلیدواژه آنها بی‌حجابی و بی‌عفتی است. زمانی که بنا شد یک زن و دختر جوان با کشف حجاب، صورت آرایش‌کرده و موی پریشان خود را در اختیار نگاه‌های زهرآلود مردان هرزه قرار دهد، فساد اخلاقی توسعه پیدا می‌کند. با فساد اخلاقی، انسان‌هایی که می‌خواهند این شهوت‌رانی تحریک شده و این عیاشی‌های به‌روشنایی رسیده با این بی‌حجابی را عملی کنند، راهی جز آلوده‌شدن به دزدی، اختلاس، رشوه و جنایت‌های اقتصادی ندارند. بر این اساس اخلاق از اینجا فاسد می‌شود. وقتی بنا شد حوزه غریزه جنسی یک جامعه آنقدر بی‌بندوبار

گسترش پیدا کند که هر عنصر بی‌پروایی در رهگذر غریزه جنسی مردان هرزه قرار گیرد، این جامعه بستر و مهد فسادها (چه اجتماعی، چه اقتصادی و...) است در این راستا مسئولین باید به فکر چاره‌اندیشی باشند که یکی از راهکارهای مقابله با این نوع فساد تکیه بر راه‌های تقویت و گسترش حجاب و عفاف است. حجاب و عفاف که مهم‌ترین دستاوردش مقابله با مفاسد و ایجاد امنیت و آرامش فردی و اجتماعی است؛ «پوشش نقش مهمی در پیشگیری از جرم، برقراری امنیت و سلامت روانی جامعه دارد؛ به‌گونه‌ای که نمی‌گذارد زنان آماج جرایم قرار بگیرند و با خارج کردن زن از معرض جرم، برای او یک پوشش امنیتی ایجاد می‌کند». (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۱۳).

همسفر جاسوس انگلیسی زمان ناصرالدین شاه قاجار درباره زنان ایران گفته بود: «زنان آنها دارای حجاب محکم هستند و نفوذ فساد در میان آنها و مردان ممکن نیست». (اکبری، ۱۳۹۶، ص ۲۴). حتی دشمنان ایران هم می‌دانستند که حجاب، مصونیت از فساد را به‌دنبال دارد. بنابراین برای جلوگیری از فساد اقتصادی یکی از عوامل کمک‌کننده، وجود حجاب و عفاف بانوان است.

۲.۱۴. نقش حجاب و عفاف در حفظ استقلال جامعه

یکی دیگر از ثمرات حجاب و عفاف، ایجاد استقلال و آزادی در جامعه است. آزادی و استقلالی که بنای آن با پاکدامنی زنان مسلمان است. زنانی که با حفظ حجاب و عفاف خود چشمه‌های غیرت و توانایی، دانایی، همت و شجاعت مردان را به‌جوش می‌آورند. «زن، نقش سازندگی غیرمستقیم تاریخی خود را مدیون اخلاق ویژه جنسی خویش یعنی حیا و عفاف و تقوا و دورباش زنانه خویش است. آنجا که زن، دورباش حیا و عفاف را حفظ نکرده و خود را به ابتذال کشانده، این نقش تاریخی را از دست داده است. به حق درباره حیا و عفاف زن گفته شده است: حیا پاداش‌های خود را پس‌انداز می‌کند و در نتیجه نیرو و شجاعت مرد را بالا می‌برد و او را به اقدامات مهم وامی‌دارد، قوایی را که

در زیر سطح آرام حیات، ذخیره شده است، بیرون می‌ریزد». (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۲۲۵). حجاب و عفاف، خویشن‌داری و توانایی برجسته روحی به انسان می‌دهد تا وی در برابر هجوم سرکش هوی و هوس پایداری کند و در فراز و فرود زندگی، به کمال برسد. با به کمال رسیدن افراد، جامعه هم به کمال می‌رسد. اگر آزادی به معنای بی‌بندوباری و بی‌حجابی، دال بر تمدن و پیشرفت باشد، باید گفت: انسان‌ها سال‌های زیادی از حیوان‌ها عقب‌تر هستند. «اگر زن شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شود، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند». (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۴، ص ۱۲). استعمارگران برای اینکه ملتی را به سلطه خود دریاورند باید فرهنگ آن ملت را بگیرند و آن ملت را بی هویت کنند. پس به سراغ ملت‌سازها و مربیان ملت یعنی بانوان می‌روند. چون می‌دانند از دامن زن، مرد به معراج می‌رسد و می‌دانند اگر زن را فاسد کنند و او را مشغول بی‌بندوباری کنند تا وظیفه اصلی خود را که انسان‌سازی است، فراموش کند، می‌توانند ملت را فاسد کنند و ملت فاسد، استقلال و عزتی ندارد. ملتی که به شهوت خود مشغول است، دیگر به دنبال علم و پژوهش، اخلاق، زندگی اسلامی، اقتصاد مقاومتی، مبارزه با فساد و داشتن استقلال و آزادی که ثمره تمامی اینها عزت ملی است، نیستند. حجاب و عفاف که فرمان الهی است با بیانیه گام دوم انقلاب پیوند خورده است؛ بنابراین برای دستیابی به جامعه‌ای پویا ناگزیر هستیم، از این فرمان الهی که ضرورت آن در قرآن کریم و روایات به صورت مطلوب بیان شده، پیروی کنند.

نتیجه‌گیری

حجاب و عفاف بانوان، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف انقلاب حتی جلوتر از مردان دارد و همچنین نقش مهمی در پیشگیری از مفاسد و برقراری امنیت و سلامت جامعه دارد. با توجه به نتایج به دست آمده نقش حجاب و عفاف بانوان

در جامعه، ایجاد معنویت و اخلاق، جلوگیری از فساد اخلاقی، سلامت روانی جامعه، سبک زندگی با نوع اسلامی، مبارزه با بی‌بندوباری، توسعه علم و پژوهش، سلامت اقتصاد، سلامت جسمی، استیفای نیروی کار، مبارزه با فساد اقتصادی، استقلال، آزادی و عزت ملی است. حجاب و عفاف بانوان، امری ملزم برای دستیابی به جامعه‌ای پویا و اجرایی‌شدن توصیه‌های بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است. نقش‌های حجاب و عفاف بر بیانیه گام دوم انقلاب، نقش حجاب بر علم و پژوهش: حجاب و عفاف با ضمانت بر ایجاد امنیت روانی زنان و مردان جامعه، رشد علمی افراد جامعه را به همراه دارد. نقش حجاب و عفاف بر معنویت و اخلاق: حجاب و عفاف موجب دوری از بی‌بندوباری و ایجاد امنیت روانی است و در نتیجه زمینه‌ساز رشد اخلاقی و معنوی است. نقش حجاب و عفاف بر اقتصاد و مبارزه با فساد اقتصادی: حجاب و عفاف بانوان، موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت در اجتماع شده و سبب می‌شود افراد برای عیاشی خود دست به فساد اقتصادی نزنند. نقش حجاب و عفاف در سبک زندگی: اگر حجاب و عفاف در جامعه رعایت شود و روابط جنسی بر خلاف میل غربی‌ها به محیط خانه محدود شود، زندگی سبک اسلامی به خود می‌گیرد و به سبب آن استحکام خانواده حفظ می‌شود. نقش حجاب و عفاف در استقلال و آزادی: با حفظ حجاب و عفاف بانوان چشمه‌های غیرت و توانایی، دانایی، همت و شجاعت مردان می‌آید و این مردان در پی ساختن جامعه‌ای پویا که از استقلال و آزادی برخوردار است می‌روند. پیشنهاد می‌شود برای بهرمندی از آثار حجاب و عفاف برای رشد و سلامت فردی و اجتماعی در یک سو زنان جامعه از خودنمایی، خودآرایی و دلربایی در محیط بیرون از خانه پرهیز کنند و از سویی دیگر، نظام اسلامی هم با توجه به امکانات و مقدوراتی که در اختیار دارد باید با برنامه‌ریزی دقیق با بی‌حجابی و بی‌عفتی برخورد جدی کند و به مسئله حجاب و عفاف بیشتر بپردازد تا از آثار مطلوب آن بهره‌مند شود؛ زیرا

عفاف و حجاب نه تنها از ارکان اصلی پیشرفت و توسعه هر کشوری محسوب شده؛ بلکه بقاء هر جامعه‌ای در گرو عفاف و حجاب می‌باشد.

فهرست منابع

✽قرآن

۱. اکبری، محمدرضا، (۱۳۹۶)، *حجاب زن مسلمان*، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل شریف شایسته.
۲. ابهری، مجید، *پرکاری فرهنگی برونی و کم‌کاری فرهنگی درونی از علل بروز بدحجابی*، باشگاه اندیشه، [www. Bashgah.net](http://www.Bashgah.net)
۳. اسحاقی، حسین، (۱۳۸۲)، *آزادی در اسلام و غرب*، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *زن در آیینه جمال و جلال*، انتشارات اسراء.
۵. مهدی‌زاده، حسین، (۱۳۹۰)، *فلسفه حجاب: واکاوی حکمت و فواید پوشش اسلامی*، انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره).
۶. حکمت‌نیا، (۱۳۹۰)، محمود، *حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن*، سازمان انتشارات پژوهشگاه و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۷. رهنما، اکبر، (۱۳۹۴)، *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، شماره ۲۲.
۸. کلینی، کافی، *احادیث ائمه معصوم*، ناشر دار الحدیث.
۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، *مسئله حجاب*، انتشارات صدرا.
۱۰. -----، (۱۳۸۷)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، انتشارات صدرا.
۱۱. -----، (۱۳۷۶)، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
۱۲. غلامی، یوسف، (۱۳۸۱)، *جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان*، انتشارات لاهیجی، چاپ اول، بهار.
۱۳. رفیعی، محسن، (۱۳۸۸)، *اربعمین حجاب از منظرایات و روایات*، نشر: سازمان بسیج مستضعفین تهران.

۱۴. صادقی، حسن، (۱۳۸۲) *معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام*، ناشر: مرکز پژوهش اسلامی صدا و سیما، اول.
۱۵. ریاض، (۱۴۱۸)، *توجهیات اسلامیة لاصلاح الفرد و المجتمع*، وزارت شؤون الاسلامیة.
۱۶. رجبی، محسن، (۱۳۸۷)، *حجاب و نقش آن در سلامت روان*، ناشر: مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
۱۷. حر عاملی، محمدحسن، (۱۴۱۴)، *وسائل الشیعة*، ناشر: آل البيت قم.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳)، *تفسیر نمونه*، ناشر: دارالکتاب الاسلامیه تهران.
۱۹. صفی‌یاری، مسعود، (۱۳۸۲)، *راز حجاب*، ناشر: نور السجاد.
۲۰. موسوی خمینی، روح الله، *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)*، (۱۳۷۴)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۲۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۵)، *لسان العرب*، ناشر: دار بیروت، شماره: ۱۷۳۰۳.
۲۲. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۰)، *مصباح الشریعه*، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۲۳. صمدی، روحی، (۱۳۹۱) *آثار اقتصادی حجاب*، وبسایت تبیان، آذر، www.tabyan-zn.ir.
۲۴. خبرگزاری فارس، *آثار اجتماعی حجاب در جامعه*، شماره: ۸۷۰۸۰۵۰۹۲۲، آبان ۱۳۸۷، www.farknews.com.

جایگاه بانوان طلبه در جنگ اقتصادی

با تأکید بر بیانیه گام دوم

سیده زینب میرموسوی^۱

چکیده

موضوع جنگ اقتصادی، اهمی در برابر تحریم‌های اقتصادی است که یکی از الزامات آن، توانمندکردن آحاد مردم است. در این بین زنان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه در تربیت و پرورش منابع انسانی، زمینه توسعه اقتصادی در کشور را فراهم می‌سازند. جایگاه بانوان جامعه، به‌ویژه بانوان طلبه در خانواده‌ها به‌عنوان عاملان پرورش و رشد نیروی کار می‌تواند در جریان بهره‌وری و حمایت از تولید ملی بسیار چشمگیر باشد. متأسفانه باوجود تأکیدهای فراوانی که در آموزه‌های اسلامی بر رعایت اعتدال در مصرف و پرهیز از اسراف شده؛ اما جامعه اسلامی ما در سال‌های اخیر چه در سطح مصارف خانوارها و چه در سطح نهادهای دولتی به‌سوی تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی‌ها و مصرف‌گرایی رو آورده و چنانکه شایسته است به تبیین این امور پرداخته نشده است. از سویی با توجه به اینکه بانوان، رأس مدیریت برنامه‌های اقتصادی خانوارها را برعهده دارند بهتر می‌توانند در این راستا قدم بردارند و از سوی دیگر، حوزه و طلاب ثابت کردند در تحقق منویات مقام معظم رهبری علیه‌السلام همواره پیشگام بوده‌اند. ازاین‌رو مهم‌ترین رسالت حوزه را باید تبلیغ اصول و ارزش‌های اسلامی و تبیین سبک اسلامی دانست در همین راستا در این مقاله سعی شده به نقش بانوان طلبه، هم در عرصه خانواده و هم در عرصه اجتماع

^۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی رحمته‌الله، قم.

پرداخته شود. به این دلیل تدوین این مقاله ضروری به نظر می‌رسد و امید است شروعی بر فعالیت‌های گسترده بانوان طلبه در این راستا باشد.

واژگان کلیدی: بانوان طلبه، جنگ اقتصادی، خانواده، تبلیغ، سبک زندگی.

مقدمه

مسئله جنگ اقتصادی، تدبیری هوشمندانه است که از سوی مقام معظم رهبری علیه السلام مطرح شد. جنگ اقتصادی به دنبال کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر استفاده از تولید ملی و تلاش برای خودکفایی، جلوگیری از اسراف و تجمل‌گرایی است. در این میان، بانوان می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. بنابراین جا دارد این سؤال مهم مطرح شود که زنان جامعه، خصوصاً بانوان طلبه چه جایگاهی در جنگ اقتصادی برعهده دارند؟ البته، زنان در نوع خرید و نگهداری کالاها نقش اساسی دارند، چراکه آنها نیمی از پیکره جامعه بوده و تأثیرگذار بر نیم دیگر از افراد جامعه خواهند بود. از طرفی، جایگاه مادری و همسری، عهده مصارف را به زن می‌سپارد و انتظار می‌رود که او بتواند با سازماندهی و مدیریت صحیح بین درآمدها و هزینه‌ها توازن برقرار کرده و با برنامه‌ریزی و اجرای صحیح در رشد و توسعه اقتصاد خانواده نقش‌آفرینی کند. با این حال، این یک واقعیت است که جامعه زنان ایران امروز، دچار برخی آسیب‌ها است.

بانوان در مسائلی چون ایجاد ارتباط و تعادل میان نقش مادری و همسری از یک طرف و هم چنین نقش‌های اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر، دچار مشکل هستند که این چالش‌ها با ورود قوی و جدی بانوان طلبه در این عرصه، قابلیت حل و فصل شدن دارد اگر جایگاه بانوان طلبه در اصلاح جامعه امروز، بیش از طلاب مرد نباشد، کمتر هم نیست.

بنابر بیان مقام معظم رهبری علیه السلام که فرمودند مسئله بانوان طلبه، یک پدیده عظیم و مبارک است که می‌تواند آبروی انقلاب اسلامی باشد. پس، بانوان طلبه در فضاهای مختلف جامعه می‌توانند اثرگذار باشند. با توجه به تحریم‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر علیه کشور ایران و مشکلات اقتصادی و از طرفی، تجمل‌گرایی و اسراف و رو آوردن مردم به خرید کالاهای خارجی با برندهای مختلف، ضروری است در این زمینه، تحقیقات جدی انجام بگیرد.

البته قابل ذکر است که با توجه به سخنرانی‌های مداوم و پی‌درپی مقام معظم رهبری علیه السلام در زمینه جنگ اقتصادی، فعالیت‌های مثبتی در این راستا صورت گرفته است. برای نمونه مقاله‌های و کتاب‌های زیادی درباره واژه جنگ اقتصادی، ترویج سبک زندگی اسلامی نقش بانوان در پیشبرد اقتصادی جامعه و ... نوشته شده؛ اما اینکه کتاب یا مقاله جامعی که به‌طور مشخص، جایگاه بانوان طلبه را در عرصه جنگ اقتصادی بیان کند، مشاهده نشده است. از این‌رو ضرورت انجام چنین اثری دو چندان می‌شود.

۱. مفهوم جنگ و جهاد

جنگ و جهاد در ادبیات دینی، واژگان مقدسی هستند که در چند سال اخیر، توسط مقام معظم رهبری علیه السلام بر اساس نام‌گذاری سال‌ها و جهت‌دهی به حرکت ملی استفاده شده است که زمان و مکان نمی‌شناسد. امروزه حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و خانه‌ها، خاکریزی برای جبهه و جنگ است. از این‌رو هم در عرصه اقتصادی باید جهادی عمل کرد و هم در عرصه علم و دانش و در این مسیر معرفت و بصیرت بسیار راهگشا هستند پس در ابتدا باید ببینیم جهاد چیست؟

«جهاد یعنی احساس تکلیف و تعهد و مبارزه با موانع؛ جهاد این است که انسان، خود را همیشه در میدان حرکت و مبارزه با موانع‌ها و مانع‌تراش‌ها

ببیند، احساس تکلیف کند، احساس تعهد کند. جهاد گاهی با مال است، گاهی با فکر، گاهی با دادن شعار است، گاهی با حضور در خیابان و گاهی با حضور در پای صندوق رأی است. این می‌شود جهاد فی سبیل الله که یک ملت را رشد می‌دهد». (جمعی از محققین، ۱۳۹۲، ص ۳۸)

«کشور امروز خوشبختانه درگیر جنگ نظامی نیست؛ اما درگیر جنگ سیاسی و اقتصادی و بالاتر از آن درگیر جنگ فرهنگی است. اگر کسی این را نداند درواقع خواب خواهد ماند. اگر ندانید دشمن در صدد حمله است و این حمله از کجا است و چگونه است باید مطمئن باشید شکست می‌خورید. باید بدانید دشمن چه می‌کند اینکه ما می‌گوییم جنگ فرهنگ، اقتصادی سیاسی و ... منافاتی با امنیت و آرامش کشور ندارد. باید بدانیم که دشمن به شکل ویژه‌ای با ما می‌جنگد. آن شکل ویژه را باید شناخت و راه مقابله با آن را پیدا کرد. البته بعضی‌ها نمی‌خواهند آن را بفهمند چون تکلیف به گردنشان می‌گذارد، بعضی‌ها هم کشش آن را ندارند؛ اما واقعیت این است. هم در زمینه اقتصادی، هم فرهنگی، هم سیاسی، یک جنگی وجود دارد «و ان اخا الحرب الارق؛ کسی که اهل مبارزه است بیدار است».

اگر شما در جبهه خوابت برد معنایش این نیست که طرف مقابل هم خوابش برده و غافل است. این مهم را باید توجه داشت. از این‌رو عرصه، عرصه مهمی است». (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، ۱۳۹۴)

پس به‌صراحت می‌توان گفت جهاد، ابعاد گوناگونی دارد به‌طور قطع امروزه بعد اقتصادی آن مدنظر است البته، با توجه به روح انقلابی و اسلامی حاکم بر کشور و با توجه به ایمان جوشان ملت، در مقابل دشمنِ قذّار، ایستادگی خواهیم کرد و در جبهه سازندگی به پیروزی نهایی دست خواهیم یافت.

۲. ضرورت جهاد و مجاهدت اقتصادی

مجاهدت اقتصادی این است که با توکل بر حق تعالی و با اراده قوی، کمر همت بسته و با توجه به اوضاع و احوال جامعه، به هر طریقی و با هر سلاحی که در دست داریم در زمینه بهبود و پیشرفت اقتصادی قدم برداریم و بتوانیم آسیب‌ها را به فرصت‌ها مبدل کنیم.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این خصوص فرمودند:

ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور می‌دانیم و فقط یک اولویت نیست؛ بلکه یک نیاز قطعی است. اقتصاد، پیشرفت اقتصادی و رونق اقتصادی ارتباط مستقیم با معیشت مردم دارد و برای اینکه معیشت مردم خوب اداره شود به اقتصاد وابسته است. البته یک اقتصاد خوب، سالم، وافر و پیشرو می‌تواند وضع زندگی مردم را خوب کند. این یک دلیل مهم است مبنی بر اینکه لازم است همگی ما در کار اقتصاد، مجاهدت کنیم. (جمعی از محققین، ۱۳۹۲، ص ۳۴)

پس تکلیف، همگانی است یعنی همه ملت، موظفند در این جهاد شرکت کنند و فرقی ندارد که چه کسی هستی و چه پست و مقامی داری. چه آنان که در رأس امورند و تصمیمات کلان اقتصادی در دستشان است و چه آن مصرف‌کننده‌ای که می‌تواند با مصرف صحیح و منطقی کاری جهادی کند، باید وارد میدان شود.

چنانکه مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره فرمودند:

«ملت ما، جوانان ما، زن و مرد ما نباید احساس کنند که دوران مجاهدت به پایان رسیده است و خطری ما را تهدید نمی‌کند، مکن است که خطر نظامی ما را تهدید نکند چون امروز، ملت ایران به آن رتبه‌ای از اقتدار رسیده که خطری ما را تهدید نخواهد کرد و جرأت ندارند به ما تهاجم

نظامی کنند، چون می‌دانند بلاشک شکست خواهند خورد؛ اما تهاجم، فقط نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه می‌شود که پشتوانه استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی ما را هدف قرار می‌دهد، دشمن روحیه صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار می‌دهد، این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناکتر است». (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای دولت، ۱۳۹۰/۰۶/۰۶) حال که هر کس در هر لباسی برای این جهاد عظیم اعلام آمادگی کرده، پس بر ما بانوان نیز فرض است از هر راهی که می‌توانیم نقش خود را در این نبرد بزرگ ایفا کنیم.

۳. اثربخشی حضور بانوان طلبه در عرصه اقتصادی

همان‌گونه که زنان در کانون خانواده به‌عنوان واحد کوچکی از اجتماع در پیشرفت و توسعه فرهنگی اعضای خانواده نقش مهمی دارند در رشد اقتصادی و توسعه آن نیز بسیار تأثیرگذارند.

«نقش تاریخی زن در مسئله اقتصادی کشور بسیار مهم است؛ چون زنان، نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل داده، می‌توانند بسیار مؤثر و سازنده باشند به جرأت می‌توان گفت که بدون مشارکت زنان در اقتصاد، توسعه و سازندگی ممکن نیست. کشور ما جزء کشورهای در حال توسعه، قلمداد می‌شود که حدود ۵۰ درصد جمعیت آن را زنان تشکیل می‌دهند. فعالیت‌های زنان چه در امور خانه و چه در مشاغل اداری بر کسی پوشیده نیست، لیکن به دلیل عدم آگاهی و شناخت کافی در این زمینه، بها و ارزش کافی به کار زنان داده نمی‌شود و خصوصاً درباره کارهای تولیدی و اقتصادی، کار زنان نادیده گرفته می‌شود. با مطالعه و تعمق پی می‌بریم که زنان همپای مردان در طول تاریخ به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در درآمد خانواده و درآمد ملی مشارکت داشتند.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نهایت توجه و عنایت را به زنان داشته، همیشه در پیام‌ها و کلام‌هایشان قدر و منزلت زنان مسلمان را احیا کرده‌اند: «ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد، زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد».

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه درخصوص نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی فرموده است:

اسلام با کارکردن زن نه‌تنها موافق است؛ بلکه تا جایی که با مهم‌ترین شغلش یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده تراحم نکند، شاید لازم هم باشد.

با توجه به اهمیت نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه در این راستا فرمودند:

«ما بسیاری از موفقیت‌ها را مرهون خدمت‌های شما بانوان می‌دانیم، خدمت مردها نیز بسیاری، مرهون خدمت زن‌هاست»

با این همه، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منوط به رعایت شرایطی است که باید اولویت‌بندی شوند. (امین جعفری، ۱۳۹۶، ص ۲۰-۱) به‌طور کلی نقش بانوان طلبه در پیشبرد جنگ اقتصادی را می‌توان در دو عرصه بزرگ خانواده و اجتماع تقسیم‌بندی کرد. البته اثربخشی در این دو میدان، بسیار گسترده است؛ اما به‌طور مختصر به بررسی هر یک می‌پردازیم.

۳.۱. درحوزه خانواده

۳.۱.۱. قناعت و صرفه‌جویی

روش استفاده صحیح از کالاها و خدمات، میزان بهره‌وری را بالا برده و از هدررفتن امکانات و دستاوردها جلوگیری می‌کند. حال اگر فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی از سوی خانواده‌ها رعایت شود درنتیجه، این فرهنگ به

سطوح مختلف جامعه کشیده شده که نتایج بسیار پرخیر و برکتی به همراه خواهد داشت، به بیانی رشد و توسعه کشور در قالب فرهنگ سازی خانواده است که رکن اساسی آن بانوان هستند. امام خمینی علیه السلام می فرمایند:

«کسی که محبت دنیا و علاقه قلبی به آن پیدا کند بسیار مذموم است و تعلق به دنیا و محبت به آن، اسباب گرفتاری است، دنیاگرایی، ایمان انسان را از دست او می گیرد و دنیا و آخرت او را در هم و آشفته می کند، پس، دامن همت به کمر بزن و هر قدر می توانی دلبستگی دنیا را کم کن و ریشه محبت به آن را سست کرده و این زندگی چند روزه را ناچیز شمار و از خداوند تعالی توفیق بخواه که یاری نماید و دل ها را مانوس به کرامت خود نماید». (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴)

مهم ترین نتیجه قناعت و صرفه جویی، بهره مندی از آسایش و برخورداری از زندگی گورا و پرنشاط است؛ بنابراین بر بانوان طلبه فرض است که خود به این مهم، رو آورده و از درون خانواده خود شروع کرده و از هزینه های اضافی دوری کنند تا بتوانند الگویی مناسب برای سایر بانوان جامعه باشند.

۳،۱،۲. خرید کالاهای ایرانی

مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند:

سهم مردم، مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم و واجب بدانیم هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم. در همه زمینه هایی چون، مصارف روزمره و کالاهای عمده و جزئی و ...

در سال جهاد اقتصادی یکی از راه های مجاهدت اقتصادی این است که به سراغ کالاهای ساخت داخل برویم؛ البته باید کالاهای ساخت داخل نیز رضایت مصرف کننده را به دنبال داشته باشند. اگر به هیچ دلیل موجهی اقدام به خرید کالای خارجی کنیم معنایش این است که ما به نیاز داخل،

به کارگر داخل که زحمت می‌کشد و جنس تولید می‌کند بی‌اعتنایی کرده و سراغ کارگر خارجی می‌رویم و این عادت بدی است. (سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام در بین جمعی از محققین، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶-۱۷۵)

نتیجه مصرف کالاهای خارجی، عدم خودباوری ماست. خرید کالاهای خارجی با برندهای معروف یا ناآشنا، به‌ویژه در جریان ازدواج بانوان ایرانی و تهیهٔ جهیزه بسیار مشهود است. بانوان طلبه در این خصوص می‌توانند خود الگوی مناسبی برای سایر اعضای خانواده خود بوده و با خرید کالاهای ایرانی از تولید ملی حمایت نمایند و این امر به دور از شعار به‌عنوان وظیفه همگانی یک ارزش مهم، تلقی شود. ارزشی که برای نسل‌های بعد نیز خواهد ماند.

۳،۱،۳. پرهیز از اسراف و تنوع‌طلبی

در نظام اقتصادی اسلام، هم مالکیت خصوصی افراد جامعه محترم شمرده شده است و هم نیازهای جامعه، مدنظر می‌باشد و از هر امری که سبب آسیب‌رسانی به این مهم شود، جلوگیری می‌کند؛ زیرا اقتصاد جامعه به منزلهٔ خون در پیکر یا ستون فقرات جامعه معرفی شده است. همان‌طور که حیات و زندگی انسان نیاز به گردش خون دارد و هرگاه این جریان متوقف شود یا خون در عضوی انباشته شود و به عضوی دیگر نرسد به همان میزان در نظم زندگی انسان اختلال وارد می‌شود، اقتصاد نسبت به فرد و اجتماع نیز همان نقش خون در بدن را ایفا می‌کند که باید برای جریان صحیح در جامعه کوشید و از مواردی که سبب هدررفت آن می‌شود جلوگیری کرد. خدای متعال می‌فرماید:

«و اموال خود را که خداوند وسیلهٔ قوام زندگی شما قرار داده به دست سفیهان ندهید». (نساء، ۵)

«زیان‌های اقتصادی اسراف، سبب حفره اقتصادی و جریان حیاتی جامعه شده و این یک امر غیرمعقول است که مورد قبول اسلام نمی‌باشد. زیان‌های اقتصادی در زمینه‌هایی چون: مصرف‌گرایی، شکاف طبقاتی، عقب‌ماندگی، تکیه بر واردات، الگوپذیری غربی، وابستگی به قدرتهای غربی و ... و ده‌ها عامل دیگری که سبب فلج‌شدن پیشرفت، شده و پایه‌های نظام را به سستی می‌کشاند. (حبیبی، ۱۳۸۹، ص ۵۰)

برای مقابله با اسراف و تنوع‌طلبی نقش مهم بانوان را در خانواده نباید فراموش کرد. زنان در جنس خود گرایش به زینت دارند و این خصلت بیمارگونه و تنوع‌طلبی و چشم و هم‌چشمی می‌تواند بسی شعله‌ور شود؛ اما وقتی زنی مؤمن شد، طبیعت خودش را می‌تواند به راحتی متحول کند؛ بنابراین زنانِ بالایمان به‌ویژه بانوان طلبه می‌توانند نقش عظیمی در این هدف ایفا کرده و با پرهیز از تنوع‌طلبی و اسراف، الگویی برای سایرین باشند.

۳،۱،۴. مدیریت اقتصاد خانواده

باید به این نکته توجه کنیم که تولید مواد غذایی، البسه و دیگر مایحتاج و جمع‌آوری و نگهداری وسایل شخصی و جمعی خانواده‌ها که نیاز به یک برنامه صحیح دارد به دست مدیر شایسته خانه، با کم‌ترین هزینه و بالاترین مطلوبیت را در پی خواهد داشت. مدیر خوب خانواده باید بتواند در مواقع کمبود یا حذف بعضی از امکانات، جایگزین مناسبی را انتخاب کند بدون آنکه تغییری در مطلوبیت ایجاد شود تا ضمن برقراری تعادل بین درآمد و هزینه‌ها منبع تغذیه‌ای افراد خانواده تأمین شود و البته مطلوبیت اعضای خانواده نیز مهم است. با توجه به اینکه درآمد خانواده تنها می‌تواند درصدی از نیازهای افراد خانواده را تأمین کند. از این‌رو باید از میان خواسته‌ها بهترین و ضروری‌ترین انتخاب، صورت پذیرد. نیاز به

انتخاب در تمام طول زندگی وجود دارد، انتخاب کالاهای مختلف بستگی به درآمد خانواده و تشخیص آنها دارد هر چه درآمد محدودتر باشد ترجیحات نیز محدود می‌شود و در نتیجه باید انتخاب‌ها صحیح و بهینه باشد تا بیشترین رضایت خاطر و مطلوبیت را برای افراد خانواده به‌بار آورد. برای رسیدن به این سطح، همکاری پدر و مادر لازم و ضروری است. بی‌گمان نقش مادر با توجه به مسئولیت مادری و همسری از نقش پدر حساس‌تر است. ریخت‌وپاش‌ها و مخارج فرعی و غیرضروری یا گاهی زیان‌آور، نه‌تنها سطح بهره‌وری اعضای خانواده را کاهش می‌دهد؛ بلکه به‌صورت فرهنگ و عادت نامطلوب به نسل‌های آینده منتقل می‌شود. مادر می‌تواند با مهیاکردن شرایط صحیح برای افراد خانواده به حداکثرسازی رفاه و مطلوبیت افراد خانواده بپردازد تا تمامی افراد خانواده با عزت‌نفس، تندرستی روح و جسم و تعلیم و تربیت و آموزش صحیح، سرمایه‌ انسانی خود را جهت اعتلا و رضای خدا به‌کار گیرند و در آینده نیز افراد مفیدی برای جامعه باشند. (مؤذنی، ۱۳۹۱، سایت امام مبین)

ازاین‌رو رویکرد حمایت‌گرانه بانوان طلبه در مدیریت اقتصادی خانواده بسیار حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، برخی از بانوان طلبه، هم مدیریت اعضای خانواده را برعهده دارند و هم در جامعه، به فعالیت و نقش‌آفرینی مشغولند. بنابراین در هر دو عرصه، دارای وظایف و مسئولیت‌هایی هستند که می‌تواند اقتصاد خانواده و جامعه را تعالی بخشد. اکنون که وضعیت اقتصادی جامعه دچار تغییراتی شده و لزوم تغییر این شرایط به جامعه اعلام شده است، لازم است بانوان، مواردی را مدنظر قرار دهند تا رضایت‌مندی اعضای خانواده و اهداف اقتصادی محقق شود. به‌عنوان نمونه اگر در گذشته خانواده‌ای توان دوبار سفر در سال را داشت؛ اما در حال حاضر به‌دلیل شرایط اقتصادی به‌وجود آمده، این قدرت کاهش یافته و

نمی‌تواند رضایت افراد را فراهم آورد. این جاست که نقش زن به‌عنوان مدیری مدبر، احساس می‌شود. در چنین شرایطی وظیفه اصلی، ارتقاء کیفیت اوقات خانواده با کمترین هزینه است. یعنی مادر خانواده با تغییراتی که در شیوه انجام سفر ایجاد می‌کند و با تدابیری مانند اقامت در اماکن ارزان‌تر، طبخ چند وعده غذای خانگی و رفتن یک بار به رستوران، هزینه را مدیریت کرده و با ایجاد فضایی شاد، خانواده را راضی نگه می‌دارد و با به‌کارگیری بسیاری از امور که به ریزبینی و ذکاوت یک مدیر موفق برمی‌گردد، بهترین تفریح را با کمترین هزینه برای اعضای خانواده ترتیب می‌دهد و این‌گونه می‌تواند به‌عنوان یک الگو برای اعضای خانواده مطرح بوده و این روند، سرانجام به جامعه نیز سرایت خواهد کرد.

۳،۲. در حوزه اجتماعی

۳،۲،۱. عرصه آموزش و تدریس

یکی از راه‌های اصلاح الگوی مصرف که بارها مقام معظم رهبری علیه السلام در سخنان خود به آنان اشاره فرمودند این است که به نحو شایسته به افراد جامعه آموزش داده شود. برخی گمان می‌کنند اصلاح الگوی مصرف یعنی اینکه مصرف بهینه نداشته باشیم در صورتی که این طرز فکر صحیح نیست؛ چون اصلاح الگوی مصرف عبارت است از: نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور به گونه‌ای که موجب ارتقاء شاخص‌های زندگی مردم و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت عمومی شود. اصلاح مصرف یعنی درست و به اندازه از منابع طبیعی برای زنده ماندن و زندگی کردن استفاده کنیم. مصرف بیش از حد، دارای بار منفی در جامعه بوده و آفات و آسیب‌های فردی و اجتماعی زیادی به دنبال دارد. مصرف‌گرایی، عامل تخریب رشد توسعه و از بین رفتن منابع ملی است؛ چون میل به مصرف بی‌رویه نیاز کاذبی است که گاه به تقلید از

دیگران، تبلیغات، شرایط مادی یا تغییرات ساختار جامعه ایجاد می‌شود. به همین دلیل یکی از ضروریات جدی در جامعه، اصلاح الگوی مصرف است. (سبحانی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰ - ۱۵۵)

یکی از راه‌های اصلاح الگوی مصرف این است که بدانیم از نعمت‌های خدادادی چگونه باید استفاده کنیم. تا وقتی ندانیم آب را چگونه مصرف کنیم برق را چطور، نان را چگونه، پول را چه جور و در چه راهی؟ و به‌طور کلی راه‌های مصرف را بلد نباشیم مشکلاتمان به حال خود باقی خواهند بود. ما باید به‌سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه اول چه قوه مقننه و چه قوه مجریه و چه سایر مسئولین کشور و اشخاص و شخصیت‌ها در رتبه‌های مختلف اجتماعی و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، باید به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف خود را اصلاح نمایند. این مسئله بسیار مهمی است که باید همگان در این جهت گام بردارند. (جمعی از محققین، ۱۳۹۲، ص ۲۳۶ - ۲۳۵)

با توجه به موارد ذکرشده به این نتیجه می‌رسیم که بهترین راه مقابله در جنگ تحمیلی اقتصادی و رسیدن به پیروزی نهایی، اصلاح الگویی است که بتوانیم بر طبق معیارهای آن به زندگی، جهت داده و به پیشرفت روزافزون برسیم. البته در این مسیر، بانوان طلبه بیشترین نقش را برعهده دارند؛ چراکه آموزش و بیان راه‌هایی که بتوان الگوهای صحیح مصرفی را در جامعه منعکس کرد، بر عهده آنان می‌باشد.

۳،۲،۱. عرصه تحقیق و پژوهش

جبهه دیگری که بانوان طلبه می‌توانند در آن به‌خوبی ایفای نقش کنند، درخشش در زمینه‌های پژوهشی است.

نگارش مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها، شرکت در سیمینارها و کنفرانس‌ها و تحقیق و جست‌وجو در زمینه‌های مختلف اقتصادی و راهنمایی افراد جامعه به آن

سمت، بزرگترین رسالتی است که بر دوش آنها می‌باشد. زمینه‌های پژوهشی، بسیار وسیع و پردامنه می‌باشند؛ اما به‌عنوان نمونه، مسئله مهمی که مقام معظم رهبری علیه السلام، بارها در سخنان خود به آن تأکید فرمودند خودکفایی و حمایت از تولید داخلی است. مبلغین در رساندن این پیام مهم به مردم باید بیشترین هم خود را در این زمینه مبذول دارند. البته باید اذعان کرد که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، کشور ما همواره آماج تهدیدهای گوناگونی اعم از نظامی و غیرنظامی از جانب کشورهای گوناگون به‌خصوص غرب بوده است. در سال‌های اخیر که تحریم‌های اقتصادی، تسلیحاتی و نظامی اوج گرفته است، شناخت دیدگاه‌های عمیق امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام درباره مفاهیم کلیدی از جمله، خودکفایی می‌تواند در زمان کنونی بسیار راهگشا باشد. مثلاً: فصل‌بندی ارائه‌شده توسط امام علیه السلام (در حوزه خودکفایی، مفید فایده خواهد بود برخی از مباحث آن عبارت‌اند از: شکوفاشدن استعدادها در سختی‌ها، توجه به برنامه‌ریزی‌ها و تبلیغات دشمن، خودکفایی در همه قشرها، استفاده از متخصصان متعهد، باور به گذشته افتخارآمیز، لزوم داشتن ابتکار در خودکفایی، لزوم تغییر هویت به ایران اسلامی، نمایش خودکفایی در داخل و خارج و ... (تفرشی، ۱۳۹۶، ص ۸۳-۵۱)

از طرفی، حمایت از تولید داخلی و کارگر داخلی سبب توسعه پایدار بوده و مقدمه‌ای برای تبدیل تولیدات داخلی به محصول باکیفیت است. این فرایند، زمینه‌ساز تبدیل ایران به یک قدرت اقتصادی خواهد شد. البته باید اذعان داشت که انقلاب اسلامی از ابتدای تشکیل خود، توجه زیادی به موضوع خودکفایی در عرصه‌های مختلف داشته است و بخشی از اقتدار ایران امروز، مرهون ایستادگی و پافشاری بر آرمان‌هایی است که هرگونه

وابستگی را بر نمی‌تابد؛ اما شاید تحقق منسجم‌تر آن نیاز به همان فرهنگی باشد که رهبری خواستار اشاعه آن در میان مردم برای مصرف کالاهای داخلی، میان تولیدکنندگان برای تولید کالاهای باکیفیت شدند. حمایت از تولید از ضروری‌ترین امور مقطع کنونی به حساب می‌آید که نیاز به برنامه‌ریزی و پیگیری جدی دارد و باید به دور از هرگونه شتاب‌زدگی و شعارزدگی صورت پذیرد. (اسحاقی، ۱۳۹۳، ص ۱۳-۱۵)

۳،۲،۳. عرصه فرهنگی

دشمنان نظام و انقلاب بعد از ناکامی در دوران هشت سال جنگ تحمیلی به این نتیجه رسیدند که با جنگ سخت نمی‌توانند در مقابل روند رو به پیشرفت و صدور انقلاب اسلامی مقابله کنند.

آنها به این نتیجه رسیدند که برای ناکام‌گذاشتن انقلاب اسلامی باید حمله فرهنگی را از یک سو در باورها و ارزش‌های جوانان وارد کنند و جنگ روانی و اقتصادی را از سوی دیگر به راه بیندازید. با توجه به فرموده‌های امام راحل مبنی بر اینکه یکی از پایگاه‌های مهم و اصلی در برابر دشمنان، حوزه‌های علمیه هستند. از این‌رو بانوان طلبه باید در این عرصه، خوش بدرخشند و به‌عنوان نمادی در برابر نفوذ فرهنگی و اقتصادی دشمن، نقش‌آفرینی کنند. در این جبهه عظیم، بانوان طلبه سهم بزرگی دارند.

به‌طور قطع، خواهران مبلغ، برکاتی برای نظام اسلامی دارند به‌ویژه تبلیغ مبلغه‌ها در مقابله با حمله‌های فرهنگی و اقتصادی بسیار چشمگیر است. بانوان طلبه می‌توانند تمامی این آسیب‌ها را شناخته و آن را برای زنان جامعه که در رأس مدیریت خانه هستند، تبیین کنند تا هر ایرانی بتواند در خانه خود یک پایگاه اقتصادی تأسیس کرده و به جنگ با دشمن بشتابد. از طرفی نقش زنان، به‌عنوان مدیران خاموش در راستای ترویج

فرهنگ اقتصادی، مهم و کلیدی است چراکه تغییر شیوه زندگی خانواده‌ها از جمله، راهکارهای مؤثر در تحقق اهداف اقتصادی است. یکی از محورهای فرهنگی که می‌توان در آن نقش‌آفرینی کرد، لزوم الگوسازی و مدل‌سازی بومی و محلی است. آن‌گونه که مقام معظم رهبری علیه‌السلام فرمودند: «امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، صرفاً مدل‌های غربی است. توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است. جوانان ما این را باید به‌صورت یک اصل کلی در ذهن داشته باشند که برای اداره کشور، برای آینده کشور، نسخه‌های بیگانه نوشته را انتخاب نکنند. نسخه‌های اسلامی، نسخه‌های ملی، نسخه‌های بومی را انتخاب کنند. از تجربه‌ها و دانش‌ها استفاده کنید؛ اما الگو و شیوه و مدل را کاملاً بومی و خودی انتخاب نمایید». (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی ۱۳۸۶/۰۲/۲۵)

از دیگر وظایف بانوان طلبه در عرصه فرهنگی بیان آثار و فواید سبک زندگی ساده و به دور از هرگونه تجملات است. اگر ساده‌زیستی برای مردم به‌صورت یک فرهنگ عمومی نمود کند، دیگر داشتن وسایل لوکس و گران‌قیمت، دغدغه نخواهد بود و چشم و هم‌چشمی‌ها نیز به‌وجود نمی‌آید. از آنجایی که یکی از امیال نهفته در ذات انسان، غریزه زینت و احساس تجمل است، انسان چه مرد و چه زن همواره با آراستن خود به انواع زینت‌ها خواه دنیوی و خواه اخروی همچون لباس زیبا، به‌کارگیری بوی خوش، داشتن اندام مناسب و پوشیدن انواع جواهرات و تزئینات، خواسته است بخشی از شخصیت خویش را به نمایش بگذارد، اگر چه جلوه غریزه تزئین درباره زنان از نمود خاصی برخوردار است؛ اما هرگز قلمرو آن محدود

به زمان و مکان خاص و فرد خاصی نیست. برخی از انسان‌ها در گرایش به زینت و تجملات، راه افراط و تفریط را پیش کشیده و از مسیر دین منحرف شده‌اند.

دشمنان اسلام با توجه به گرایش شدید انسان به زینت و تجملات به سرگرم‌نمودن آنها به این امور، مبادرت کرده تا هویت اسلامی خویش را فراموش کنند. اگر در جامعه‌ای سبک زندگی اسلامی نهادینه شود، درنهایت مایهٔ وصول به (حیات طیبه) است. زندگی پاکی که از هر گونه نابودی و کمبود و ناکامی و بیم و اندوهی به دور است. (عارفی جو، ۱۳۸۸، ص ۴۰ - ۴)

باید بانوان طلبه با بیان زیبایی‌های زندگی اسلامی و جلوگیری از افراط و تفریط، حد میانه را برای بانوان مسلمان ترسیم نموده تا این آفت همه‌گیر یعنی تجمل‌پرستی از ساحت زندگی همگان کنار گذاشته شود تا بیش از پیش به سبک زندگی اسلامی رو آورند. البته ناگفته پیداست که این بیان با عملکرد صحیح خود طلاب و دوری از تجملات، تأثیرگذار خواهد بود. بر بانوان طلبه واجب است که ابتدا خود به زیور ساده‌زیستی مزین شوند تا الگویی مناسب برای سایرین باشند.

۳،۲،۴. معرفی الگوهای عملی

بانوان ما برای ترویج فرهنگ ایرانی- اسلامی باید قبل از هر چیزی برای اهداف خود به دنبال الگوهایی مناسب باشند. در طول تاریخ، زنان بسیاری بوده‌اند که قله‌های ترقی را درنور دیده‌اند و به‌عنوان زنان نمونه و الگو معرفی شده‌اند. زنانی که با صبر و تلاش و استقلال و خودباوری به‌همراه توکل بر خداوند توانستند فرهنگ‌سازی کرده و از این طریق، نسل و جامعهٔ خود را نجات دهند.

حمایت‌های بی‌دریغ زنان از صدر اسلام تاکنون مثال‌زدنی است، به‌عنوان نمونه، حضرت خدیجه علیها السلام همسر باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله چه آن زمان که از ثروت خود در راه پیشبرد اسلام مایه گذاشتند و چه در مدت طولانی که در شعب ابی طالب محاصره بودند نقش ویژه‌ای ایفا کردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله با اموال خدیجه، بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می‌کرد و به تهیدستان و بینوایان و یتیمان رسیدگی می‌کرد. آری به همین دلیل، انفاق ثروت حضرت خدیجه در راه تعالی اسلام با شمشیر علی علیه السلام برابر شده است. پس زنان امروز نیز با الگوبرداری از نمونه‌های بارز تاریخ اسلام می‌توانند در پیشرفت اهداف کلان اقتصادی کشور نقش مهمی داشته باشند. (محمدی اشتهاوردی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۱-۱۸)

از این‌رو رهبر معظم انقلاب در سخنانی درباره نقش زنان در خلق حماسه‌ها فرمودند:

«نقش زنان در انقلاب اسلامی ایران بسیار زیاد بوده است. پس از پیروزی انقلاب تا امروز واقعاً بانوان کشور در همه صحنه‌ها نقش داشتند و این حادثه خیلی بزرگ و شگفت‌آوری است. تصور من این است که بانوان در دوره پیش از انقلاب و در دوره آن رژیم شاهنشاهی مورد ستم بودند. حقیقتاً انقلاب، میدانی باز کرد و خانم‌ها بیش از آقایان در این قضیه، فعالیت و حماسه، خلق کردند. اگر زن‌ها حماسه جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به‌عنوان یک ارزش، تلقی نمی‌کردند مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند». (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳/۱/۱۳۷۷)

با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه می‌توان چنین نتیجه گرفت که این بار نیز زنان، خصوصاً بانوان طلبه می‌توانند هم در خانه و خانواده خود

و هم در جامعه، همان شگفت‌انگیزی را که رهبر معظم فرمودند، به اجرا گذارند.

«بنابراین ملت ما، جوانان ما، زن و مرد نباید احساس کنند که دوران مجاهدت به پایان رسیده، چراکه این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست، جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است و امت بزرگ اسلام به تدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می‌شود. امروز شما نگاه کنید به صحنه بسیار حساس خاورمیانه، همین پیشرفت امت اسلامی را می‌بینید، لیکن کوشش در میدان علم اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق و پژوهش نیز برای مردم، جهاد محسوب می‌شود». (جمعی از محققین، ۱۳۹۲، ص ۳۴)

بر ما فرض است که با توجه به سخنان مکرر و پی‌درپی مقام معظم رهبری علیه السلام مبنی بر جنگ اقتصادی عزم خود را جزم کنیم و با همیاری و همدلی نسبت به هم در این مبارزه نابرابر که علیه کشور ما به راه انداخته‌اند پیروز شویم.

لیکن همه کشور از مردم و مسئولین باید تحرک و نشاط در کار داشته باشند. در این میان، بانوان که در رأس مدیریت خانه هستند، بیشترین سهم را برعهده دارند. از این رو باید، تنبلی و کسالت و زمین‌گیری را از خود دور سازیم. هر کس در هر رشته و حرفه‌ای که هست و با هر مدرک و تجربه‌ای که دارد به میدان بیاید، کار علمی، کار اقتصادی، کار سیاسی و کارهای بزرگ اجتماعی. هر کسی در هر جایی که هست می‌تواند برای خود برنامه‌ریزی کاری را تعریف کند و مطابق با آن پیش رود؛ چراکه اینها از ضروریات در این عرصه به‌شمار می‌آیند.

نتیجه‌گیری

جنگ اقتصادی با همه ابعاد و وسعتی که دارد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار، جهت پیشرفت و مقاومت کشور در برابر تحریم‌ها است. در این میان بانوان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه، نقش بسیار مهمی در اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور برعهده دارند؛ زیرا زن بدون مناقشه به‌عنوان یکی از دو رکن اساسی خانواده در سازماندهی و مدیریت پایدار، نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند.

جایگاه مادری و همسری، عهده منابع مصرف را به زن می‌سپارد و انتظار می‌رود که او بتواند با سازماندهی و مدیریت صحیح بین درآمدها و هزینه‌ها توازن برقرار کرده و به دور از تجمل‌گرایی و اسراف و چشم و هم‌چشمی‌ها و حمایت از تولید ملی در جامعه نقش‌آفرینی کند، البته در این میان جایگاه بانوان طلبه در جنگ اقتصادی بسیار چشمگیر است. چراکه آموزش و بیان راه‌هایی که بتوان الگوهای صحیح مصرفی را در جامعه منعکس کرد برعهده آنان می‌باشد. تبلیغ، مهم‌ترین ابزار در دست طلاب است، پس باید ابتدا از خود و خانواده خود شروع کنند تا آئینه تمام‌نمای جامعه باشند.

با توجه به سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام در زمینه جهاد اقتصادی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه آحاد مردم باید وارد میدان جنگ شوند. تمامی زنان و مردان دست در دست هم دهند و برای ساختن ایرانی آباد قدم بردارند.

فهرست منابع

*قران کریم

۱. امین جعفری، (۱۳۹۶)، بتول، *نقش زن در اقتصاد*، تهران: پرتال امام خمینی.
۲. اسحاقی، سید حسین، (۱۳۹۳)، *تولید ملی حلاوت امروز آسایش فردا*، قم: مرکز پژوهش صدا و سیما.
۳. به کوشش جمعی از محققین، (۱۳۹۲)، *جهاد اقتصادی*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۴. تفرشی، امیرعلی، (۱۳۹۶)، *مجله تحلیل گفتمان؛ خود کفائی در بیانات امام خمینی*، نشریه بهبود مدیریت.
۵. حبیبی، طاهر، (۱۳۸۹)، *اسراف و عوامل آن از دیدگاه اسلام*، تهران: پرتال فرهنگی راسخون.
۶. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۹۴) *بیانات مقام معظم رهبری*، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار.
۷. سبحانی‌نژاد، مهدی، (۱۳۸۹) *اصلاح الگوی مصرف*، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۸. عارفی‌جو، مهدی، (۱۳۸۸)، *زینت و تجمل در سبک زندگی اسلامی*، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
۹. موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۲)، *چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۱۰. مؤذنی، عبدالرسول، (۱۳۹۱)، *نقش زن در اقتصاد*، تهران: سایت امام مبین.
۱۱. محمدی اشتهااردی، محمد، (۱۳۹۳)، *حضرت خدیجه اسطوره اینار و مقاومت*، تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.

مستندات قرآنی و روایی راه‌حل‌های اقتصادی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

عاطفه امینی^۱

چکیده

ایجاد اقتصاد اسلامی در زمان کنونی که این نظام مقدس در معرض تهاجم اقتصادی دشمنان قرار دارد از بزرگ‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد. در چنین نقطه عطفی، رهبر انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و راه‌حل‌های اساسی در این زمینه ارائه فرموده‌اند. در این مقاله که از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، مستندات قرآنی و روایی راه‌حل‌های اقتصادی که برگرفته از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است مورد بررسی قرار گرفته است. ۱۵ آیه از قرآن کریم و ۲۰ روایت از ائمه معصومین علیهم‌السلام در این زمینه بررسی شد. هر کدام از راه‌حل‌های موجود در این بیانیه دارای پشتوانه‌های قرآنی و روایی است. با توجه به این پشتوانه‌ها می‌توان از راه‌حل‌های موجود در این بیانیه که شامل «درون‌زایی اقتصاد کشور»، «مولدشدن و دانش‌بنیان‌شدن»، «سپردن کار به دست یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی»، «مردمی‌کردن اقتصاد و تصدی‌گری‌نکردن دولت»،

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی رحمته‌الله علیه، قم.

«برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتها» است و به تبع آنها از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای تدوین و ایجاد نظام اقتصاد اسلامی استفاده نمود.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، اقتصاد اسلامی، فقه اقتصاد.

مقدمه

به سبب ماهیت نظام اسلامی و چالش‌های آن با نظام سلطه، امروزه جمهوری اسلامی ایران در میدان وسیعی در مقابله با جبهه بیگانگان قرار گرفته است. اقتصاد کشوری نظیر ایران که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های دنیا در تضاد است، اقتصادی خاص خواهد بود. چراکه دشمنی و مخالفت با چنین کشوری، همواره وجود دارد و در هر دوره‌ای به شکلی متفاوت بروز می‌کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با وجود دشمنی‌ها و توطئه‌های استعمار جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران توانست با اتکا به ارزش‌ها و توانایی‌های خویش به پیشرفت‌های عظیمی در عرصه‌های مختلف برسد و اولین گام مهم تمدن‌سازی را در راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی بردارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی هم‌زمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیانیه‌ای با عنوان بیانیه گام دوم منتشر کردند و آغاز چهل‌ساله دوم انقلاب اسلامی را نقطه عطفی برای برداشتن گام دوم تمدن‌سازی دانستند. یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر و بیشتر در کشورهای مسلمان مورد توجه قرار گرفته ارائه یک نظام اقتصادی جایگزین به جای سیستم اقتصادی غربی است. یک موج فزاینده از نظریات در کشورهای در حال توسعه در حال شکل‌گیری است که معتقد است اقتصاد سرمایه‌داری غرب در حل مشکل فقر و از بین بردن بسیاری از ناهماهنگی اقتصاد شکست‌خورده است؛ بنابراین ایجاد نظام اقتصاد اسلامی از مهم‌ترین دغدغه‌های علمی

بشر محسوب می‌شود. با توجه به اینکه رهبر انقلاب، مجتهدی مسلط به آیات و روایات هستند گمان می‌رود که بتوان انعکاس آیات قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) را در توصیه‌های اقتصادی ایشان در بیانیه گام دوم مشاهده نمود و آن را جدا از یک بیانیه حکومتی، یک رساله اجتهادی در زمینه اقتصاد که مهم‌ترین دغدغه امروز جامعه اسلامی است عنوان کرد. در این تحقیق که از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و به روش کتابخانه‌ای تهیه شده است به بررسی مستندات قرآنی و روایی راه‌حل‌های اقتصادی در بیانیه گام دوم می‌پردازیم و در نهایت به بررسی ظرفیت‌های این راه‌حل‌ها برای ایجاد نظام اقتصاد اسلامی خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم‌شناسی اقتصاد

اقتصاد در فارسی، به معنای میانه‌روی و متعادل‌بودن دخل و خرج است و در اصطلاح، تعریف پذیرفته‌شده‌ای در میان اقتصاددانان از آن وجود ندارد؛ زیرا تعاریف داده‌شده در درجه نخست از جامعیت لازم برخوردار نیست و در ثانی با مسلم فرض کردن موضوعات، این تعاریف به دور باطلی از تعاریف جدید کشیده می‌شود. تعاریفی که در ادامه می‌آید از «علم اقتصاد» بیشتر رایج است: «اقتصاد علمی است که رفتار انسان‌ها را به صورت رابطه‌ای میان خواسته‌ها و منابع کمیاب با کاربردهای مختلف مطالعه می‌کند». «علم اقتصاد عبارت است از: مطالعه اینکه جوامع چگونه تصمیم می‌گیرند که با استفاده از منابع محدود و کمیاب، چه کالایی با چه روشی و برای چه کسی تولید شود». «اقتصاد علمی است که چگونگی تصمیم‌گیری جامعه درباره تخصیص منابع کمیاب برای تولید کالا و خدمات، برای ارضای خواسته‌های نامحدود را بررسی می‌کند». «اقتصاد عبارت است از: شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای

تولید و توزیع کالا و خدمات از منابع محدود به منظور مصرف به کار می‌برد». (علوی، ۱۳۹۲، ص ۳)

۲. درون‌زایی اقتصاد کشور

دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در نخستین روز سال ۱۳۹۵ در اجتماع بزرگ مردم و مسئولان در حرم مطهر رضوی در تبیین عنوان سال تأکید کردند: «اقتصاد مقاومتی، اقتصادی درون‌زا است، یعنی از دل ظرفیت‌های کشور و مردم می‌جوشد». وابستگی اقتصادی به دیگران استقلال سیاسی را مخاطره‌آمیز می‌سازد و خطری است برای اصول و ارزش‌های دینی، وابستگی، وابستگی می‌آفریند. در قرآن کریم آیات متعددی بر لزوم خودکفایی مسلمانان دلالت دارد. به عنوان مثال در آیه ۲۸ سوره توبه خداوند کریم زمانی که مسلمانان از زیان‌های اقتصادی ناشی از قطع رابطه با مشرکین می‌ترسیدند می‌فرماید:

﴿...وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

مفسرین درخصوص این آیه می‌گویند که پس از منع دخول مشرکین به مکه مردم نجد و صنعا و جرش از یمن مسلمان شدند و به وسیله شتران و چهارپایان دیگر، خوراکی به مکه حمل می‌کردند و به این ترتیب خداوند ترس آنان را از این ناحیه برطرف کرد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۶۴) از سوی دیگر با توجه به قاعده نفی سبیل که در آیه ۱۴۱ نساء می‌فرماید:

﴿... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾؛ خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنین راه قرار [تسلطی] نداده است.

تلاش برای دستیابی به حد معقولی از خودکفایی و برنامه‌ریزی اصولی برای نیل به استقلال اقتصادی توأم با حضور قدرتمند در عرصه‌های جهانی از نگاه اقتصاد اسلامی یک ضرورت است؛ چراکه بدون دسترسی به چنین

جایگاهی زمینه و راه نفوذ بیگانگان در سرنوشت مسلمانان فراهم می‌شود که اسلام چنین وضعی را رد می‌کند. بر طبق مفاد این قبیل از آیات بر مسلمانان لازم است که در تمام عرصه‌ها از جمله در عرصه فعالیت‌های اقتصادی به‌گونه‌ای عمل کنند تا زمینه و بستر سیطره‌یابی بیگانگان بر سرنوشت آنان فراهم نشود و یکی از راه‌های جلوگیری از چنان وضعی تلاش برای دستیابی به استقلال و خودکفایی است. با توجه به اصول قرآنی و اسلامی، عزت، ایمان، اعتلای اسلام و نفی وابستگی و تشبّه به کفار و... هدف نهایی آموزه‌های اسلامی تشکیل یک جامعه مستقل همه‌جانبه است که در آن، بندگان خداوند در امنیت، آرامش و آسایش به رشد و کمال رسیده و به سعادت ابدی برسند. به تعبیر امام خمینی علیه السلام، وابستگی اقتصادی، منشأ همه وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۹) از مفاد این آیه، ضرورت استقلال اقتصادی به‌خوبی فهمیده می‌شود. اغلب فقهای اسلام برای نفی هرگونه سلطه بیگانگان بر مقدرات مسلمانان به این آیه استناد می‌کنند. از این‌رو، لازم است مسلمانان، امور خود، از جمله سیاست‌های اقتصادی‌شان را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که هیچ‌گونه زمینه نفوذ و سیطره بر کفار در فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان ایجاد نشود. در این راستا، توجه به تولید و مصرف کالاهای داخلی، حائز اهمیت بسیار است؛ زیرا بی‌توجهی به بهبود و افزایش تولید به میزان نیازها و ضرورت‌های پیشرفت، زمینه احتیاج و دست دراز کردن به‌سوی بیگانگان را فراهم می‌کند و نیز بر اساس بیان امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «اِحْتَجَّ اِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ اسِيرَهُ...»؛ به هر کس که خود را محتاج کنی اسیر او می‌گردد. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۴۲۰)

از رهگذر احتیاج، تسلیم به بیگانگان و در نتیجه سلطه و سیطره آنها بر مقدرات مسلمانان تحقق می‌یابد. پس بر مسئولین و افراد جامعه اسلامی

لازم است که به تولید و مصرف کالای داخلی اهتمام بورزند تا هم به استقلال اقتصادی دست یابند و هم از وابستگی به بیگانگان و تسلط دشمنان بر امور جامعه اسلامی در امان بمانند. در قرآن کریم به مسلمانان دستور داده شده است، تلاش کنند خود را از وابستگی‌ها رها سازند:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾؛ برای مقابله با آنان (کفار و مشرکان) آنچه می‌توانید نیرو آماده کنید.

اگرچه ظاهر آیه بیان تلاش برای تدارک نیروی نظامی است؛ اما از نگاه اغلب مفسران کلمه «قوه» نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را دربرمی‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به‌نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی که توان اقتصادی نیز ازجمله آنهاست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۲۱)

درمجموع می‌توان گفت اسلام با مطرح کردن بحث خودکفایی به‌دنبال تأمین نیاز جامعه اسلامی در حد بالایی از رفاه با اتکا به توانمندی‌های داخلی است و در مباحث مربوط به استقلال اقتصادی هم به‌دنبال حضور فعال و قدرتمند در تجارت و سایر فعالیت‌های اقتصادی در صدد قطع وابستگی و عزت و عظمت و سربلندی جامعه اسلام است؛ بنابراین کشوری که دارای درون‌زایی اقتصادی است می‌تواند استقلال سیاسی و فرهنگی خود را نیز حفظ کند و برعکس وابستگی اقتصادی منشأ همه وابستگی‌هاست. به‌علاوه استقلال شرط لازم قدرت حکومت اسلامی است که بدون آن اقتدار اقتصادی هم میسر نیست.

امام علی علیه السلام به بی‌نیازی و خودکفائی بسیار توجه داشته همگان را برای بی‌نیازشدن، به کار و تولید تشویق می‌کرد و در حدیثی در این باب می‌فرماید:

«تعرضوا للتجار؛ فان لكم فيها غنى عما في ايدي الناس؛ تجارت کنید و به کار و تولید روی بیاورید که از آنچه در دست دیگران است بی‌نیاز می‌شوید».
(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۷۰)

مهم‌ترین راهکار امام علی علیه السلام برای خودکفایی اقتصادی توجه به ظرفیت‌های اقتصادی آن سرزمین می‌توان دانست. از دل گزارش‌ها و احادیث امام علیه السلام می‌توان برنامه تجویزی ایشان برای خودکفایی هر سرزمین را این‌گونه ترسیم نمود: توجه و تشویق به تجارت و افزایش تولید داخلی از طریق فعال‌نمودن صنایع کشاورزی و حتی دامداری امام علیه السلام می‌کوشید از این طریق، محرکی پویا برای اقتصاد جامعه تعریف و تدوین نماید و در کنار این توجه و تشویق، نحوه دستورات امام علی علیه السلام به کارگزاران نیز برای کاهش مالیات و خراج تجار و کشاورزان آسیب‌دیده، اصلاح نظام مالیاتی و نظارت بر کارگزاران مالی همگی را می‌توان در راستای برنامه اقتصادی امام برای خودکفایی و تجلی‌دادن به یک اقتصاد پویا و بومی دانست. (نظری و دیگران، ۱۳۹۱)

چالش تحریم و وسوسه همواره توسط دشمنان اسلام به‌عنوان یک ابزار فشار مورد استفاده قرار گرفته است. در ابتدای دوران بعثت، زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دعوت خویش را علنی نمود مشرکان برای جلوگیری از گسترش اسلام ابتدا به تطمیع و وسوسه مسلمانان پرداختند تا آنها را از مسیری که در پیش گرفته بودند متوقف کنند؛ اما پیشنهاد ثروت و مقام

نتوانست رسول خدا ﷺ را از مسیری که در پیش گرفته بود متوقف کند و در مقابل این وسوسه‌ها فرمودند:

«وَاللَّهِ لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرُ فِي شِمَالِي لَأَعْرَضَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ لَا أَفْعَلُهُ حَتَّى أَظْهَرَ اللَّهُ أَوْ يَذْهَبَ بِمَا فِيهِ؛ اِغْرُ خَوْشِيدَ رَأْسَ دَسْتِ رَاسْتِ مَنْ بَغْذَارَنْدَ، مَا رَأَى دَسْتِ چَپِ مَنْ بَغْذَارَنْدَ، بَرَاءِ اِیْنِکِه مَنْ اَز اِیْنِ هَدَفِ دَسْتِ بَکْشَم، سَوَگَنْدَ بِهْ خُدا اِیْنِ کَارَ رَا نَمِی‌کَنْم؛ تَا وَقْتِیْ یَا خُدا مَا رَا پِیروزِ کَنْدَ یَا هَمَه‌یْ مَا اَز بَیْنِ بَرَوِیْم».

پس از اینکه وسوسه و تطمیع به نتیجه نرسید اقدام به تحریم اقتصادی و اجتماعی مسلمانان کردند و آنها را مجبور کردند در دره‌ای به نام شعب ابی‌طالب معروف بود پناه بگیرند. طی این دوران سخت اقتصادی پیامبر اسلام بزرگ‌ترین حامیان خود یعنی خدیجه کبری و ابوطالب رضی الله عنهما را از دست دادند. این محاصره که در سال هفتم بعثت شروع شد، سه سال طول کشید و یکی از سخت‌ترین دوره‌های زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان به‌شمار می‌رود. آنها نمی‌توانستند مایحتاج خود را تهیه کنند؛ زیرا کسی حاضر به معامله با آنان نبود. قریش کسانی را مأمور کرده بود اجازه ندهند کسی برای مسلمین آذوقه ببرد.

کار به جایی رسید که جوانان و مردان با خوردن یک‌دانه خرما در شبانه‌روز زندگی می‌کردند. در تمام این مدت، فقط در ماه‌های حرام که امنیت در سرتاسر شبه‌جزیره حکم‌فرما بود، بنی‌هاشم از شعب بیرون آمده و به دادوستد مختصری اشتغال می‌ورزیدند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز فقط در همین ماه‌ها توفیق نشر و پخش آئین خود را داشت؛ اما درنهایت خداوند حيله آنها را باطل کرد و اسلام، مسیر خویش را ادامه داد. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۵۲-۶۴)

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به عرصه‌های تولید محصول با توجه به شرایط زمانی و مکانی تصریح و تأکید فراوانی شده است. بدیهی است که در هر جامعه‌ای با توجه به شرایط و امکانات، در هر دوره‌ای بعضی از بسترها در اولویت و اهمیت قرار می‌گیرند. در این میان ضرورت دارد که از اولویت‌ها در هر زمانی، در چارچوب اصول، اهداف و احکام اسلامی به‌خوبی مورد توجه قرارگیرد و سرمایه‌گذاری با در نظر گرفتن واقعیت‌ها انجام شود تا نتایج حاصل به تحقق اهداف کلان کمک کند. در این بخش به برخی از عرصه‌ها تولید کالا که در روایات به آنها تصریح شده است اشاره می‌شود.

۱،۲. کشاورزی و زراعت

در اسلام به کشاورزی توجه ویژه‌ای شده و پیشوایان دینی با عمل خود، مردم را به حرفه زراعت و کشاورزی تشویق و ترغیب کرده‌اند.

نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در هر نقطه‌ای که قوای اسلامی برای مدتی مستقر می‌شدند، دستور می‌داد تا چاه آبی حفر کنند و به کشاورزی و باغداری بپردازند. آن حضرت پس از هجرت به مدینه، پیروانشان را به حفر چاه و کشاورزی و باغداری تشویق می‌کرد که در اثر آن، زمین‌های بایر بسیاری در اطراف مدینه آباد شد. امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز ضمن پرداختن به کار کشاورزی و احداث قنات، در دستوری به مالک اشتر می‌فرمایند:

«باید کوشش تو در آبادی زمین، بیش از کوششت در جمع‌آوری خراج (مالیات) باشد؛ زیرا خراج، جز با آبادانی به‌دست نمی‌آید و آن کس که بخواهد مالیات را بدون ایجاد عمران و آبادانی مطالبه کند، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش را کم‌دوام می‌کند. اگر کشاورزان از سنگینی مالیات یا رسیدن آفت یا خشک‌سالی و... به تو شکایت کردند، مالیات را برای آنان به مقداری که حال آنها بهبود یابد تخفیف بده و این کار هرگز بر تو گران نیاید». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

امام صادق علیه السلام در توصیف اهمیت کشاورزان و کشاورزی می‌فرماید: «کشاورزان گنج‌های مردم هستند. چیز پاکیزه‌ای را که خدا خلق کرده، زراعت می‌کنند و آنان در روز قیامت، بهترین و برترین مقام را دارند و از آنها به‌عنوان برکت‌داران و مبارکین یاد خواهد شد». (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۹۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی می‌فرماید: «خداوند عزوجل از میان تمام حرفه‌ها، کشاورزی را برای انبیای خود پسندید». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۵۱۱)

۲.۲. دامداری و دام‌پروری

پس از کشاورزی، دام‌پروری از جمله عرصه‌هایی است تولیدات آن نقش ویژه‌ای در توسعه و پیشرفت جوامع دارد و از جهات بسیاری به استقلال و اقتدار کشور کمک می‌کند. نظر به اهمیت شغل دامداری در برطرف کردن نیازها در آموزه‌های دینی از این شغل به صورت‌های مختلف تجلیل و به آن تشویق و ترغیب شده است. نقل است که شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید:

«از میان اموال کدام مال بهتر است؟ حضرت در ابتدا زراعت را ذکر کرد. سپس آن شخص گفت: پس از زراعت کدام مال نیکوتر است؟ حضرت فرمودند: مال آن کسی که گوسفندداری می‌کند و به دنبال گوسفندانش به سرزمین‌های باران خیز می‌رود».

در روایت دیگری آمده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی به عمه خود فرمودند: «چه چیزی تو را از آوردن برکت به خانه‌ات بازداشته است؟ عرض کرد: یا رسول‌الله برکت چیست؟ فرمود: گوسفند شیرده؛ چه آن کس که گوسفندی شیرده یا گوساله یا گاوی در خانه‌اش داشته باشد، همه اینها برکت است». (قمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۱۹)

از جمله اموری که به جایگاه و منزلت والای دامداری دلالت دارد این مطلب است که بسیاری از انبیا و اولیا، حتی مدتی به این شغل بابرکت مشغول بوده‌اند. در روایتی آمده است که:

«ما بعثَ اللهُ نَبِيًّا قَطُّ حَتَّى يَسْتَرْعِيهِ الْغَنَمُ؛ خدا هیچ پیامبری را بر پیامبری مبعوث نکرد، مگر اینکه وی را به شبانی (دامداری) گمارد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۶۴)

۳،۲. صنایع و فناوری

امروزه صنعت و فناوری، اصلی‌ترین عامل قدرتمندی جوامع پیشرفته است و هیچ جامعه‌ای بدون دستیابی به صنایع مادر و سرنوشت‌ساز، نمی‌تواند از استقلال و امنیت و اقتدار برخوردار شود. روایات و حقایق تاریخی گویای این واقعیت‌اند که مسلمانان از آغاز بعثت رسول خدا ﷺ همواره به صنایع و فناوری توجه خاصی داشته‌اند که این امر مدیون ترغیب و تشویق‌های آیات قرآن و شخص نبی اکرم ﷺ بوده است.

خداوند در قرآن از پیامبرانی نام می‌برد که حرفه صنعتگری داشته‌اند مانند ادریس علیه السلام که به خیاطی و داود علیه السلام به زره‌بافی و نوح علیه السلام به کشتی‌سازی می‌پرداختند. امیر مؤمنان علیه السلام درباره نیاز جامعه به صنعتگران خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

«مردم جامعه از گروه‌های گوناگونی تشکیل شده است و هیچ یک از این گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیستند. اما در عین حال، همه این گروه‌ها ... بدون صاحبان صنایع، توان بقا و دوام ندارند؛ زیرا صنعتگران وسایلی از زندگی را تولید می‌کنند که از توان دیگران خارج است». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

آن حضرت علاوه بر تبیین جایگاه و اهمیت صاحبان فنون و صنایع به آنها درباره توجه به کیفیت تولیدات سفارش می‌کنند. برای مثال به یکی از صنعتگران می‌فرمایند:

«هرگز به دنبال سرعت در کار مباش، بلکه کیفیت و خوبی محصول را در نظر بگیر، چون مردم درباره اینکه چقدر برای ساختن این کالا وقت صرف شده است سؤال نمی‌کنند؛ بلکه خوبی و کیفیت آن را مورد توجه قرار می‌دهند». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۶۷)

همچنین امام صادق علیه السلام به منظور موفقیت هرچه بیشتر صاحبان صنایع می‌فرمایند:

«هر صنعتگری از سه خصلت ناگزیر است تا به کسب و کارش رونق ببخشد: اولاً در کاری و صنعتی که انجام می‌دهد زبردست و متخصص باشد و به امانت‌داری پایبندی داشته و رضایت کارفرما (سفارش‌دهنده کار) را تحصیل کند». (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۷)

۳. مولدشدن و دانش‌بنیان‌شدن

طبق تعریف سامان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که بر اساس تولید و توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش‌پایه مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. صنایع دانش‌بنیان، صناعی است که در آنها سطح بالایی از سرمایه‌گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص می‌یابد و فن‌آوری‌های کسب‌شده در سطح بالایی به کار گرفته می‌شوند و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار است.

کمیته اقتصادی مجمع همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام، اقتصاد دانش‌بنیان را اقتصادی می‌داند که در آن، تولید و توزیع و کاربرد دانش، عامل اصلی رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال در همه صنایع است.

طبق این تعریف، اقتصاد دانش‌بنیان برای رشد و تولید ثروت، تنها به تعدادی از صنایع با فن‌آوری بالا متکی نیست؛ بلکه در این اقتصاد، همه صنایع به فراخور نیاز خود از دانش استفاده می‌کنند. از نظر این کمیته، دانشی که بنای اقتصاد دانش‌بنیان است بسیار فراتر از دانش فنی است و شامل دانش فرهنگی و اجتماعی و مدیریت نیز می‌شود. فرایند پیشرفت در اقتصاد دانش‌بنیان با توجه به نقش وسیع دانش و کاربرد عملی آن «فناوری» وجود رابطه بازخورد بین دانش و کاربرد آن را ضروری می‌کند.

۱,۳. اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد انسانی

شاید در میان جانوران موجود در زمین، مواردی یافت شود که بر اساس یک جامعه اجتماعی، اعضا به تولید اقتصادی پرداخته و به شکل دقیق و منظم و عادلانه به توزیع و مصرف می‌پردازند. در حیوانات اجتماعی چون مورچگان، موریه‌ها و زنبورها می‌توان مواردی را یافت که در یک نظام اقتصادی کامل و عادلانه این سه‌گانه به شکل منطقی انجام می‌گیرد. اما باید توجه داشت که نظام اجتماعی جانوران به دلیل فقدان اراده و اختیار، یک رفتار غریزی و غیرارادی و غیراختیاری است. درحالی که رفتار انسان در همه امور از جمله رفتار اقتصادی، یک رفتار برخاسته از اراده و اختیار است که می‌تواند در چارچوب عدالت یا ظلم انجام گیرد. انسان‌ها به سبب دارا بودن اراده و اختیار است که به جایگاه خلافت الهی دست یافتند؛ زیرا از هیچ محدودیتی در دو جهت مثبت و منفی برخوردار نیستند و می‌توانند مانند خداوند به اراده خود عمل نمایند. با این تفاوت که اراده الهی همواره در چارچوب عدالت انجام می‌گیرد بی‌آنکه ظلم را مرتکب شود؛ (آل عمران، ۱۸۲؛ انفال، ۵۱) اما در انسان این اراده می‌تواند گرایش به ظلم را برای آدمی رقم زند؛ چراکه در بسیاری از مردم به سبب

وجود فقر ذاتی و نقص از جهات مختلف از جمله جهل، سفاهت، هواهای نفسانی، وسوسه‌های شیطانی، کبر، غرور و مانند آنها، گرایش به عدل، تبدیل به گرایش به ظلم می‌شود. (احزاب، ۷۲؛ فاطر، ۱۵؛ شمس، ۷ تا ۱۰)

از آنجایی که در قرآن کریم، فلسفه آفرینش انسان و حکمت و هدف آن، عمران و آبادانی زمین بیان شده است (هود، ۶۱) و می‌توان گفت که این تصرفات و عمران و آبادانی باید دانش‌بنیان باشد؛ چراکه اگر به شکل غریزی انجام گیرد، این فعل انسانی نمی‌تواند در مقام خلافت الهی انجام گیرد و رفتارهایی همچون تصرفات مورچگان خواهد بود و تحول بنیادین را در جهان ایجاد نخواهد کرد. پس برای اینکه تصرفات انسانی در جهان یک تصرف کمالی و عمیق در قالب آبادانی زمین باشد، باید مبتنی بر دانش الهی باشد. (بقره، ۳۰ و ۳۱)

همین ویژگی اختصاصی و انحصاری انسان در تصرفات ژرف در جهان با اراده و اختیار و علم خود، طمع شیطان و ابلیس را برانگیخته تا با فریب و وسوسه، او را به تغییراتی در خلقت و جهان سوق دهد که این تغییرات، خلاف حکمت و فلسفه آفرینش و مسئولیت خلیفه است. (نساء، ۱۱۹)

به هر حال، انسان به‌عنوان خلیفه الهی باید همه امور از جمله اقتصاد را در چارچوب علم داشته باشد؛ بنابراین در سطوح سه‌گانه تولید، توزیع و مصرف باید علم و دانش، معیار باشد. پس اقتصاد انسانی یک اقتصاد دانش‌بنیان است و اگر این‌گونه نباشد از رفتار انسانی خارج بوده و در مدل رفتار جانوری مطرح می‌شود.

۲,۳. مدیریت علمی در تولید اقتصادی

از آنجایی که اقتصاد به یک معنا هدف غایی است در آموزه‌های اسلامی ارزش یافته و در کنار عبادیات محض چون نماز مطرح می‌شود. اگر

خداوند در آیه ۲ سوره بقره از انفاق در کنار نماز یاد می‌کند، این امر، تأکید بر حوزه اقتصاد در جامعه انسانی و اسلامی است؛ زیرا انفاق به معنای بخشش مال و ثروت به دیگری است؛ این زمانی امکان‌پذیر است که شخص، تولید ثروت داشته باشد و بتواند با کار خویش بر میزان مال و ثروت و نعمت خود بیفزاید و بخشی را خود استفاده کند و بخشی را به دیگری به‌ویژه سائل و محروم بپردازد. (ذاریات، ۱۹؛ معارج، ۲۴ و ۲۵؛ اسراء، ۲۹) از نظر آموزه‌های قرآنی، عمران زمین از واجبات و تکالیف بشری به‌عنوان خلیفه الهی است. این آبادانی زمانی کمالی خواهد بود که مبتنی بر دانش باشد. از این‌رو در آیات قرآن به انسان‌ها فرمان داده می‌شود تا با دقت در جهان آفرینش، مدل‌های کمالی را پیدا کرده و بر اساس یک نظام دانش‌بنیان، تصرفاتی را انجام دهند و بر تولید ثروت جامعه بیفزایند.

حضرت یوسف علیه السلام در زمان مسئولیت خویش نشان می‌دهد که در تمام سطوح اقتصادی باید از علم بهره گرفت و اقتصاد علمی باید مورد توجه قرار گیرد تا جامعه به ثروتی دست یابد که حتی در شرایط تحریم و فشارهای محیطی و غیرمحیطی چون خشک‌سالی بتواند خود را حفظ کند تا از درون به‌سبب فقدان اقتصاد از هم نپاشد؛ چراکه اقتصاد، قوام و ستون اصلی جامعه است که مردم را دور خود گرد می‌آورد و نگه می‌دارد. (نساء، ۵)

از نظر قرآن، زمین برای انسان خزینه‌ای است که باید از آن به‌خوبی بهره گرفت و در چارچوب علم و دانش از آن در راستای اهداف آفرینش انسان و جهان استفاده کرد. این بهره‌گیری باید علمی باشد. از این‌رو حضرت یوسف علیه السلام به‌عنوان یک الگو در مدیریت علمی اقتصاد به دانش خود در این عرصه اشاره می‌کند و می‌فرماید:

اختیار امور اقتصادی کشور را به من دهید؛ چراکه من دارای علم کامل در حوزه اقتصاد هستم. او تعبیر به علیم می‌کند تا نقش علم به‌ویژه علم تخصصی را در حوزه اقتصاد مورد تأکید قرار دهد. (یوسف، ۵۵)

جامعه وقتی بخواهد یک اقتصاد دانش‌بنیان در حوزه کشاورزی و دام‌پروری و مانند آن داشته باشد، باید از متخصصان و خبرگانی برخوردار باشد. متخصصانی که بتوانند با تصرفات علمی در جهان و تغییرات مطلوب و سازنده، میزان بهره‌وری را افزایش داده و با افزایش تولید و نیز ایجاد کیفیت خوب و مناسب در محصولات، اقتصاد جامعه را شکوفا سازند. به‌عنوان نمونه حضرت یوسف علیه السلام یک روش علمی برای حفظ گندم برای سالیانی متمادی را مطرح می‌کند که خود عامل تقویت اقتصاد جامعه است. ایشان می‌فرماید برای حفظ گندم باید آن را در پوست اصلی خود نگه داشت تا از آفات بیرونی و درونی در امان ماند و به بهترین شکل تا سالیان سال محفوظ باشد. (یوسف، ۴۷)

اصولاً انسان می‌تواند با دقت و تأمل علمی در آفاق و انفس و دقت نظر، راه‌هایی را بیابد که جهانی بهتر داشته باشد. آیات قرآن بارها بر این مطلب تأکید دارد که چرا مردم به اطراف خویش نمی‌نگرند تا دانش خود را افزایش دهند و راه‌های علمی بهتر پیدا کرده و فناوری‌های جدیدی را پدید آورند.

انسان با نگاه به رفتارهای جانوران و گیاهان می‌تواند روش‌های علمی و ساده‌تر و آسان‌تری را پیدا کند که تولید را افزایش دهد یا تولید جدیدی را موجب می‌شود. همان‌طوری که انسان با نگاه به کلاغ راه و روش تدفین را آموخت. (مائده، ۳۱) می‌تواند با نگاه به موجودات هستی راه‌های مناسب تولید و بهره‌وری را بیابد یا حتی با تغییرات در مواد، مواد جدیدی را ایجاد

کند؛ چراکه انسان از ظرفیت طبیعی خلقت به عنوان خلیفه الهی برخوردار است و می تواند خلق جدیدی داشته باشد.

۴. مردمی کردن اقتصاد و تصدّی گری نکردن دولت

عدم علو، عدم اسراف، عدم استثثار، مسئله مهمی در امر حکومت است. خداوند درباره فرعون می فرماید:

﴿كَانَ عَلَیْهِ مِنَ الْمُسْرِفِیْنَ﴾؛ گناه فرعون این است: عالی است.

بنابراین برای حاکم، علو و استعلاء یک نقطه منفی است؛ نه خود او حق دارد استعلا کند، نه اگر اهل استعلا است، حق دارد قدرت را قبول کند، نه مردم اجازه دارند او را به عنوان حاکم و امام جامعه بپذیرند. استثثار یعنی همه چیز را برای خود خواستن و در مقابل ایثار است. ایثار یعنی همه چیز را به نفع دیگران از خود جدا کردن، استثثار یعنی همه چیز را به نفع خود از دیگران جدا کردن. علو و استعلا و استثثار جزو نقاط منفی حکومت است.

بنابراین در حکومت، اسلام نظر دارد. این باید در الگوی زندگی ما برای بلندمدت حتماً گنجانده و ملاحظه شود. از جمله مسائلی که در اسلام مورد تأکید بسیار قرار گرفته است رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

«فَأَعْظَمُ مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ تِلْكَ الْحَقُوقِ حَقُّ الْوَالِیِّ عَلَى الرَّعِیَّةِ وَحَقُّ الرَّعِیَّةِ عَلَى الْوَالِیِّ فَرِیْضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ؛

حقوق متقابل بین والی (حاکم) و رعیت (مردم) از همه حقوقی که مردم در قبال یکدیگر دارند، عظیم تر و مهم تر است. رعایت نکردن این حقوق، آثار منفی بی شماری در پی دارد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۸۳)

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«و اذا غلبت الرعيه على واليها إوإجحف الوالى برعيته اختلفت هنالك الكلمه و ظهرت معالم الجور و كثر الادغال فى الدين و تركت محاج السنن فعمل بالهوى و عطلت الاحكام و كثرت علل النفوس و لا يستوحش لعظيم حق عطل و لالعظيم باطل فعل فهنالک تذلل الابرار و تعز الاشرار و تعظم تبعات الله عزوجل عند العباد؛ هرگاه رعیت بر والی غلبه کند و والی بر رعیت تعدی و تجاوز به حقوق آنان روا دارد، آنگاه اختلاف کلمه (بین آنان و افراد جامعه) رخ می‌دهد و نشانه‌های جور و ستم در جامعه آشکار و تبهکاری در دین بسیار و عمل به سنت‌ها متروک می‌شود و به هوای نفس عمل و احکام شرع تعطیل و بیماری‌های روحی بسیار می‌شود و به سبب تعطیل حدود بزرگ الهی و ریشه‌دار شدن باطل، کسی اندوهگین و نگران نمی‌شود. در آن هنگام، خوبان خوار و اشرار (اوباش) عزیز و ارجمند شده و شهرها خراب می‌شود و بازخواست خداوند عظیم خواهد بود». (نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۳۳۳)

۵. برون گرایی با استفاده از ظرفیت‌ها

یکی دیگر از بسترهای کار و تولید و مصرف کالا، عرصه تجارت است. امروزه بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها بعد از تولید در عرصه تجارت انجام می‌گیرد. توزیع، تجارت و سیاست‌گذاری صحیح و وجود قوانین و مقررات مناسب در این عرصه، کمک شایانی به پیشرفت جوامع می‌کند. امیر مؤمنان (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر می‌فرمایند:

کار طبقاتی همچون سپاهیان و کشاورزان، قضات و عاملان و... بدون وجود تجار و بازرگانان به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. آنها با تلاشی که انجام می‌دهند بازارها را برپا می‌دارند و کار مردم را کفایت می‌کنند. (نهج البلاغه،

رسول خدا ﷺ که خود مدتی به امر تجارت مشغول بود، پس از هجرت به مدینه، چون بیشتر یهودیان مدینه به تجارت مشغول بودند و بیشتر مردم به کشاورزی می‌پرداختند، آن حضرت به شماری از مهاجران دستور داد که به کار تجارت مشغول شوند. طولی نکشید که مسلمانان در مدینه زمام امور اقتصادی را در دست گرفتند. همچنین انصار در کشاورزی و مهاجران در تجارت و بازرگانی به موفقیت‌های فراوان رسیدند و این امر در ایجاد دشمنی یهودیان با رسول خدا ﷺ بی‌تأثیر نبود.

امام علی علیه السلام ضمن آموزش احکام تجارت به بازاریان، مردم را به انجام تجارت تشویق می‌کرد. ایشان می‌فرمایند:

تجارت کنید، خداوند به شما خیر و برکت دهد. همانا من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند: روزی، ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت قرار داده شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۴۹) و در جای دیگر فرمود: چه زیباست که انسان برای طلب روزی به دریا سفر کند و به تجارت بپردازد. (همان، ص ۳۱۸)

۶. سپردن کار به دست جوان

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«إِذَا اخْتَجْتَ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبِدَّ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَ أَسْرَعُ حَدْسًا، ثُمَّ رُدَّ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رَأْيِ الْكُهُولِ وَ الشُّيُوخِ خَلِيسَتُهُمْ وَ يُحْسِنُوا الْإِخْتِيَارَ لَهُ، فَإِنَّ تَجَرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ؛ هِرْغَاهَ بِهَ مَشُورَتِ نِيَاظَمِنْدِ شَدِي، نَخَسْتِ بِهَ جَوَانَانِ مِرَاجِعِهَ نَمَا؛ زِيَرَا أَنَانِ ذَهْنِي تِيْزَتَرِ وَ حَدْسِي سَرِيْعَتَرِ دَارِنْدِ. سِپِسِ (نَتِيْجَه) أَنِ رَا بِهَ نَظَرِ مِيَاَنِ سَالَانِ وَ پِيْرَانِ بَرَسَانِ تَا پِيْگِيْرِيْ نَمُوْدَه، عَاقِبَتِ أَنِ رَا بَسَنَجِنْدِ وَ رَاهِ بَهْتَرِ رَا اِنْتِخَابِ كِنِنْدِ، چِرَاكِهَ تَجْرِبَهَ أَنَانِ بِيْشْتَرِ اسْتِ. (ابن ابی الحديد، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۳۷) در سیره پیامبر ﷺ آمده است که:

«وَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَتَّابَ بْنَ أُسَيْدٍ وَ عُمَرُوهُ إِحْدَى وَ عِشْرُونَ سَنَةً أَمْرَمَكَةَ وَ أَمْرَهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ وَ هُوَ أَوَّلُ أَمِيرٍ صَلَّى بِمَكَّةَ بَعْدَ الْفَتْحِ جَمَاعَةً. ثُمَّ انْفَتَحَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَهُ قَائِلًا: يَا عَتَّابُ! تَدْرِي عَلَى مَنْ اسْتَعْمَلْتُكَ؟! اسْتَعْمَلْتُكَ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَلَوْ أَعْلَمْلَهُمْ خَيْرًا مِنْكَ اسْتَعْمَلْتُهُ عَلَيْهِمْ. وَ كَتَبَ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ: لَا يَحْتَجُّ مُحْتَجٌّ مِنْكُمْ فِي مُخَالَفَتِهِ بِصَغَرِ سِنِّهِ فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ، بَلِ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ؛

رسول خدا ﷺ، عتّاب بن اُسَید را که جوانی ۲۱ ساله بود، به فرمانداری مکه منصوب کردند و به او فرمان دادند که امامتِ جماعتِ مردم را نیز به عهده بگیرد و او نخستین فرماندار بعد از فتح مکه بود که در این شهر، نماز جماعت برگزار کرد. رسول خدا ﷺ، سپس به او رو کردند و فرمودند: «ای عتّاب! می‌دانی تو را بر چه کسانی فرماندار کرده‌ام؟ تو را بر مردم شهر خدای عزوجل فرماندار کرده‌ام و البته اگر کسی بهتر از تو سراغ داشتم، او را فرماندار آنان قرار می‌دادم». آن حضرت، سپس به اهل مکه نوشتند:

«مبادا کسی در نافرمانی از او، به کم سن بودنش استدلال کند، چراکه بزرگ‌تر، شایسته‌تر نیست؛ بلکه شایسته‌تر، بزرگ‌تر است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۲۳)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾

درخصوص این آیه مفسرین نوشته‌اند: اموال موجود در دنیا، مال همه است و تنها به سبب مصالح خاصه (که سود آن نیز عاید همه می‌شود، تا جایی که مزاحم حق جمیع نباشد) بعضی از آن مال به بعضی از افراد جامعه اختصاص می‌یابد و اما در جایی که مالکیت فردی و خصوصی به بعضی از آن مال، مزاحم با حق جمع باشد و حقوق جمع را ضایع سازد، بدون تردید

رعایت مصلحت جمع مقدم بر رعایت مصلحت فرد خواهد بود و بسیاری از فروعات مهم از آن جمله: احکام مربوط به انفاق و قسمت عمده‌ای از احکام معاملات و... بر این اصل اساسی مبتنی است.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی آیات و روایات درباره راه‌حل‌های اقتصادی بخشی از ریشه‌های دینی این راه‌حل‌ها آشکار شد و به‌عنوان نمونه و به مقتضای گنجایش این جستار ۱۵ آیه از قرآن کریم و ۲۰ روایت از اهل‌بیت علیهم‌السلام موجود در منابع معتبر حدیثی شیعه به‌عنوان پشتوانه‌های این راه‌حل‌ها بیان شد. این بیانیه به‌عنوان یک سند بنیانی ناشی از سال‌ها تفقه و تلاش علمی رهبر معظم انقلاب اسلامی در نصوص دینی است و بندگان آن هرچند به زبان ساده و روان و دور از هرگونه تکلف و تطویل نوشته شده است؛ اما برگرفته از تعالیم الهی و دینی است که با حکمت و تجربه آمیخته شده است. با توجه به این پشتوانه فقهی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که توصیه‌های بیانیه گام دوم بر اساس آنها نگاشته شده است می‌تواند به‌عنوان منبع و معیار تدوین نظام اقتصاد اسلامی مدنظر قرار گیرد. باوجود دشمنی‌ها و تلاش‌هایی که جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و استحاله انقلاب اسلامی انجام شده است، انقلاب اسلامی ایران پس از بیانیه گام دوم، زنده‌تر و بالنده‌تر به‌نظر می‌رسد و این نشانه مرحله جدیدی از ظهور اسلام در جهان بشری است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، (۱۴۰۴)، *شرح نهج البلاغه*، مکتب آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، چاپ دوم.
۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴) *وسائل الشیعه*، قم: آل البیت، چاپ اول.
۳. حرانی، ابن شعبه، (۱۳۶۳)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*، قم: انتشارات غفاری، چاپ سوم.
۴. حسین میرمعزی، (۱۳۸۹) *اسلام و نظام اقتصادی فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۳، ص ۹۱-۱۰۸.
۵. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، قم: چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. داریوش نظری، بشیر آذرگو، سیدعلاء الدین شاهرخی، (۱۳۹۱)، *الگوی اقتصادی پویا برای جوامع اسلامی از منظر امام علی علیه السلام*، مجله دانشگاه لرستان، ص ۲۳-۳۷.
۷. روح الله کریمی، محمد نادری، (۱۳۹۳)، *آسیب شناسی مدیریت از منظر اسلام*، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، شماره ۹، ص ۵۴۷-۵۷۴.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۳)، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری: قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ دوم.
۱۰. علوی، سیداسحاق، (۱۳۹۲)، *کلیات علم اقتصاد*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۱. قمی، عباس، *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، قم: اسوه، چاپ سوم، بی تا.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ اول.

۱۴. مکارم شیرازی ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۷) *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ سوم.
۱۵. موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمین علیه السلام، چاپ سوم.
۱۶. نوری، میرزا حسین، (۱۳۹۳)، *اقتصاد دانش‌بنیان از منظر قرآن*، تهران: روزنامه کیهان، قابل دسترس در آدرس: <http://kayhan.ir/fa/news/>.
۱۷. -----، (۱۳۹۵)، *وقف علم و فناوری، دفتر همکاری‌های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده منطقه شمال غرب*، چاپ اول.
۱۸. -----، (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در قرآن کریم

با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام

سعیده عزیزی ابرقویی^۱

چکیده

اقتصاد از جمله اموری است که در کنار ابعاد دیگر جوامع همچون ثبات سیاسی، نظام فرهنگی، اجتماعی در میزان پایداری جوامع و رشد و شکوفایی آن‌ها نقش به سزایی ایفا می‌کند. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است درون‌زا، برون‌گرا، عدالت‌بنیان و دارای استحکام ساختاری شدید. این اقتصاد می‌تواند با بالابردن آستانه تحمل ساختار اقتصادی در برابر تکانه‌های داخلی و بین‌المللی، مقاومت اقتصادی کشور را در برابر تحریم‌ها افزایش دهد. در این نوشتار با مروری تحلیلی بر آیات منتخب قرآن کریم و تطبیق مفاد آیات بر مسئله اقتصاد مقاومتی دلالت‌هایی را در ایجاد مقاومت اقتصادی را استخراج کرده‌ایم. این نوشتار در صدد این است که با روش تفسیری به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در قرآن با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام بپردازد. مطابق با نتایج این تحقیق، مستندات آیات قرآن نشان می‌دهد که با تقویت عدالت‌بنیانی، درون‌زایی، روحیه جهادی، مردم‌محوری و دانش‌بنیانی در اقتصاد، حاکمیت و جامعه اسلامی قدرت بالاتری در مقابله با کفر خواهد داشت.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اقتصاد مقاومتی، مؤلفه‌های اقتصادی، تحریم.

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی علیه السلام، قم.

مقدمه

از مجموعه ادبیاتی که در حوزه اقتصاد مقاومتی توسط نظریه پردازان این حوزه ارائه شده است می توان دریافت که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است درون‌زا، برون‌گرا، عدالت‌بنیان و دارای استحکام ساختاری شدید. این اقتصاد در عین پویایی و حرکت، در مقابل تکانه‌های بین‌المللی به این راحتی فرو نمی‌پاشد و نظام تحریم‌ها نمی‌تواند ستون‌های آن را متزلزل کند. اداره این اقتصاد تنها در سایه مدیریت عالمانه و جهادی میسر است و نقش جوانان در ایجاد تحرک در این اقتصاد بی‌بدیل است.

مقام معظم رهبری علیه السلام با آگاهی کامل از جنگ اقتصادی دشمن و تمرکز بر فشار اقتصادی در قالب تشدید تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی با ارائه این مفهوم در پی ارائه الگوی بلندمدت برای اقتصاد ایران هستند که یکی از ویژگی‌های اساسی آن تحمل فشارها از جانب جبهه استکبار جهانی است. با توجه به ماهیت ایدئولوژیک تقابل نظام اسلامی ایران با نظام سلطه به رهبری آمریکا نمی‌توان تا پیروزی جبهه حق، پایانی برای این تقابل تصور کرد. بر این اساس ویژگی اساسی اقتصاد ایران باید مقاومت آن در برابر فشارهای خارجی و تبدیل آنها به فرصت باشد.

باوجود آنکه سال‌هاست از طرح نظریه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری علیه السلام می‌گذرد، کمتر پژوهشی تا به امروز انجام شده است که این نظریه را از منظر قرآن و نظام روایات و کلام اهل‌بیت علیهم السلام بررسی کند. در این پژوهش بر آن هستیم که با مروری موضوعی، گوشه‌ای از مستندات قرآنی این نظریه را بررسی کنیم. از این‌رو به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی پرداخته و این نظریه را از دیدگاه قرآن بررسی می‌کنیم. در همین حین تلاش می‌کنیم با استناد به

آیات قرآن، مؤلفه‌های مقاوم‌سازی اقتصاد را در مسئله مقابله با تحریم‌ها تبیین کنیم.

از آنجا که این مفهوم ابتدا توسط مقام معظم رهبری علیه السلام مطرح شده است در مقام استخراج مؤلفه‌ها، آنچه توسط ایشان معرفی شده است اکتفا می‌کنیم و همین مؤلفه‌ها را با مراجعه به آیات قرآن کریم شرح و بسط می‌دهیم.

۲. مؤلفه های اقتصاد مقاومتی

طرح مسئله اقتصاد مقاومتی توسط نظام ولایت فقیه، راهکاری متقن برای مقابله با این تحریم‌هاست. اقتصاد مقاومتی در نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام دارای مؤلفه‌هایی است. عدالت‌بنیانی، خودکفایی و درون‌زایی، برون‌گرایی، داشتن روحیه جهادی، شیوه و سبک زندگی مقاوم به‌ویژه در حوزه مصرف و مردم‌محوری را می‌توان عناصر اصلی این اقتصاد دانست. با مرور آراء اقتصاددانان می‌توان دریافت که اعمال این مؤلفه‌ها می‌تواند مقاومت اقتصادی کشور را در مقابل تحریم‌ها افزایش دهد که البته مرور نظر این افراد از اهداف این نوشتار نیست. در این نوشتار برآنیم با مرور آیاتی از قرآن کریم، دریابیم که اولاً نگرش قرآن نسبت به این مؤلفه‌ها چیست و ثانیاً آیا از منظر قرآن تلاش برای اجرای این مؤلفه‌ها می‌تواند توانمندی اقتصاد کشور را در مقابله با تحریم‌ها افزایش دهد یا خیر. در ادامه به تفصیل به نقش هر کدام از این موارد در مقابله با تحریم اقتصادی می‌پردازیم و در شرح و بسط مفاهیم از آیات منور قرآن کریم بهره می‌گیریم.

۲.۱. عدالت‌بنیان بودن

از جمله خصوصیات اقتصاد مقاومتی، عدالت‌بنیان بودن است. الگوی اقتصاد مقاومتی الگویی برآمده از نظام اقتصادی اسلام است که متناسب با شرایط محیطی اقتصاد ایران باشد. بر اساس مبانی اسلامی عدالت و برقراری قسط یکی از اهداف انبیا است. عدالت اقتصادی از شعب عدالت اجتماعی است.

عدالت در کتاب و سنت به عنوان هدف بعثت پیامبران علیهم السلام و نزول کتاب‌های آسمانی ذکر شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛ به یقین فرستادگانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان فروفرستادیم تا مردم به قسط برخیزند. (حدید، ۲۵)

به سبب اهمیت رفتار عادلانه در سعادت فرد و جامعه است که خدای متعال اهل ایمان را به برپایی عدالت دعوت کرده (نساء، ۱۳۵) و به عدل و احسان امر می‌کند. (نحل، ۹۰) اجرای عدالت می‌تواند قوام و پایداری جامعه را افزایش دهد. چنانکه امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«الْعَدْلُ قِوَامُ الرَّعِيَّةِ وَ جَمَالُ الْوَلَاةِ؛ عدالت، قوام مردم و زیبایی حکمرانان است». (غررالحکم، ۱۳۶۶ ص ۱۹۵۴)

آنچه موجب تداوم اعتماد مردم به حکمرانان و پشتیبانی آنها از حاکمیت و همچنین مقاومت آنها در برابر نابسامانی‌ها می‌شود، عدالت است. از جمله این نابسامانی‌ها، تحریم‌های اقتصادی است که می‌تواند مقاومت مردم را در هم بشکند. چنانچه مردم جامعه در عملکرد حاکمان، اثری از اجرای عدالت نبینند، دلیلی بر حمایت از سیاست‌های حاکمیت در برابر تحریم‌کنندگان پیدا نمی‌کنند. از جانب قرآن کریم نیز مردم موظف به عدم حمایت از حاکمانی هستند که ظلم می‌کنند:

﴿وَلَا تَرْكُؤْا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾؛

و به کسانی که ظلم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد. (هود، ۱۱۳)

بنابراین، شرط اساسی در قوام جامعه اسلامی در برابر هجمه دشمنان و تحریم‌های اقتصادی، اجرای عدالت است. تحقق عدالت در جامعه دارای مؤلفه‌هایی است. در ادامه برای مثال به دو مؤلفه اشاره می‌کنیم.

۲.۲. برخورداری از حد کفاف در تأمین نیازها

حد کفاف آن حدی از درآمد است که هر یک از افراد جامعه برای تأمین نیازهای ضروری و متعارف خود نیاز دارند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، جامعه در برابر فقرا و نیازمندان مسئول است. دولت در قبال فقرا و نیازمندان مسئول است و باید نیاز آنها را تأمین کند. بر اساس قرآن کریم فلسفه مالکیت دولت اسلامی و امام جامعه نیز تأمین نیاز فقرا و نماندن ثروت میان اغنیا هست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا، رسول و خویشاوندان وی و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست‌به‌دست نشود! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری کنید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است. (حشر، ۷).

البته تنها دولت در قبال فقرا مسئول نیست؛ بلکه بر اساس اصل تکافل اجتماعی و کفالت همگانی همه مسلمانان و افراد جامعه در قابل نیازمندان

مسئول هستند و موظفند نیاز آنها را تأمین کنند. اما دولت بر این اساس که «همه مردم در منابع ثروت حق دارند» وظیفه دارد حاجات نیازمندان را در حد کفاف تأمین کند. (ر.ک: صدر، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳)

۲،۳. تساوی در بهره‌مندی از امکانات

عدم برابری و توازن در دسترسی مردم به فرصت‌های اقتصادی مانند شغل، تسهیلات، وام و دسترسی به سایر فرصت‌ها از جمله فرصت‌های علمی، بهداشتی آموزش عالی و... منجر به عدم برابری درآمدی و تولید فقر می‌شود. به‌عنوان مثال عدم تأمین آموزش مناسب برای کودکان منجر به تولید فقر قابلیت می‌شود که تا پایان زندگی سایه آن بر زندگی فرد و اجتماع باقی می‌ماند. فقر و نابرابری درآمدی در بسیاری از روایات نکوهش شده است به‌گونه‌ای که فقر همسایه کفر دانسته شده و موجب ضعف ایمان است.

بنابراین در ادبیات قرآنی از اموالی که ثروتمندان مکلف به انفاق آنها به محرومان هستند به‌عنوان حق معلوم یاد شده است. گویا ایجاد توازن در سطح زندگی افراد و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای مردم حتی به قیمت کاهش ثروت ثروتمندان از مواردی است که خداوند متعال بر آن صحه می‌گذارد:

﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾؛ و آنها (نمازگزاران) در اموال خود سهمی را معین می‌کنند برای درخواست‌کنندگان و محرومان». (معارج، ۲۴ و ۲۵)

بر اساس این آیه شریفه، نیازمندان در اموال ثروتمندان سهم هستند. مردی نزد علی بن حسین (علیه السلام) (آمد و عرض کرد: مرا از معنای «حق معلوم» در آیه پیش گفته آگاه سازید، مراد چیست؟ امام (علیه السلام) فرمودند:

«حق معلوم، چیزی است که انسان از مال خود خارج می‌کند و بخشی از زکات و خمس واجب نیست. مرد پرسید: اگر زکات و خمس نیست، چیست؟ حضرت فرمودند: حق معلوم، مقداری است که انسان از مال خود به‌قدری که مایل

است، کم یا زیاد خارج می‌کند. مرد پرسید: با آن چه می‌کند؟ فرمود: صله رحم به جای می‌آورد، ناتوانی را تقویت می‌کند، باری را از دوش کسی برمی‌دارد، به برادر ایمانی‌اش می‌بخشد یا برای مصیبتی که برادرش به آن گرفتار آمده، صرف می‌کند. مرد گفت: خداوند متعال بهتر می‌داند رسالتش را به چه کسی بسپارد». (حکیمی، ۱۳۶۸، ص ۲۶۲)

از این روایت استفاده می‌شود که حق معلوم، مالی افزون بر خمس و زکات است که هر کس باید برای رسیدگی به تهیدستان بر خود واجب سازد و مقدار آن به دارایی و کرم فرد، بستگی دارد.

با استفاده از مفاد نصوص ذکرشده درمی‌یابیم که در جامعه اسلامی باید فقر از بین برود. از جمله عواملی که موجب می‌شود مردم جامعه، مقاومت خود را در برابر تکانه‌های اقتصادی و تحریم‌ها از دست بدهند، فقر است. از آیات قرآن کریم درمی‌یابیم فقیر کسی است که ستون فقرات او شکسته است. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۷۶). از چنین فردی نمی‌توان انتظار مقاومت داشت. نبود عدالت هم از مجرای ایجاد فقر و هم از مجرای ایجاد احساس فقر می‌تواند جامعه را سست کند و آن را در برابر تحریم، شکننده سازد.

در منابع اسلامی درباره ناسازگاری فقر با ایمان، روایت‌های فراوانی به ما رسیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند:

«کاد الفقر ان یكون کفراً؛ فقر نزدیک به کفر است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۰).

می‌توان چنین نتیجه گرفت که فقر به همان مقدار به ایمان مسلمان آسیب می‌رساند که کفر برای ایمانش زیان‌آور است.

آسیب‌های پیش‌گفته همگی بستری را فراهم می‌آورند تا فرد فقیر نسبت به همه چیز و همه کس حتی نسبت به خداوند متعال، بدبین شده و کینه همه را به دل بگیرد. امام علی علیه السلام فقر را سبب آسیب‌هایی می‌داند که یکی از آنها،

پدیدآمدن خشم (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹) و نفرت است. اگر فقر در جامعه، گسترش پیدا کند، دشمنی‌های ناشی از آن، زمینه نارضایتی عمومی از حاکمیت را فراهم می‌آورد و چه بسا سبب التهاب‌ها و بحران‌های اجتماعی نیز بشود و سرانجام همبستگی و وحدت ملی را هم به خطر می‌اندازد. در چنین شرایطی فشارها و تحریم‌های اقتصادی به شدت عمل می‌کند و کشور را با مشکل مواجه می‌کند.

۲.۴. استقلال اقتصادی

خداوند در آیات قرآنی بر استقلال همه‌جانبه امت اسلام از جوامع دیگر تأکید می‌کند. برخی از آیات به صراحت هرگونه وابستگی به‌ویژه در حوزه اقتصادی را مردود شمرده و از مسلمانان خواسته تا به‌گونه‌ای اقتصاد جامعه را بنیان گذاشته و استوار سازند که نیازی به بیگانگان نباشد؛ زیرا اقتصاد، قوام جامعه است و همانند ستون میانی خیمه عمل می‌کند. (نساء، ۵۱) پس اگر اقتصاد خودکفا و مستقل وجود نداشته باشد، جامعه فاقد ستون اصلی و میانی خواهد بود و توان ایستادگی و مقاومت نخواهد داشت. (نیکوسیرت، ۱۳۹۷، ص ۸۷).

خداوند در آیه ۲۸ سوره توبه خواستار قطع رابطه اقتصادی با دشمنان اسلام و مسلمانان می‌شود که از آئین مسلمانی است که با دشمنان قطع ارتباط کنید. سپس به مسلمانان نسبت به تحریم اقتصادی و قطع رابطه با دشمنان دلگرمی می‌دهد و می‌فرماید اگر رابطه اقتصادی با دشمنان قطع شود شما ضرر و زیانی نخواهید کرد؛ زیرا خداوند از فضل خویش شما را کمک می‌کند و مشکلات اقتصادی شما را حل و فصل می‌کند؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

و اگر در این قطع رابطه از فقر بیمناکید، پس بزودی خدا- اگر بخواهد- شما را به فضل خویش بی‌نیاز می‌گرداند که خدا دانای حکیم است. (توبه، ۲۸)

اینکه خداوند در آیات قرآن خواستار استقلال همه‌جانبه به‌ویژه اقتصادی است از آن روست که اقتصاد، قوام‌بخش جامعه و ستون آن است و استقلال و خودکفایی به‌معنای استقلال در زمینه‌های دیگر نیز خواهد بود؛ اما وابستگی اقتصادی موجب می‌شود تا جامعه فاقد ستون اصلی باشد و نتواند بر ساق خود استوار و محکم بایستد و همواره نیازمند تکیه‌گاهی است که بر آن تکیه دهد.

استقلال اقتصادی برآمده از اصل اساسی قاعده نفی‌سییل (نساء، ۴۱) است. «قاعده نفی‌سییل» از قواعد مهم فقهی است که مشهور فقها با استناد به آیات، روایات، اجماع و عقل، آن را به اثبات رسانیده‌اند و در موارد بسیاری، این قاعده را مبنای استنباط احکام شرعی قرار داده‌اند. بر اساس این قاعده، هر نوع رابطه از جمله عقد و معامله و قراردادی که سبب شود کافران، راهی برای سلطه و نفوذ بر مسلمان پیدا کنند یا سبب علو و برتری آنها بر مسلمانان گردد، اعتباری ندارد

این خودکفایی و استقلال اقتصادی است که زمینه و بستر استقلال سیاسی و نظامی را فراهم می‌آورد؛ زیرا اگر جامعه اسلامی بخواهد دارای استقلال سیاسی باشد باید از توان نظامی نیز برخوردار باشد و وابستگی به دیگران نداشته و اجازه ندهد تا دیگران بر آنان سلطه یافته و چیره گردند. این گونه است که اگر بخواهیم به مفاد آیه ۶۰ سوره انفال عمل کنیم و در حد استطاعت از نفرات و تجهیزات جنگی و دفاعی برخوردار باشیم باید استقلال اقتصادی داشته و بتوانیم همه قوت و توان نظامی را از این راه به‌دست آوریم.

از آنجاکه استقلال سیاسی و نظامی در گرو استقلال اقتصادی است، لازم است تا به‌عنوان امت اسلام و یک هویت مستقل در عرصه جامعه جهانی و در میان امت‌های دیگر از استقلال اقتصادی برخوردار بوده و از هر گونه وابستگی اقتصادی، رهایی یافته و بر پا و ساق خود استوار بوده و تکیه و اعتمادی به دیگران نداشته باشیم؛ چراکه خداوند در آیه ۵ سوره نساء و به‌صراحت کامل در

آیه ۲۸ سوره توبه بیان می‌کند که وابستگی اقتصادی مهم‌ترین عامل وابستگی جامعه به بیگانگان خواهد بود؛ از همین روست که در توصیف مسلمانی و آئین آن در آیه ۲۹ سوره فتح می‌فرماید که خودکفایی و استقلال و اعتماد بر خود و بر پای خود ایستادن از آئین مسلمانی است. (نیکوسیرت، ۱۳۹۷، ص ۷۸).

از سوی دیگر، اسلام یکی از اهداف نظام اقتصادی را داشتن قدرت اقتصادی در برابر سایر حکومت‌ها می‌داند. این امر به دو منظور است:

الف: ترساندن کفار و دشمنان خارجی تا به ذهن آنها نقشه تجاوز نظامی و امکان تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی از نظر اقتصادی - محاصره اقتصادی - خطور نکند؛

ب: اشاعه اسلام در خارج از مرزهای حکومت اسلامی با بهره‌گیری از امکانات اقتصادی و کمک به ملت‌های فقیر.

آیه ۶۰ سوره انفال به مسلمانان چنین دستور می‌دهد:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾؛

هر چه از نیرو و اسب‌های آماده در توان دارید بسیج کنید تا با این تدارکات، دشمن و دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید. (انفال، ۶۰)

دریافت جزیه از اهل ذمه نیز به همین دلیل است. جزیه از یک سو قدرت اقتصادی حکومت اسلامی را زیاد کرده و از سوی دیگر قدرت اقتصادی کفار را می‌کاهد و دولت با در اختیار داشتن این ثروت می‌تواند مستمندان و فقیران را یاری کند تا به حد کفاف برسد.

عدم رعایت این ویژگی موجب طمع دشمنان برای تحریم اقتصادی می‌شود. تحریم، پدیده جدیدی نیست و شاید بتوان گفت که پیشینه‌ای به قدمت انسان دارد در شعب ابی طالب این پدیده خودش را به‌خوبی نشان داد وقتی که کفار مکه دیدند به هیچ طریق نمی‌توانند جلوی رشد گفتمان اسلام محمدی را بگیرند آخرین حربه آنها این بود که آنها را در مضیقه اقتصادی قرار دادند

نمونه‌های دیگری هم داریم در کربلا نیز همین اتفاق می‌افتد و آنجا تحریم اقتصادی خودش را در تحریم آب نشان می‌دهد در صورتی که مشابه آن در قضیه جنگ بدر وجود دارد و مسلمان‌ها زودتر از کفار سر چاه‌های بدر می‌رسند و می‌توانستند کاری که بنی‌امیه در کربلا انجام دادند، آنها هم در بدر انجام دهند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را از این کار برحذر می‌دارد. نکته این است که در تاریخ این وضعیت‌ها خودش را به شیوه‌های مختلف نشان داده و هر جا که امکانات اقتصادی، امکانات رفاهی و مادی در دست یک بازیگر سیاسی بوده است، برای تحت فشار قرار دادن رقبا استفاده کرده و این تحریم اتفاق افتاده است. حال می‌خواهد این بازیگرها گروه‌ها یا افراد باشند یا قبائل. در دنیای امروزه ما، کشورها و دولت‌هایی باشند که واحدهای سیاسی جهان امروز را تشکیل می‌دهند. (دولت‌یار، ۱۳۹۴ صص ۴۹ و ۵۰)

در بررسی موضوع خودکفایی از جمله اشکالاتی که همواره با آن مواجه می‌شویم، این استدلال است که کشور ما و جامعه ما توان کافی را برای رفع محرومیت‌های اقتصادی خود بدون کمک‌گرفتن از کفار را ندارد. در این منظر، خودکفایی برای جامعه اسلامی ممکن نیست. اما با مراجعه به تجربه کشورهای مختلف دنیا می‌توان دریافت که کشورهایی که امروزه عنوان پیشرفته را به خود گرفته‌اند همواره به سمت و سوی خودکفایی حرکت کرده‌اند. این کشورها تلاش کرده‌اند علاوه بر رفع نیاز خود، محصولات لازم برای دیگر جوامع را نیز تولید کنند. از این رو نمی‌توان کالایی را یافت که در آلمان، آمریکا، انگلستان، ژاپن، چین و فرانسه مشابه آن تولید نشود. این کشورها قدرت ساخت عموم کالاهای مورد نیاز بشر را در خود ایجاد کرده‌اند و این نشان می‌دهد که اتفاقاً راهبرد ایجاد خودکفایی را دنبال نموده‌اند. با توجه به آیات قرآن کریم، کشورهای اسلامی و جامعه مؤمنین، نسبت به جوامع غربی برتری دارند و از اطلاق آیات

می‌توان دریافت که این برتری در اقتصاد نیز ممکن است. به‌عنوان مثال، خداوند متعال در سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید». (آل عمران، ۱۳۹)

از این آیه کریمه استفاده می‌شود که یکی از لوازم ایمان بی‌نیازی اقتصادی از کفار و خودکفایی مسلمین است؛ زیرا نیاز همیشه ملازم با ذلت و اسارت است و امتی که بخواهد عزیز و سربلند زندگی کند باید خود را از یوغ کفار آزاد سازد. (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶) خداوند قدرت برتر بودن را در اختیار جامعه مؤمنین قرار داده است. از این رو امکان استقلال و خودکفایی برای مؤمنین وجود دارد.

این آیه در کنار آیه نفی سبیل می‌تواند امکان استقلال و خودکفایی را به ضرورت نیز تبدیل کند. خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

از آیه کریمه ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ﴾ استفاده می‌کنیم که برای حفظ اعتبار و حیثیت اسلامی، مسلمانان موظفند از هرگونه عملی که راه نفوذ کفار را برای تسلط بر مسلمین می‌گشاید، خودداری کنند و پیشاپیش راه‌های نفوذی آنان را با تدبیر و سیاست ببندند. و از آن‌جا که بزرگ‌ترین راه نفوذ آنان، تأمین نیازمندی‌های اقتصادی است، از این رو اعمال سیاست اقتصادی خودکفا و همیاری عموم اقشار در قطع وابستگی و بستن راه‌های نفوذی آنان از مهم‌ترین مسئولیت‌های امت اسلامی است. (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶). با توجه به این مطالب، اصل استقلال و خودکفایی اقتصادی از ضروریات جامعه اسلامی است.

جهاد صرفاً معطوف به جنگ نظامی و مجاهدت در عرصه‌های نظامی نیست؛ بلکه جهاد بار معنایی ویژه‌ای دارد به‌گونه‌ای که می‌توان آن را به عرصه‌های مختلفی از زندگی فردی و اجتماعی گسترش داد. همان‌گونه که مبارزه با نفس را جهاد اکبر می‌نامند، می‌توان جهاد در عرصه‌های متفاوتی که جامعه اسلامی به آن نیازمند است جهاد نامید. درواقع جهاد در عرصه‌هایی مطرح است که دشمنی در آن عرصه وجود دارد؛ زیرا اگر دشمنی وجود نداشته باشد دیگر نمی‌توان آن را جهاد نامید. در قلب مفهوم جهاد آن تقابل با دشمن قرار گرفته و این تقابل ممکن است با جان یا مال یا تفکر یا ابزارهایی دیگر باشد.

تلاش مستمر و خستگی‌ناپذیر و بدون چشم‌داشت مزد و منت، کلیدی‌ترین عنصر در عرصه اداره جامعه اسلامی و رفع مشکلات مقابله با تهدیدات دشمنان است. آیات متعددی از قرآن بر لزوم جهاد در راه خدا و برتری مجاهدان بر دیگران دلالت دارد:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾^۱

آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، درحالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟» (آل‌عمران، ۱۴۲)

ایجاد تحولات اساسی در ساختارها و نهادها به نفع اقشار محروم مبارزه با فسادها و سوءاستفاده و هوشیاری در مقابل تهدیدات دشمن و رصد تحرکات او و نهایتاً پاسخ‌گویی به نیازهای معیشتی مردم خصوصاً طبقات ضعیف در هر شرایط داخلی و بین‌المللی ازجمله اموری است که نیازمند مقاومت و پایداری و تدبیر به‌موقع و هوشمندانه نظام اداره کشور است و این از مصادیق بارز مجاهده فی سبیل الله است. (زریباف، ۱۳۹۴، ص ۹۸)

مقام معظم رهبری علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

«جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست؛ اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید که دشمنی سینه‌به‌سینه‌ی شما ایستاده است. این می‌شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می‌شود «مبارزه»؛ جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی». (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۸/۱)

جهاد در عرصه‌هایی رخ می‌دهد که اسلام و جامعه اسلامی به خطر می‌افتد و حفظ نظام و استقلال اقتصادی در این زمان از مصادیق جهاد است؛ بنابراین جهاد اقتصادی به معنای بازتعریف نقش مردم و دولت در راستای تحقق استقلال مقاومتی است. یعنی زمانی که نظام به خطر می‌افتد مردم وظیفه دارند که با جان و مال خود از آن دفاع کنند. اگر حفظ این اصل لازمه‌اش تحمل محرومیتی در کوتاه‌مدت و تلاش بیشتر است مردم باید با هدف استقلال اقتصادی آن را تحمل کنند. تحریم‌های اقتصاد در شرایطی می‌توانند اثرگذار باشند که روحیه جهاد و شهادت در کشور سست شده باشد.

۲.۶. اصلاح الگوی مصرف

اقتصاد و میانه‌روی یکی از اصول ناظر بر احکام اسلام است. میانه‌روی از اصول اخلاقی است که در تمام عرصه‌های زندگی حتی امور اخلاقی کاربرد دارد. آموزه‌های دینی بر اقتصاد و میانه‌روی در عبادت، (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۴۰، ص ۳۲۸) انفاق (فرقان، ۶۷؛ بقره، ۲۱۹)، هزینه‌های زندگی (اسراء ۲۶ و ۲۷ و کلینی، ج ۴، ص ۵۲) میزان مصرف، ساعات کار،

مقدار خورد و خوراک، خواب و تفریح تأکید ویژه‌ای دارد و گاهی در ادبیات دینی از آن با واژه قصد هم تعبیر می‌شود.

قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾؛ عبادالرحمن

کسانی هستند که چون مالی را هزینه کنند - چه برای خود چه برای دیگران - نه اسراف می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند؛ بلکه هزینه‌کردن آنها در حد اعتدال است». (فرقان، ۶۷)

پرواضح است که میانه‌روی در ساعات کار از یک‌سو از اسراف منابع محدود و فرسوده‌شدن نیروی کار در اثر کار بیش از حد جلوگیری کرده و از سوی دیگر، مانع راکد ماندن منابع، سرمایه‌های مالی و فیزیکی و بیکاری نیروی کار می‌شود. اعتدال در مصرف، افزون بر جلوگیری از اسراف در مصرف و فقر ناشی از آن، مانع بروز مشکلات ناشی از برآورده‌نشدن دیگر نیازهای متعارف می‌شود. پرواضح است که میانه‌روی در ساعات کار از یک‌سو از اسراف منابع محدود و فرسوده‌شدن نیروی کار در اثر کار بیش از حد جلوگیری کرده و از سوی دیگر، مانع راکد ماندن منابع، سرمایه‌های مالی و فیزیکی و بیکاری نیروی کار می‌شود. اعتدال در مصرف، افزون بر جلوگیری از اسراف در مصرف و فقر ناشی از آن، مانع بروز مشکلات ناشی از برآورده‌نشدن دیگر نیازهای متعارف می‌شود. عدم اعتدال در انفاق و زیاده‌روی در آن، انسان را از تأمین مخارج ضروری افراد تحت تکفلش باز می‌دارد و کوتاهی در انفاق افزون بر اینکه سبب ریشه‌دار شدن رذائل اخلاقی مانند حرص و بخل در انسان می‌شود، سبب برآورده‌نشدن نیازهای طبقات کم‌درآمد و تعمیق شکاف طبقاتی در جامعه نیز می‌شود.

حرمت اسراف و تبذیر نیز یکی دیگر از محدودیت‌های مصرف از منظر روایات است. اسراف به معنای تجاوز از حد وسط است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰۷) خداوند در قرآن می‌فرماید که مسرفان را دوست ندارد. (اعراف، ۳۱) تبذیر بر خلاف اسراف و تنها واژه‌ای اقتصادی است. تبذیر از ریشه «بذر» یعنی تفریق و پخش کردن چیزی؛ اصلش از ریختن و پاشیدن بذر است که به‌طور استعاره درباره کسی که مال خود را بیهوده تلف و پخش می‌کند به کار رفته است. واژه قصد و مشتقات آن در معانی؛ راست، متوسط و معتدل به کار رفته است. مانند «واقصد فی مشیک». (لقمان، ص ۱۹) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن.

از میان آنها عده‌ای بر خود ستم کردند و عده‌ای میانه‌رو بودند و عده‌ای به اذن خدا در نیکی‌ها از همه «پیشی» گرفتند. (فاطر، ۳۲) از مجموع این نظریه‌ها چنین برمی‌آید که بین واژه اسراف به معنی اقتصادی آن با واژه تبذیر فرق زیادی وجود ندارد و تنها ممکن است در جهت تمایز بین این دو واژه گفته شود که با توجه به خصوصیات تعابیر لغت‌شناسان در معنی تبذیر، مقصود از این واژه، تلف کردن و ضایع نمودن مال است و زیاده‌روی در انفاقات شخصی و امور خیریه را شامل نمی‌شود. در حالی که اسراف، فراگیرتر از آن و دربرگیرنده همه موارد از هدر دادن و زیاده‌روی در مصارف شخصی و خانوادگی و انفاق‌های مستحب است.

واردات بی‌رویه کالاهایی که مشابه داخلی دارند به نوعی اسراف و تبذیر مال داخلی است؛ زیرا موجب استهلاک و معطلی سرمایه‌های هزینه‌شده در تولید می‌شود. از سوی دیگر حسن تدبیر از سوی مسئولان باید در راستای تولید محصولات داخلی و عواملی را که ضد تولید هستند، شناسایی و با آنها مقابله کنند؛ زیرا در غیر این صورت سرمایه‌های کشور به جای صرف در امور مولد که قوام‌دهنده قدرت اقتصادی و استقلال کشور هست از کشور خارج می‌شود و

موجب کاهش قدرت اقتصادی می‌شود. واردات، یکی از شیوه‌های ارتباط اقتصادی با بازارهای جهانی است. این ارتباط در صورت نظارت صحیح دولت می‌تواند عاملی برای توسعه و رشد اقتصادی باشد؛ اما اگر بی‌ضابطه و بدون برنامه‌ریزی باشد علاوه بر خروج ارز، موجب آسیب‌رساندن به تولید ملی شود. به‌عنوان یکی از مصادیق مدیریت مصرف، نظارت بر ورود کالاهای لوکس و مصرف کالاهای داخلی و پرهیز از اسراف است. بند ۸ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز بر مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید تأکید دارد. جامعه اسلامی و مردمی که اعتدال در مصرف داشته باشند از مصرف چنین کالاهایی پرهیز می‌کنند و از سوی دیگر مسئولان نیز با عنایت به این اصل نباید اجازه واردات کالاهای لوکس و کالاهایی را که مشابه داخلی دارند، بدهند.

۲.۷. مردم‌محوری

همان‌گونه که در مفاد آیه ۲۵ سوره حدید بیان شد، عامل اصلی در اقامه قسط و عدل در جامعه، خود مردم هستند. بنابراین خود مردم باید در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی حضور و مشارکت داشته باشند و حکومت به هدایت و راهنمایی و نظارت می‌پردازد. همچنین بر اساس آیه دوم سوره مائده مردم به همکاری با یکدیگر دعوت شده‌اند:

﴿وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾؛ و بر نیکویی و تقوا با یکدیگر تعاون کنید.

بر این اساس، نظام اسلامی بدون مشارکتِ آحاد جامعه و همکاری و مسئولیت‌پذیری مردم در اداره امور مختلف از جمله معیشت کشور هرگز قادر نخواهد بود پویایی و پیشروی خود را حفظ کند و تداوم بخشد.

در نظام سرمایه‌سالار که در غرب حاکم است مالکیت بخش غالب منابع و محصولات تولیدی و مدیریت اقتصاد جامعه در تصاحب صاحبان سرمایه قرار دارد و عموم مردم صاحب دستمزدهای ثابت هستند که حاصل فروش کار روزمره آنها است. در این نظام بخش زیادی از مردم به‌جای کسب ارزش‌افزوده حاصل از کار خود تنها دستمزد ثابتی دریافت می‌کنند و همواره در معرض بیکاری قرار دارند. در صورت بروز رکود و آسیب به تولید از کار اخراج می‌شوند و از آنجاکه مالک سرمایه‌ای نیستند برای تأمین زندگی خود دچار مشکل می‌شوند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد نظام اقتصادی اسلام با قوانین و توصیه‌های اخلاقی خود درباره مالکیت منابع و کسب سود در پی از بین بردن زمینه‌های انباشت ظالمانه ثروت است. خروج مردم از مشارکت در اقتصاد، این انباشت را نتیجه می‌دهد. انباشتی که کشور را به‌سوی بی‌عدالتی سوق می‌دهد و عده قلیلی را بر گرده مردم سوار می‌کند. از این‌رو یکی از عواملی که لازمه مردمی‌شدن اقتصاد است ایفای نقش مردم در فرایند مدیریتی تولید و مالکیت منابع و ابزار است. در نظام اقتصادی که برآمده از اسلام است مردم باید نقشی بالاتر از کارگران ساده و روزمزد داشته باشند. البته محقق‌شدن این امر نیازمند طراحی ساز و کاری است که در آن نه به مردم ظلم شود، نه به تولیدکننده اجحاف شود و در کنار آن انگیزه کار و تلاش نیز گسترش یابد. در این صورت مردم نیز در برابر حفظ ثبات اقتصادی کشور و سرنوشت خود احساس مسئولیت بیشتری کرده و انگیزه بیشتری برای فعالیت می‌یابند. اگر مردم خود را صاحب‌اختیار در امر اقتصاد کشور بدانند همواره تلاش می‌کنند آن را از تعرض دشمنان حفظ کنند و مقاومت آن را در برابر فشارهایی که از جانب دشمنان تحمیل می‌شود افزایش دهند. از این‌رو اقتصاد مردمی بر خلاف اقتصادهای سرمایه‌سالار و اقتصادهای دولتی از مقاومت ساختاری بالاتری برخوردار است.

توصیه به علم و علم‌آموزی و عمل عالمان در اسلام آن قدر زیاد است که احصای آیات و روایات مربوط به آن کاری بس عظیم و از حوصله این نوشتار خارج است. علم و دانش از گوهرهای گران‌قیمتی است که جامعه اسلامی مادامی که به آن مزین باشد می‌تواند قله‌های پیشرفت و تعالی را به سرعت طی کند و از بیراهه‌ها و درجا‌زدن‌ها و پسرفت‌ها جلوگیری کند. اقتصاد با تکیه بر دانش می‌تواند مشکلات را به خوبی حل کند و راه‌های میان‌بر و کم‌هزینه برای تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی اسلام ارائه کند؛ بنابراین علم‌ورزی باید در همه سطوح فعالیت‌های اقتصادی رسوخ کند و محصولات آن به دنیا عرضه شود تا مرجعیت دانش در اختیار مسلمانان قرار گیرد. (زریباف، ۱۳۹۴، ص ۸۹)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

و به‌سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید برای شما هیچ معبودی جز او نیست، او شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن استقرار داد، پس از او آمرزش بخواهید، آنگاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت‌کننده است. (هود، ۶۱)

در این آیه، خداوند یکی از حکمت‌های آفرینش را عمران و آبادانی زمین بیان کرده است. عمران و آبادانی زمین، نیازمند بهربرداری اصولی و کارا از منابع است که مستلزم کسب دانش است. انسان موجود مختار است و اختیار انسان ایجاب می‌کند که بر خلاف موجودات که اعمال آنها غریزی و فاقد نوآوری است، همواره در پی کسب دانش، برای عمران جهان باشد.

از سوی دیگر کسب استقلال و قدرت اقتصادی به عنوان هدف غایی اقتصاد مقاومتی و درون‌زایی و برون‌نگری نیازمند کسب دانش است؛ زیرا فقدان دانش موجب تولید کالاهای کم‌کیفیت و بدون قدرت رقابت با کالاهای خارجی می‌شود. از سوی دیگر بدون تحصیل علوم پیشرفته امکان تولید بسیاری از کالاهای مورد نیاز جامعه اسلامی امکان‌پذیر نیست و جامعه اسلامی در این زمینه نیازمند خارج می‌شود. مواجهه با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی نیازمند حکمت و دانش است. خداوند تأکید می‌فرماید که به یوسف علیه السلام علم و حکمت عطا کرده‌ایم.

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾؛

هنگامی که او به مرحله بلوغ و تکامل جسم و جان رسید و آمادگی برای پذیرش انوار وحی پیدا کرد، ما حکم و علم به او دادیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (یوسف، ۲۲)

حضرت یوسف علیه السلام نیز به با پشتوانه همین علم و حکمت بود که توانستند در برابر خشکسالی هفت‌ساله تدبیر کنند. دوام‌آوردن در برابر فشارهای اقتصادی همه‌جانبه دشمن نیازمند تدبیر و حکمت است. اقتصاد دانش‌بنیان نیز اقتصادی است که مدبرانه باشد و ساختار آن به گونه‌ای حکیمانه تدبیر شده باشد تا بتواند از ظرفیت‌های کشور به‌خوبی استفاده کند و پادزهرهای لازم را در برابر تحریم‌ها فراهم آورد.

۳. مقابله با تحریم با اقتصاد مقاومتی

تحریم‌های اقتصادی در شیوه‌های نوین، بسیار گسترده و عمیق هستند و تمامی بنیان‌های اقتصادی جامعه مؤمنین را هدف می‌گیرند. با استناد به آیات قرآن درمی‌یابیم که تحریم اقتصادی، مختص به جامعه امروز نیست. کافران همواره از این ابزار علیه مؤمنان استفاده کرده‌اند. از جمله می‌توان به آیه ۷

سوره منافقون اشاره کرد. در این آیه، از تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری برای پراکنده کردن مردم از اطراف رسول خدا ﷺ تعبیر شده است:

﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾؛

آنان کسانی‌اند که می‌گویند به کسانی که نزد پیامبر ﷺ خدایند انفاق نکنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست، ولی منافقان در نمی‌یابند.

مفاد آیه مذکور نشان می‌دهد که معیت با رسول خدا ﷺ و ماندن در کنار او و اعتماد به شیوه حاکمیت او مورد غضب کفار و منافقان است. از این رو تلاش می‌کنند از ابزاری چون تحت فشار قرار دادن مؤمنان از طریق تضییق معیشت آنها، یاران ولی خدا را از او دور کنند. البته خداوند ابزارهایی را در اختیار رسول الله ﷺ قرار داده است که می‌تواند با استفاده از این ابزارها بر کید کفار غلبه کند. شاید ابزارهای مالی که خداوند در اختیار ولی امر قرار داده است از جمله انفال، خمس، زکات و خراج از جمله این ابزارها به‌شمار آید. در عصر حاضر، کافران علاوه بر حرکت فرهنگی علیه ابزارهای مالی اسلامی، راهکارهای جدیدی را برای مقابله با توسعه دین خدا به کار می‌بندند. اقتصاد مقاومتی، مدلسازی ویژه ای از سازوکارهای اقتصادی است که در آن اقتصاد کشور، با فرض وجود حداکثر تحریم‌ها، روند روبه رشد خود را حفظ کرده و کمترین صدمه را ببیند. اقتصاد مقاومتی، مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه چشم انداز بلند مدت جهت رشد اقتصادی را ترسیم می‌کند. با این حال شکست تحریم‌ها در گرو داشتن برنامه مناسب و انسجام لازم در بخش‌های مختلف جامعه است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار دریافتیم با مرور آیات قرآن کریم می‌توانیم مستندات واضحی را در تأیید مفاد اقتصاد مقاومتی دریابیم. مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در صورت اجرایی‌شدن، سدهای محکمی در برابر تحریم‌های اقتصادی خواهند بود. در این نوشتار با استناد به آیات قرآن، اجزاء مختلف اقتصاد مقاومتی از جمله عدالت‌بنیانی، درون‌زایی و خودکفایی، روحیه و عملکرد جهادی، مردم‌محوری و دانش‌بنیانی پرداختیم و دلالت‌هایی قرآنی را برای آنها استخراج کردیم. در هر کدام از این بخش‌ها تلاش کردیم با مرور آیات قرآن به نقش هرکدام از این مؤلفه‌ها در ایجاد مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها اشاراتی داشته باشیم.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۶)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. حرّ عاملی، (۱۴۰۳)، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ششم، تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
۳. حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۶۸)، *الحیاء*، تهران: مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.
۴. دولت‌یار مصطفی، (۱۳۹۴)، *هشت گفتار در اقتصاد تحریم*، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، ناشر: دمشق، دارالقلم.
۶. زرباف، سید مهدی، (۱۳۹۴)، *ماهیت و ارکان اقتصاد مقاومتی در نگاه رهبر انقلاب اسلامی*.
۷. صدر، سید محمدباقر، (۱۳۹۳)، *اقتصاد ما*، ترجمه ابوالقاسم حسینی زرفا، قم، چاپ اول.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *الکافی*، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. کهنوجی، مرضیه، (۱۳۹۰)، *اقتصاد در قرآن*، سفیر نور، شماره ۲۰.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، ج ۷۲، ۷۴، ۶۹ و ۱۰۰، چاپ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. موسوی اصفهانی، جمال‌الدین، (۱۳۶۸)، *ملاحظات پیرامون پیام‌های اقتصادی قرآن*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. نیکوسیرت، جواد، (۱۳۹۷)، *خودکفایی اقتصادی از منظر قرآن*، کیهان.

راه های مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاه دولتی با تاکید بر بیانیه گام دوم

زهرا سالمی^۱

چکیده

فساد اقتصادی از مشکلات بسیار جدی است که امروزه در اداره ها و شرکت های گوناگون مشاهده می شود و مسئله ای جهانی است. دور شدن از اخلاقیات و مهم شدن مادیات موجب افزایش روزافزون فساد در دنیای اقتصاد شده است. مبارزه با فساد اقتصادی بحث جدی تمامی اقتصادها اعم از اقتصادهای پیشرفته در حال توسعه است و می توان گفت کاهش فساد، ارتقاء پاسخگویی و جلب اعتماد و رضایت عمومی به عنوان اهداف برجسته هر دولتی محسوب می شود. این مقاله با روش کتابخانه ای، به ارائه ی تبیینی راه های مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاه دولتی می پردازد و سپس در این مقاله پس از ارائه تعاریف مختلف فساد و بررسی انواع فساد آن و ضرورت هایی که مقام معظم رهبری در رابطه با فساد اقتصادی و مبارزه با فساد موجود در دولت فرمودند، سعی شده مسئله فساد و انواع فسادمانند: رشوه، رانت خواری، کلاهبرداری، اختلاس و راهکارهای مبارزه با آن همچون، عدالت سالاری، شفافیت، رعایت اعتدالت و ارتقای کارکنان بررسی شود.

واژگان کلیدی: دستگاه دولتی، فساد اقتصادی، بیانیه گام دوم.

^۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت الله میرزا یوسف ایروانی رحمته الله علیه قم.

مقدمه

بروز فساد در کشورمان امری واقعی است، اگرچه میزان و سطح فساد در ایران اسلامی، نسبت به زمان حکومت طاغوت و بسیاری از کشورهای دیگر بسیار کمتر است؛ اما زشتی این پدیده در حکومت اسلامی ایران، مذموم واقع شده است و سطح توقع پیشگیری از فساد، بالاتر از سایر جوامع اسلامی دیگر می‌باشد. همچنین با توجه به بند چهارم بیانیه گام دوم انقلاب یکی از اساسی‌ترین شروطی که باید در انتخاب مدیران و مقامات، تأثیرگذار باشد «طهارت اقتصادی» است. در گفتمان رهبری آمده «ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، باید دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده و شکننده قانون بسته بشود؛ مبارزه با فساد باید جدی گرفته بشود؛ امروز خوشبختانه مسئولین این را می‌گویند، لکن گفتن کافی نیست. همه مسئولین در این جهت مسئولند».

انواع فسادهای اقتصادی از جمله فسادهای دولتی و خصوصی همانند رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و..... از بیماری‌های خطرناکی است که در همه جوامع، اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه، یافت می‌شود. در بسیاری از این جوامع، فساد، هزینه‌های اقتصادی سنگینی به‌بار می‌آورد. همچنین عملکرد بازارهای آزاد را دچار اختلال می‌کند. سبب کندی روند توسعه اقتصادی می‌شود و حتی توانایی نهادها و دستگاه‌ها و خدمات مورد نیاز شهروندان را کاهش می‌دهد. در این مقاله ابتدا با استمداد به فرموده‌های رهبری و دیگر منابع موجود در بحث فساد اقتصادی به‌دنبال بیان راه‌های مبارزه با هر کدام از فسادهای موجود در دستگاه دولتی هستیم به‌گونه‌ای که فساد رانت‌خواری موجود در بین مقامات بلندپایه را برطرف کند و پاسخ‌گوی فسادهای صورت‌گرفته باشد. کتاب و مقاله‌ای که به‌طور کامل و

مستقل، موضوع «راه‌های مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاه دولتی با تأکید بر بیانیه گام دوم» را مورد بحث قرار داده و توانسته باشد مؤلفه‌های راه‌های مبارزه با فساد اقتصادی را بیان کند مشاهده نشده است، اگرچه تحقیقاتی در موضوع راه‌های مبارزه با فساد به صورت کتاب و مقاله موجود می‌باشد.

در تحقیق حاضر، به دنبال بیان راه‌های مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاه دولتی با تأکید بر بیانیه گام دوم هستیم تا مسئولین و مردم با عمل به این راهکارها دغدغه‌های فساد موجود را برطرف کرده و ناهنجارهایی که با وجود فساد در بین مردم امروزی به وجود آمده، برطرف شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱،۲. فساد

فساد در لغت در معنای تباهی و ضد صلاح به کار رفته است. برخی لغویان گفته‌اند: فساد عبارت است از خروج از حد اعتدال؛ کم باشد یا زیاد. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۳۵) این معنا در نفس و بدن و اشیایی که خروج از استقامت و حد اعتدال در آنها متصور است به کار می‌رود.

فساد در اصطلاح، مقابل صحت به کار می‌رود و عبارت است از ناتمام بودن عملی به جهت نقصان در جزء یا شرطی که عمل بدون آن فاقد آثار مطلوب خواهد بود. (مصطفوی، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۶۹)

۲،۲. اقتصاد

واژه «اقتصاد» از ماده «قصد» به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بوده (مصطفوی، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۶۹) خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب «العين» در بیان مفهوم «اقتصاد» گفته است: قصد به معنای استقامة الطريق، یعنی پایداری در راه است. میانه‌روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه «تقصیر» و سخت‌گیری. (خلیل بن احمد

فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۴۱) راغب در مفردات می‌گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور است بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع». همچنین در لسان‌العرب، عمده معنای «اقتصاد» همان اعتدال و میانه‌روی ذکر شده است. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۹)

۲. ضرورت مبارزه با فساد

رواج فساد مالی به‌درستی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع فرا راه پیشرفت‌های اقتصادی درخصوص (کشورهای آسیایی و آفریقایی)، برشمرده شده است. درجه بالای فساد مالی می‌تواند به ناکارآمدی سیاست‌ها منجر شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، فساد به کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد. فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را از مولد بودن به‌سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق دهد. فساد مالی می‌تواند موجب پیدایش سازمان‌های هراس‌انگیزی همچون مافیا شود. فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه‌های ضعف حاکمیت است، هرچند عملکرد ضعیف حاکمیت می‌تواند مستقیماً روند رشد و توسعه اقتصادی را نیز رو به تحلیل برد. (محمودی، ۱۳۸۲، صفحه ۲۶۳)

۳. انواع فساد اقتصادی

صورت‌های مختلفی از فساد اقتصادی وجود دارد که ممکن است آشکارا یا به‌طور مخفیانه باشد. ممکن است فساد اقتصادی با هدف کسب منافع شخصی یا از روی کینه صورت بگیرد. در هر صورت مشتری و مصرف‌کننده هزینه فساد اقتصادی را می‌پردازند. فساد، رقابت را فرو می‌نشاند و بازار آزاد را واژگون می‌سازد. فساد اقتصادی صورت‌های مختلفی دارد از جمله:

۱،۳. رشوه

رشوه رایج‌ترین نوع فساد در کسب و درآمد و از موارد مهم فساد موجب در دستگاه دولتی می‌باشد. رشوه می‌تواند بین دو یا یک فرد و یک سازمان عمومی اتفاق بیفتد. رشوه انواع مختلفی دارد که برخی اوقات که به آن پول چرب می‌گویند، کارکنان بیش از اینکه درباره کاری تعهد کنند یا مجوزی صادر نمایند از طرف مقابل پول دریافت می‌کنند. محمدجعفر جعفری لنگرودی در تعریف رشوه آورده است: رشوه‌دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیررسمی دولتی یا بلدی برای انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل دریافت‌کننده ما نباشد. خواه به‌طور مستقیم آن مال را دریافت کند یا به‌واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد.

فرقی نمی‌کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته، داشته باشد یا خیر و تفاوت نمی‌کند کاری که برای راشی باید انجام شود، حق باشد (برطبق قانون) یا نه. (اسلام‌پور، ۱۳۷۸، ص ۷۷)

۲،۳. اختلاس

یک نوع دیگر از فساد های اقتصادی در دستگاه دولتی اختلاس است. برداشتن اجناس شرکت برای استفاده شخصی را اختلاس می‌گویند. اشخاصی که توانایی تنظیم دوباره سرمایه و پنهان کردن این حقیقت را که سرمایه مفقود شده است دارند، متخلف هستند.

اختلاس اموال عمومی، همزاد با تشکیل حکومت مطرح بوده و قدمتی به‌اندازه خود دولت دارد. اختلاس از جمله تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت یا سایر مأموران به خدمات عمومی است که به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر،

صورت می‌گیرد و همواره به‌عنوان تهدیدی جدی علیه دولت و ملت، قلمداد می‌شود. معیار تحقق جرم اختلاس، تصاحب و برخورد مالکانه با مال می‌باشد. می‌توان دایره این جرم را به اموال بانک‌های خصوصی، شرکت‌های سهامی غیردولتی، احزاب، سندیکاها و نیز به اموال غیرمنقول، تعمیم داد. (رمضانی، احمد، ۱۳۹۶، ص ۱۰)

۳.۳. کلاهبرداری

کلاهبرداری، نوع دیگری از فساد اقتصادی است که اعضای یک شرکت از آن برای منافع شخصی استفاده می‌کنند. این نوع از کلاهبرداری، هم در بخش‌های عمومی و هم در بخش‌های خصوصی دیده می‌شود. کلاهبرداری بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه است و به لحاظ تسلط بر مال غیر با سرقت و خیانت در امانت مشابه است؛ اما دارای خصوصیات ویژه‌ای است که آن را از جرایم مذکور جدا می‌کنند. ازجمله به‌کاربردن وسیله متقلبانه، اغفال مالباخته و تسلیم مال از طرف وی به کلاهبردار ویژگی خاص کلاهبرداری است که در سایر جرایم وجود ندارد، به لحاظ اینکه جرم مذکور به روش‌های مختلف واقع می‌شود. تحولات اجتماعی در تغییر چهره‌های مختلف کلاهبرداری نیز نقش مؤثر و مستقیم دارد و لازم است در بررسی این جرم به نکات مذکور توجه بیشتری شود تا هم حقوق متهمان حفظ شود و هم کلاهبرداران با اغفال مخاطبین خود اموال آنها را به یغما نبرند. (رمضانی، ۱۳۹۶، ص ۱۳)

۴.۳. رانت‌خواری

رانت‌خواری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نوع فساد اقتصادی در دستگاه دولتی به‌معنای سوءاستفاده از فرصت‌ها و امکانات سازمان برای تأمین منافع شخصی است. به ثروت بادآورده، پول مفت، پول کار نکرده و ناحق هم رانت می‌گویند. در رانت‌خواری، فرد متخلف مستقیماً اموال دولت یا مردم

را به نفع خود تصاحب نمی‌کند، بلکه به دلیل موقعیت و اعتبار سازمانی‌اش، به اقداماتی دست می‌زند که انجام آن برای دیگران ممکن نیست؛ البته این اقدامات ممکن است در پوشش قوانین و مقررات انجام گیرد.

امروزه رانت به هر پرداختی که بیشتر از ارزش واقعی محصول یا خدمت باشد، اطلاق می‌شود. دریافت‌های بیش از حد متعارفی که ممکن است با محدودکردن عرضه و سلب اختیار از دیگران حاصل شود، نوعی رانت به‌شمار می‌آید. کسب درآمد از طریق تولید و کار مولد در جامعه، امری معقول و معمول است، ولی به‌دست‌آوردن آن از طریق امتیازات یا مجوزهای خاص، رانت محسوب می‌شود.

رانت‌خواران، افراد حقیقی یا حقوقی هستند که بدون انجام کار مفید و حتی مضر به حال اقتصاد کشور به ازای پرداخت رشوه و پارتی‌بازی به امتیاز نامه‌های انحصاری دولتی دسترسی می‌یابند و ثروت‌های بادآورده و افسانه‌ای کسب می‌کنند. بهره‌برداری انحصاری از محصول منابع عمومی یا قاچاق قانونی، نتیجه‌اش رانت‌خواری است. از مصادیق رانت‌خواری می‌توان به انتقال مجوز موردی سهمیه‌های وارداتی، خرید و فروش موافقت اصولی واحدهای صنعتی و تجاری، اختصاصی‌سازی منابع و صنایع دولتی به‌جای خصوصی‌سازی واقعی، فروش اطلاعات مالی، تخصیص ارز ارزان‌قیمت و اعتبارات بانکی و... که بدون برگزاری مناقصه، حراج و مزایده رسمی و به‌طور غیرشفاف واگذار می‌شود. (پرور، ۱۳۸۰، ص ۸۹)

۵.۳. فقدان نظارت

از مهم‌ترین علل بروز دیگر تخلف‌ها و فساد اقتصادی در دستگاه دولتی، فقدان نظارت کافی و نارسایی در سیستم‌های ارزیابی، کنترل و بازرسی است.

این مسئله از یک سو محیط ادارات و سازمان‌ها را برای افراد متخلف، امن می‌کند و جسارت آنها را در گسترش دامنه تخلف و قانون‌شکنی شدت می‌بخشد و از سوی دیگر کارکنان متعهد، منضبط، دلسوز و پرتلاش را دلسرد می‌کند و همان وضعیتی را پیش می‌آورد که امام علی (ع) قبلاً نسبت به آن هشدار داده بودند. آن حضرت در فرمان حکومتی خویش به مالک اشتر فرموده‌اند:

نباید تبه‌کاران و نیکوکاران در نزد تو منزلت مساوی داشته باشند؛ زیرا این امر از یک سو موجب جسارت بیشتر تبه‌کاران و از سوی دیگر سبب دلسردی نیکوکاران خواهد شد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

هم‌اکنون دستگاه‌های متعددی وظیفه کنترل و نظارت بر سازمان‌های دولتی را برعهده دارند؛ اما عوامل گوناگونی از جمله ناکارآمدی مکانیزم‌ها و نارسایی در بخش ساختار و نیروی انسانی، موجب انفعالی‌شدن عملکرد این دستگاه‌ها شده، نقش آنان را در پیشگیری از تخلفات، بسیار کم‌رنگ ساخته است.

دستگاه‌های نظارتی کشور، به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند. دسته اول مانند دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، سازمان‌هایی هستند که وظیفه اصلی‌شان تنها رسیدگی به شکایات است و فراتر از این، رسالت دیگری ندارد.

دسته دوم سازمان‌هایی هستند که علاوه بر رسیدگی به شکایات، وظیفه نظارت ابتدایی و مستقیم بر عملکرد تمامی ادارات و مؤسسات دولتی را برعهده دارند.

از این میان «سازمان بازرسی کل کشور» باید به نحو مستمر و منظم به بازرسی و نظارت بر عملکرد کلیه وزارتخانه‌ها، ادارات، نیروی انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت بپردازد. اما همان‌گونه که

شواهد نشان می‌دهد نحوه عملکرد این سازمان در ادارات و مراکز دولتی چندان محسوس نبوده و تا آن حد، جدی و کارآمد نیست که در دل متخلفان و قانون‌شکنان ایجاد ترس کرده، هزینه انجام تخلف و فساد را برای آنان بالا ببرد، چنانکه آمار شکایات و پرونده‌های تشکیل‌شده در این سازمان نشان می‌دهد. (عباس‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۴)

۴. راه‌های مبارزه با فساد در دستگاه دولتی

۴.۱. عدالت‌سالاری

مبارزه با بی‌عدالتی یکی از اهداف مهم در دستگاه دولتی است. بی‌شک برای نظام و دولتی که ادعای پیروی از فرامین علوی دارد، زیبنده نیست که نابرابری‌های غیرمنطقی در همه ابعاد و بخش‌های آن جریان داشته باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تحمیل نجات یافته در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه به کمالات انسانی نایل آیند. در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند بر خلاف قانون، میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند.

طبقات محروم و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب شود. هیچ کس به خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه، دخالت و نفوذ کند و هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیا نینجامد». (حسینی میلانی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۵۴)

به دو روش می‌توان عدالت را در دستگاه دولتی ممکن ساخت: ۱. نظام اقتصادی از درون فقرزا باشد. در این نظام‌ها، مالکیت منابع و محصول تولیدی و مدیریت فرایند اقتصادی در اختیار سرمایه و صاحب سرمایه است و نیروی کار - در صورتی که کار پیدا کند- تنها از یک دستمزد ثابت حداقلی بهره‌مند است و هنگام رونق اقتصادی از دستمزد ثابت بهره‌ای ندارد و زمان رکود از کار اخراج می‌شود. در چنین نظام‌هایی انحصارات اقتصادی شکل می‌گیرد و افراد اندکی همهٔ منافع را تصاحب کرده و هر روز فقر افزایش می‌یابد. اکنون نظام‌های اقتصادی دنیا چنین هستند. وضعیت اقتصادی ایران نیز رضایت‌بخش نیست. دولت‌ها در این کشورها اگر دلسوز باشند، باید دائماً با اخذ انواع مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی فقر را کاهش دهند. در چنین نظام‌هایی کرامت انسان مورد خدشه قرار می‌گیرد و فقر، ریشه‌کن نمی‌شود.

۲. عدالت اقتصادی با حفظ کرامت انسانی، کمترین هزینه و پایداری عدالت در درون نظام، محقق شود. این وضعیت با ترفیع جایگاه انسان در برابر سرمایه، ممکن است. نیروی کار باید هم مالک منابع و محصول تولیدی و هم مدیر فرایند اقتصادی باشد. در این فرض از سود دوران رونق، بهره‌مند و هنگام رکود با بهرهٔ اندک تلاش می‌کند تا موقعیت اقتصادی خود را حفظ کند. بدین نحو، توزیع درآمدها مناسب، فقر ریشه‌کن و عدالت اقتصادی به‌نحو پویا استمرار می‌یابد. آسیب‌های اجتماعی فروکش می‌کند و مشارکت عمومی، فزونی می‌یابد. اقتصاد تعاونی واقعی، چنین بستری را فراهم می‌کند. (دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۲)

۴،۲. شفافیت

توصیه به شفافیت برآمده از اصل مقابله با فساد و با تأکید بر فساد موجود در دستگاه دولتی است. شفافیت مدنظر این بحث، حق دسترسی آزادانه شهروندان جامعه اسلامی تحت مدیریت حاکم واحد معطوف به اطلاعات تصمیمات و اقدامات دولت، مجلس، قوه قضائیه و سایر زیرمجموعه‌های حاکمیت سرزمین اسلامی است و گستره آن، شامل کلیه نهادهای مرتبط با حقوق و سرمایه عمومی جامعه نیز می‌شود و دربردارنده ابعاد وسیعی همچون روشن‌بودن قانون، تعیین دقیق مسئولیت‌ها، تشریح روابط فAMILI بین مسئولین، عزل و نصب‌ها، اطلاعات، گردهمایی‌ها و مراسم‌هایی که با بودجه عمومی برگزار می‌شود یا جنبه حقوق عمومی در آن مطرح است، مشخص‌شدن سوابق و دارایی‌های مسئولین و حتی گاهی اوقات اطرافیان ایشان، گزارش بودجه به‌طور مشخص، شفافیت قراردادهای مالی و حقوقی بین مؤسسات و نهادهای داخلی و خارجی و اطلاعات بخش خصوصی مرتبط با دولت است.

شکی نیست که شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات، به‌سبب اینکه موجب کنترل تصمیمات و رفتارهای دولت می‌شود، تأثیری شگرف در بازدارندگی از فساد به‌معنای «سوءاستفاده از قدرت و سمت، برای تأمین منافع شخصی» به‌گونه‌ای که سازمان جهانی شفافیت بین‌الملل در گزارشی دسترسی به اطلاعات را عاملی مهم علیه فساد می‌داند. فساد که خود را در عملکرد ضعیف می‌داند. مسئولین، انتصابات اشخاص ناکارآمد در سمت‌ها، پیدایش رانت‌های اطلاعاتی و شکل‌گیری شبکه‌های سازمان‌یافته متخلف نشان می‌دهد و سبب انحطاط، هدررفت منابع ملی، کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور جامعه، کاهش اعتماد مردم به

دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و تزلزل اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی جامعه می‌شود. دسترسی به اطلاعات با فراهم‌آوردن امکان افشای فساد، موجب کاهش فساد می‌شود. از دیگر نقش‌های شفافیت، کمک به ارتقای پاسخگویی است که می‌توان دولت و عوامل آن را در قبال اعمالشان به پاسخگویی فراخواند. توسعه اقتصادی از ضرورت‌های ایجاد بازار اقتصادی رقابتی، توسعه پایدار، مشارکت شهروندان در نظام سیاسی و به بیان برنامه عمران ملل متحد «لازمه حکومت مفید» را می‌توان از دیگر امور شفافیت در دستگاه دولتی دانست. (بیابانی؛ مظفری عصار، ۱۳۹۵، ص ۱۲)

۴,۳. ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی

مهم‌ترین عامل بروز فساد اداری ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی است؛ به گونه‌ای که اگر ارزش‌ها، هنجارها، عقاید و باورهای حاکم بر افراد اجتماع متکی بر ارزش‌های مادی‌گرایانه، فردگرایانه و مصرف‌گرایانه باشد و ساختارهای اجتماعی از انسجام و کارکردهای لازم برخوردار نباشند، ناکارآمدی و ضعف نظام فرهنگی و اجتماعی را به دنبال دارد و پیامد آن، شکل‌گیری فساد در همه‌ی سطوح و لایه‌های اجتماع خواهد بود. هرچه سطح اخلاقی عمومی بالاتر باشد، هزینه‌های روانی و اخلاقی فساد اداری بیشتر خواهد شد؛ چرا که فرد در اثر ارتکاب به عمل خلاف، رنج بیشتری متحمل شد. از طرف دیگر، هرچه سطح اخلاق کارمندی در محیط کار بالاتر باشد، خطر کشف، تنبیه و هزینه‌های حیثیتی آن افزایش می‌یابد و شرم‌سازی مرتکبین فساد بیشتر خواهد شد.

(<https://www.tasnimnews.com>)

۴,۴. رعایت و ارتقاء منزلت کارکنان

تحقیقات در زمینه مبارزه با فساد نشان می‌دهد که مدیران سازمان‌ها کمتر توانسته‌اند از جایگاه کارکنان به تبیین خواسته‌ها و نیازهای واقعی

آنان بپردازند. اگرچه حق و دستمزد به عنوان عامل نگه دارنده، حائز اهمیت است؛ اما عواملی چون کسب موفقیت، قدردانی برای انجام کار، مسئولیت فزاینده و رشد و توسعه از عوامل انگیزشی به شمار می روند؛ زیرا کارکنان بعد از تأمین نیازهای مادی به سلسله نیازهای بالاتر مانند تعلق، احترام و خودیابی احتیاج پیدا می کنند. (کریمیان؛ فروغی نسب، ۱۳۸۲، ص ۱۹)

از دیدگاه قرآن کریم، انسان از کرامت ذاتی برخوردار است. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾، و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکبها نشانیدیم. (اسراء، ۷۱)

قرآن کریم دلایل متعددی در خصوص عزت و کرامت انسان مطرح می کند که محور کلیه این دلایل، چگونگی خلقت انسان است. در نظر قرآن، انسان در بهترین (تین، ۴) و زیباترین (تغابن) صورت و با خلقتی کامل (اعراف، ۱) و معتدل (حجر، ۹) آراسته شده و به همین دلیل، شایستگی پذیرش نفخه الهی (سجده، ۹) را یافته است.

به همین دلیل است که در نظام اجتماعی که لازمه بقاء و پیشرفت آن پذیرش و انجام مسئولیت های مختلف است و این مسئولیت ها به واسطه قرارداد اجتماعی از جایگاه ارزشی متفاوتی برخوردارند؛ کرامت و شرافت ذاتی انسان هرگز نباید زیر سؤال رفته یا نادیده انگاشته شود.

بنابراین توجه به منزلت و شأن انسانی در بطن قوانین اقتصادی و ترویج فرهنگ فروتنی و احترام در مناسبات رسمی مدیران با کارکنان و تقویت احساسات برابری، خودباوری، توانایی رشد و پیشرفت و... در آنان، موجب رضایت شغلی و امنیت خاطر شده و راه را بر اقدامات خلاصی جویانه بعضاً توأم با قانون گریزی و هنجارشکنی و به بیان دیگر فسادآمیز است، سد می کند.

۴,۵. اصلاح قانون و مقررات

یکی از عوامل به وجود آمدن فساد اقتصادی وجود بسترهای قانونی، مقررات پیچیده، قوانین مبهم و سایر موارد مشابه است. هرچند بسیاری از مقررات با هدف شکل‌دهی مناسب به روابط میان افراد شکل گرفتند، ولی برخی ساختارهای بوروکراتیک اداری موجب تشدید این مقررات شده و خود به عامل و انگیزه‌ای برای خروج بنگاه‌ها از بخش رسمی اقتصاد با هدف فرار از مقررات سخت‌گیرانه، تبدیل می‌شوند. نکته‌ی دیگری که سبب بروز فساد در عرصه‌ی اقتصادی کشور می‌شود، انتخاب و انتصاب نیروهایی است که بدون هیچ رابطه و تنها از روی ضابطه در بخش‌های مدیریتی کشور قرار می‌گیرند؛ درحالی‌که باید افرادی که در پست‌های مختلف قرار می‌گیرند، سلسله‌مراتب را طی کرده باشند، در مواقعی مشاهده می‌شود که پست‌های کلیدی بدون توجه به سلسله‌مراتب‌ها و گذشتن از فیلترهای مختلف تنها به دلیل ارتباط‌هایی که با قدرت دارند، در پست‌های کلیدی و مهم قرار می‌گیرند.

(<https://www.tasnimnews.com>)

نتیجه‌گیری

با افزایش روزافزون فساد اقتصادی در دستگاه دولتی، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات در کشورهای مختلف جهان بررسی عوامل مربوط به این موضوع و راه‌حل‌ها و روش‌های مبارزه با آن امری ضروری به‌نظر می‌رسد. از جمله اقدامات اساسی و بنیادی نظام جمهوری مبارزه با فساد اقتصادی است که با نفوذ فساد در ارکان دستگاه دولتی نظام اقتصادی عادلانه شکل نخواهد گرفت؛ زیرا هر اندازه ثروت و امکانات در جامعه وجود داشته باشد، در جهتی غیر از رفاه و تامین منافع عموم هزینه خواهد شد و گسترش عدالت ابتر خواهد ماند. از طرفی اگر همه زیرساخت‌های اقتصادی

به‌درستی شکل گرفته باشد، ولی کنترل و نظارت صحیح جهت بازداشتن از فساد وجود نداشته باشد، اقدامات اصلاحی در دستگاه دولتی با مشکل مواجه خواهد شد. آنچه باید در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فساد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد، این است که پیشرفت و توسعه اقتصاد هر جامعه‌ای و در نتیجه توسعه جهانی در گرو داشتن اقتصادی سالم و عاری از فساد است. جامعه‌ای می‌تواند به استقلال اقتصادی دست یابد که سرمایه‌گذاران، امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری را داشته باشند تا بتوانند به رشد و توسعه کشور کمک کنند.

فهرست منابع

※قرآن کریم

※نهج‌البلاغه

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۶)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی: مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
۲. اسلام‌پور، عسکر، (۱۳۷۸)، *رشوه پدیده شوم اجتماعی*، قم: اسماعیلیان، چاپ دوم.
۳. بیابانی، غلامحسین و دیگران، (۱۳۹۵)، *شفافیت رسانه‌ای در مقابل با جرم فساد سازمان یافته*، رسانه، شماره ۴.
۴. پرور، اسماعیل، (۱۳۸۰)، *اصطلاحات: مبارزه با فقر، فساد و تبعیض*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
۵. تمیمی آمدی، عبدالوحد، (۱۴۱۰)، *غررالحکم ودررالكلم*، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴)، *الصحاح*، بیروت: دارالعلم الملايين، چاپ ششم.
۷. حسینی میلانی، سید علی، (۱۳۸۷)، *حدیث ولایت*، قم: مرکز حدائق الاسلامیه، چاپ دوم.
۸. دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، (۱۳۹۰)، *دومین نشست اندیشه‌های راهبردی* عدالت، تهران: الگوی پیشرفته، چاپ دوم.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: انتشارات دارالقلم، چاپ اول.
۱۰. فراهیدی، خلیل ابن احمد، (۱۴۰۹)، *العین*، قم، انتشارات مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم.
۱۱. کریمیان، احمدرضا، فروغی نسب، رجبعلی، (۱۳۸۲)، *روش‌های احترام به کارکنان در محیط کار و خارج از آن*، توسعه مدیریت، شماره ۵۵.
۱۲. محمودی، وحید، (۱۳۸۲)، *فساد اقتصادی و توسعه، اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰.
۱۳. مصطفوی، حسن، (۱۳۹۱) *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ش ۴۸.
۱۴. <https://www.tasnimnews.com>

اصول طرح نامه نویسی

حوراء شاه جعفری^۱

طرح تحقیق یعنی نقشه پیشنهادی اولیه، برای پیش‌بینی فرایند و اهداف تحقیق که مهم‌ترین بخش انجام تحقیق است. نوشتن طرح تحقیق، بعد از انتخاب موضوع، مشخص کردن سؤالات اصلی و فرعی، منبع‌یابی و مطالعه اکتشافی صورت می‌گیرد.

۱. عنوان تحقیق

از آنجایی که عنوان مناسب، تأثیر فراوانی در جذب مخاطب دارد، لازم است محقق از انتخاب عناوین عام و مبهم، پرهیز نموده و از واژه‌های دقیق و مختصر استفاده کند.

۲. بیان مسئله

تبیین موضوع و بیان مسئله تحقیق با هم تفاوت دارند. موضوع تحقیق، عام و کلی است. برای مثال، موضوع تحقیق ممکن است اعتقادی، اخلاقی، فقهی، تربیتی و ... باشد. اما مسئله تحقیق، خاص بوده و همان پرسشی است که در ذهن محقق ایجاد شده و او به دنبال پاسخگویی به آن است. در تبیین موضوع، لازم است به مواردی مانند: بیان دلیل پرداختن به مسئله، انگیزه و علت انتخاب موضوع پرداخته شود.

۳. پیشینه

بررسی سرگذشت موضوع تحقیق، برای اخذ مجوز ورود به تحقیق، برای جلوگیری از دوباره‌کاری را پیشینه تحقیق می‌نامند. اشاره به نام محقق و اثر وی، تاریخ تحقیق و عنوان آن و نیز نتایج و نظریه‌ها و اصولی که درباره این

۱. استاد مدرسه علمیه آیت الله ایروانی رحمته الله علیه، قم

مسئله وجود دارد در این قسمت ضروری است. برای نوشتن پیشینه بهتر است ابتدا منابع خاص و اخص را شناسایی کرده و سپس کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها را از یکدیگر جدا کرده و ضمن بیان تحلیل اجمالی پیشینه‌های موجود (یعنی نوشتن کمبودها و کاستی‌های آنها)، مشخص شود چه کار جدیدی قرار است انجام شود.

۶. سؤالات تحقیق

به پرسش‌های محقق درباره مجهولات تحقیق که به روند تحقیق و جهت‌دهی آن کمک می‌کند، سؤالات تحقیق می‌گویند. این سؤالات به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شود. سؤال اصلی همان عنوان تحقیق است، ولی در قالب ساختار پرسشی که نیازمند پاسخ تفصیلی تحلیلی است. سؤالات فرعی برگرفته از سؤال اصلی تحقیق بوده و پاسخ به هر کدام از آنها، بخشی از پاسخ به سؤال اصلی است. عناوین فصول تحقیق از آنها گرفته می‌شود و پاسخ به آنها مقدمات پاسخگویی به سؤال اصلی را فراهم می‌کند.

۷. فرضیه تحقیق

پاسخ‌های احتمالی و اجمالی به مسئله تحقیق است که محتاج آزمون و بررسی است. این پاسخ‌ها کاملاً واضح و روشن و به‌صورت جمله خبری نوشته شده و با حقایق علمی تأییدشده و پذیرفته‌شده، مغایرت ندارد.

۸. روش گردآوری اطلاعات

بر اساس نحوه گردآوری پژوهش‌ها به پژوهش‌های کتابخانه‌ای (مطالعه کتاب‌ها و مقاله‌ها) است یا میدانی (مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه) تقسیم می‌شوند.

۹. انواع روش تحقیق بر اساس هدف

پژوهش‌ها بر اساس هدف به پژوهش‌های بنیادی و کاربردی تقسیم می‌شوند.

۱۰. منبع‌شناسی پژوهش

منابع شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش است. در این قسمت، محقق، منابع خاصی را که درباره موضوع، شناسایی کرده به ترتیب الفبایی نام نویسنده می‌آورد. در این قسمت ممکن است نام منابعی آورده شود که در طول تحقیق به آنها مراجعه نشود. به همین دلیل با کتابنامه که در پایان تحقیق می‌آید ممکن است متفاوت باشد. در کتابنامه علاوه بر آنکه از منابعی یاد می‌شود که در تحقیق از آنها استفاده شده از منابع عام و مرجع هم، نام برده می‌شود.

بیانیه گام دوم انقلاب

فاطمه کرمی^۱

بیانیه گام دوم انقلاب، بیانیه‌ای است مهم و راهبردی که در تاریخ ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب ازسوی رهبر معظم انقلاب علیه السلام صادر شده است. ایشان در این بیانیه یک تصویر کلان از دستاوردهای چهل ساله انقلاب ارائه نموده و سپس به دورنما و چشم‌انداز چهل‌ساله دوم انقلاب اشاره فرموده‌اند و به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» توصیه‌هایی ارائه فرموده‌اند.

دستاوردهای انقلاب اسلامی در ۴۰ سال گذشته در فرموده‌های ایشان عبارت است از:

۱. ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران؛
۲. پیشرفت کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی؛
۳. به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی؛
۴. ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم؛
۵. سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛
۶. افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛
۷. ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان.

در بخش دیگری از این بیانیه، مقام معظم رهبری علیه السلام پس از توصیه جوانان به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده، سرفصل‌های گام دوم را نیز در ۷ بخش بیان می‌کنند که عبارت است از:



^۱. استاد، مدرسه علیمه آیت الله ایروانی رحمته الله علیه، قم

معرفی کتاب

شمسی کرمی^۱

مبانی قرآنی «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»

کتاب حاضر، اثری از محسن قرائتی می‌باشد که توسط انتشارات ستاد اقامه نماز منتشر شده است. اگر انسان بداند سخنان، برخاسته از قرآن و حدیث و تجربه است با اطمینان بیشتری آن را عملی می‌سازد. روح این بیانیه، خوشبینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است.



در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: خمس و زکات، گامی برای مهار ثروت است. اسلام از یک سو دست افراد قوی، مبتکر، پرکار و خلاق را در مالکیت باز گذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل ربا، سرقت، رشوه، اختلاس و... را ممنوع دانسته اس؛ اما به مالکین درآمدهای حلال اجازه نمی‌دهد تا درآمد خود را هرگونه که خواستند مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت‌اندوزی نهی فرموده است و در مقابل با واجب نمودن خمس و زکات و کفارات و سفارش اکید به انواع کمک‌ها و صدقات، بخشی از اموال آنان را با علم، اراده، عشق و ایمان برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است.

۱. استاد، مدرسه علمیه آیت الله ایروانی رحمته الله علیه، قم

منتخبی از کتب پیشنهادی مقام معظم رهبری علیه السلام

فهیمة نجف پور^۱

رهبر انقلاب بر اهمیت شماری از کتب به نگارش درآمده توسط نویسندگان معاصر، تأکید کرده‌اند تا این کتب، بیش از پیش دیده شوند. شماری از این کتب با تقریظ (پیش‌گفتار) رهبر انقلاب، بازنشر شده‌اند و مورد استقبال گسترده قرار گرفته‌اند. ایشان همچنین به برخی آثار متعلق به نویسندگان خارجی نیز اشاره کرده‌اند. از جمله این کتب عبارت‌اند از:



۱. دن آرام / میخائیل شولوخوف؛
۲. بینوایان / ویکتور هوگو؛
۳. لذات فلسفه / ویل دورانت؛
۴. جان شیفته / رومن رولان با ترجمه م.ا. به‌آذین؛
۵. المعجم فی فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته / آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی؛
۶. آب هرگز نمی‌میرد / سردار میرزا محمد سلگی؛
۷. همپای صاعقه / گل‌علی بابایی و حسین بهزاد؛
۸. دختر شینا / خاطرات خانم قدم‌خیر محمدی‌کنعان؛
۹. آن بیست و سه نفر / احمد یوسف‌زاده؛
۱۰. جشن حنابندان / محمدحسین قدمی؛
۱۱. من زنده‌ام / معصومه آباد؛

^۱. همکار پژوهش، مدرسه علمیه آیت‌الله ایروانی علیه السلام، قم.

۱۲. وقتی مهتاب گم شد / خاطرات جانباز سرافراز آقای علی خوش‌لفظ
به قلم حمید حسام؛
۱۳. تن‌تن و سندباد / محمد میرکیانی؛
۱۴. سرباز کوچک امام / مهدی طحانیان؛
۱۵. خداحافظ کرخه / داوود امیریان؛
۱۶. لشکر خوبان / مهدیقلی رضایی؛
۱۷. زنده باد کمیل / محسن مطلق؛
۱۸. یادداشتهای ناتمام / کمال سپاهی، شهید علی سمندریان، هدایت‌الله
بهبودی و شهید سید محمد شکری؛
۱۹. تیپ ۸۳ / سید محمدعلی دیباچی؛
۲۰. تجاوز که آغاز شد ... / سید محسن علامه؛
۲۱. تپه‌های لاله سرخ / حجت ایروانی، شهید سید محمدرضا فیض و
غلامرضا نباتی؛
۲۲. سفر به قبله / هدایت‌الله بهبودی
۲۳. پیامبری و انقلاب، پیامبری و جهاد و پیامبری و حکومت /
جلال‌الدین فارسی.

نشست علمی پژوهشی

با نگاه تکلیفی طلاب به بیانیه گام دوم

فرحناز قاسمی^۱

نشست پژوهشی با موضوع «نگاه تکلیفی طلاب به بیانیه گام دوم» با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای ربانی (زید عزه) مسئول اداره تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه خواهران با همکاری معاونت پژوهش مدرسه آیت‌الله ایروانی^{علیه السلام} در تاریخ ۹۹/۹/۲۲ در فضای مجازی برگزار شد.

در این نشست، حجت‌الاسلام ربانی در ابتدا به وظیفه و نقش طلاب پرداخته و بیان کردند ما هستیم و انتظاراتی که جامعه از ما در رابطه با یاری دین وجود دارد. انتظاراتی که جامعه دینی، علما، شهدا از ما به‌عنوان یاوران دین می‌خواهند این است که با پژوهش‌های مهم به دین کمک کنیم چراکه دشمنان می‌خواهند ما نباشیم و دانشمندان ما را مثل شهید فخری‌زاده و شهید سلیمانی به شهادت می‌رساند؛ چون اینها ستاره‌های راه علم و پژوهش‌اند.

حجت‌الاسلام ربانی گفت: جریان علم‌آموزی و نشر علم باید از مدارس علمیه و طلاب آغاز شود. طلبه باید این سؤال را در ذهن داشته باشد که من چکار کنم؟ جایگاه من در این چشم‌انداز چیست؟

ایشان متذکر شدند: مقام معظم رهبری^{علیه السلام} راه رسیدن به مرزهای دانش را با عنوان «بیانیه گام دوم» برای ما بیان نموده است؛ گام دوم به ما می‌گوید: که در کجای دانش‌ها قرار داریم. هر چند که دشمنان توانسته‌اند سرمایه‌ها را از ما بگیرند؛ اما ما باید با دانش خود به قله‌های رفیع برسیم.

۱. معاون پژوهش، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی^{علیه السلام}، قم.

استاد ربانی در ادامه گفتند: اکنون عزم ما بر این باشد که نقشه راه و آینده کشور را از همین بیانیه گام دوم ترسیم کنیم؛ نگاه ما به بیانیه گام دوم در این محورها باشد که حوزه تکلیفی ما کجاست؟ و مهم‌ترین عناصر چیست؟ و اینکه به اصول و مطالعه توجه داشته باشیم.

ایشان در پایان افزودند که ارزشمندترین انتخاب‌ها، انتخاب پژوهش است. برای اینکه به درجه فخری‌زاده‌ها و طهرانی‌مقدم‌ها برسیم باید پژوهش‌های اثرگذار را به سرانجام برسانیم.

چکیده مقالات

نقش معنویت در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

حانیه احدزاده^۱

چکیده

هویت حقیقی جامعه، هویت معنوی آن است. در واقع سازه‌ی اصلی برای یک اجتماع، شاکله‌ی معنوی آن جامعه است. تمدن صنعتی غرب بر فلسفه‌های ضد معنوی بنا شده است و سیاست‌های ضد دین با فلسفه‌های مادی همراه شده‌اند. در یک قرن گذشته سلطه‌گران غربی با ترویج حذف معنویت راه را برای غارتگری‌های خود هموار کردند. اما در مقابل این استعمارگران انقلاب اسلامی علم معنویت را دوباره برافراشت. انقلاب اسلامی رنسانس معنوی جهانی بود که زمینه ساز رشد گرایش به معنویت در جهان شد. ترویج مکتب سیاسی امام خمینی انگاره‌های دروغینی که دشمنان از اسلام دارند را باطل می‌کرد و جایگاه معنویت را در همه‌ی ابعاد زندگی نشان داد و می‌توانیم عصر امام خمینی را عصر بازگشت ملت‌ها به هویت معنوی بدانیم. این پژوهش با نگاه توصیفی تحلیلی به نقش معنویت در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازد.

واژگان کلیدی: انسان‌سازی، تمدن اسلامی، عدالت، گام دوم انقلاب، معنویت.

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی رحمته‌الله علیه، قم.

دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی و چالش‌های پیش رو در بیانیه گام دوم انقلاب

مریم داودی حائز^۱

چکیده

با ظهور انقلاب اسلامی در ایران، علاوه بر دگرگونی‌های سیاسی در سایر حوزه‌ها نیز دگرگونی عمیقی ایجاد شد. یکی از این حوزه‌ها فرهنگ بود. اهمیت و جایگاه فرهنگ در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی واضح است؛ به نحوی که اصلی‌ترین جزء پیروزی شکوهمند ملت ایران پیش از آنکه ماهیت سیاسی آن باشد، ماهیت فرهنگی آن بوده است. این موضوع تلاش می‌کند که دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی و چالش‌های پیش روی آن را با روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب به رشته تحریر درآورد و این سؤال را مطرح می‌کند که با پیروزی انقلاب اسلامی چه دستاوردهای فرهنگی نصیب ایران اسلامی شده است و با چه چالش‌هایی مواجه می‌باشد. در این نوشتار در بیان دستاوردهای فرهنگی انقلاب که در دو بعد بصورت مفصل پرداخته شده که بعد داخلی شامل جایگاه زن، نفی مظاهر فرهنگ غربی و ایجاد روحیه خود باوری... و در بعد خارجی نیز به بیان تحقق شعارهای انقلاب در بیرون مرزها و احیای ارزش و سنت‌های اسلامی بپردازد و در آخر نیز به بررسی چالش‌های پیش روی دستاوردهای فرهنگی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، انقلاب اسلامی، چالش‌ها، دستاوردها، بیانیه گام دوم.

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی رحمته‌الله علیه، قم.

نقش راهبردی آماده‌سازی خانواده در زمینه‌سازی ظهور

با تأکید بر بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری علیه السلام

فاطمه مرادی^۱

چکیده

فرهنگ مهدویت یکی از اصول مهم مذهب شیعه است و خانواده به‌عنوان اولین نهاد تربیتی و وظیفه‌ای بزرگ در امر تربیت فرزندان مهدی‌ی‌آور دارد؛ چراکه اولین نهاد تأثیرگذار در زندگی هر فرد خانواده است. از این‌رو با بسترسازی و آماده‌سازی فرزندان برای ظهور حضرت، نقش بی‌بدیلی دارد و با تربیت فرزندان مهدی‌ی‌آور می‌توان نقش راهبردی در امر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ایفا کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، اصل مهدویت را مورد اتفاق همه مسلمان‌ها، مسئله مهدویت را جزو مسلمات در اسلام و در شمار چند مسئله اصلی در چرخه و حلقه معارف عالیه دینی و مهدویت را جزو اصلی‌ترین معارف الهی برشمرده‌اند. با توجه به اهمیت خانواده در تمدن اسلامی و نقش بی‌بدیل این نهاد مقدس در انتقال فرهنگ و عقاید به نسل‌ها و همچنین تأثیر شگرف سلامتی خانواده بر صحت روحی و روانی جامعه، ارائه الگوی مطلوب خانواده تراز اسلامی، می‌تواند گام بزرگی در جهت رشد و تکامل جامعه باشد. داده‌های اولیه این تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و تدوین آن بر اساس روش توصیفی است.

واژگان کلیدی: امام مهدی علیه السلام، فرزندان مهدی‌ی‌آور، خانواده مهدوی، بیانیه گام دوم.

^۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی علیه السلام، قم.

زمینه‌های تهاجم فرهنگی و راه‌های برون‌رفت از آن

از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه‌السلام

نسیم شجاعی برجویی^۱

چکیده

فرهنگ؛ هویت یک ملت است و شخصیت جهانی و اعتبار یک ملت بستگی به فرهنگ متشخص آن ملت دارد. فرهنگ، مبدأ تمام خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. بیگانگان برای چیره‌شدن بر منافع، راهی جز گرفتن فرهنگ غنی آن جوامع ندارند. امروزه محیط زندگی بشر، سرشار از تصرفات و عملکردهای گروه‌های استکباری است. این گروه‌ها برای رسیدن به اهداف خود از هر روش و حيله‌ای استفاده می‌کنند و تمام این کارها را نیز برای رسیدن به منافع آن کشور انجام می‌دهند. تهاجم فرهنگی بسیار خطرناک‌تر از تهاجم مرزی است. مستکبران غربی به‌وسیله تهاجم فرهنگی قصد نفوذ بر آسیا و آفریقا را دارند؛ چون این دو قاره، سرشار از منافع مالی است و همچنین قصد عالیشان نابودی اسلام و انقلاب اسلامی است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی نگاشته شد. ابتدا به مفهوم‌شناسی واژه تهاجم فرهنگی پرداخته شد و به زمینه‌های تهاجم فرهنگی همچون تاریخی، سیاسی، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و تربیتی پرداخته شد و در آخر به راهکار مقابله با تهاجم فرهنگی مانند بیداری و پویایی حوزه‌های علمیه، اهتمام به کانون خانواده، هماهنگی دستگاه‌های دولتی، تقویت فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی در سفارت‌خانه‌ها و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شد.

واژگان کلیدی: تهاجم، فرهنگ، تهاجم فرهنگی، مقام معظم رهبری علیه‌السلام، نفوذ.

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله میرزا یوسف ایروانی علیه‌السلام، قم.

راه کارهای علمی و عملی مقابله با ترویج سبک زندگی غربی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

معصومه ملکی^۱

چکیده

خانواده نخستین بستر برای تحقق سبک زندگی اسلامی بود. مفهوم سبک و فرهنگ زندگی به مسائلی به رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف و به بیان دیگر به همه مسائلی برمی‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند. پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است؛ اما باطن آن سبک زندگی مادی، شهوت‌آلود، گناه‌آفرین و هویت‌زدای ضدمعنویت است. اصل اصالت لذت و اصالت منفعت به‌عنوان دو اصل اساسی جاری در زندگی مردم مغرب‌زمین بر اساس مفاهیم فلسفه اومانیسم تعریف می‌شود. بر همین اساس در این پژوهش سعی بر آن بوده است به روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی ویژگی‌های هر دو زندگی، راهکارهایی جهت پیشگیری و مقابله با ترویج سبک زندگی غربی بر اساس سخنان بزرگان انقلاب با محوریت رهبر معظم علیه السلام به راه‌های علمی از قبیل تبیین سبک زندگی اسلامی، علم و آگاهی، بازخوانی سبک زندگی پیشوایان و انبیای الهی، تعظیم شعائر دینی، راهکارهای عملی مقابله با سبک زندگی غربی، اصلاح الگوی مصرف، فرهنگ‌مداری، معماری اسلامی، ازدواج، روابط خانوادگی و جایگاه زن در فرزندآموری و تربیت نسل، لباس و پوشش پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: راهکارهای علمی، راهکارهای عملی، سبک زندگی، بیانیه گام دوم انقلاب.

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه آیت‌الله ایروانی رحمته الله علیه، قم.